

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری که در دولت‌های قبل نقش ایده‌پرداز داشت، تعطیل می‌شود؟

مهم‌ترین بازوی فکری دولت در خطر تعطیلی

صفحه ۲

روزنامه خبری-تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید را بدو مضمون:
روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۴۶۴۹
پخشیه ۱۱ تیر ۱۴۰۳
۱۳۰ نسخه ۱۴۴۴
۲۰۲۳

محسن یزدی، رئیس شبکه مستند تلویزیون در آستانه عزل است

داستان تراژیک مستند



۱۳ و ۱۲



www.Fdn.ir | ۱۳۸۳ | vol.15 | No. 3901 | 1

اختلاف وزارت بهداشت و وزارت اقتصاد بر سر مجوز پزشکی ادامه دارد، ریشه ماجرا کجاست؟

پزشکان جوان گروگان امضای طلایی

۴ استان در لیست قرمز مهاجرت

درحالی که خالص افزایش جمعیت ۴ استان طی ۱۵ سال اخیر فقط ۶ تا ۷ درصد بوده این مقدار برای برخی استان‌ها ۳۰ تا ۴۰ درصد است



«فرهیختگان» وضعیت برترین ناشران مقالات علمی جهان را بررسی کرد

خسپس‌ترین کشورها در انتشار

مقالات علمی را بشناسید



شورش پیچیده، سرکوب خشن

اعتراضات در فرانسه برخلاف دفعه‌های قبل چندلایه است دولت مکرون از ۴۵۰۰۰ افسر برای سرکوب استفاده می‌کند



« یادداشت - ۲ »

« یادداشت - ۱ »

۵ نکته درباره پاسداشت ناجیان ایران

حرکت به‌سوی «جامعه اسلامی» است، اما این بدان معنا نیست که فرآیند جامعه‌پردازی باید تا تشکیل دولت اسلامی متوقف شود، لذا به‌نظر می‌رسد در هر زمانی که قوای سه‌گانه به‌عنوان عناصر اصلی حرکت به‌سوی دولت اسلامی، حرکتی امیدبخش و جهادی به سوی حاکمیت هرچه بیشتر اسلام و آرمان‌های انقلاب را در دستورکار خود قرار داده‌اند، ادبیات رهبر معظم انقلاب بیشتر آفق جامعه‌پردازانه و تمدنی به خود گرفته است. بنابراین حالا که «دولتی مردمی و علاقه‌مند به حرکت‌ها و هدف‌های مردمی و دارای ریل جداگانه‌ای غیر از دولت محترم قبلی» در مصدر کار قرار گرفته است و مجلسی «انقلابی، باسواد، جوان، پرتحرک، پرکار» روی کار آمده که با تلاش مستمر نمایندگان، «مشکلات کشور شناخته شده و براساس شناخت مشکلات، قانون گذاشته شده» و قوانینی راهبردی تصویب شده است، ایشان با فراغ‌بال بیشتری به تبیین ملزومات جامعه‌پردازی و حرکت به‌سوی چشم‌انداز تمدنی می‌پردازند. اشاره رهبر انقلاب به مواردی همچون نقش و وظیفه «هسته‌های مقاومت در مساجد و هیات‌ها»، در تقویت ایمان و امید در جامعه و مقابله با «شبهه‌آفرینی و یأس‌آفرینی» دشمن، جایگاه و کارکرد دانشجویان و دانشگاهیان به‌عنوان «صفوف مقدم» حضور «سخت‌افزاری و نرم‌افزاری» جهت تعیین جایگاه ایران در «نظم جدید جهانی» و تعیین نقش و جایگاه شهدا و خانواده‌های ایشان به‌عنوان قشر پیشرو در تعیین «سرنوشت کشور» در «حساس‌ترین مقاطع تاریخ کشور» را می‌توان از جمله ورودهای ایشان به تعیین خطوط راهنمایی جامعه‌پردازی در جامعه ایران دانست.

۱ گسترش فرهنگ ایثار و جهاد به همه عرصه‌ها و اقشار

گسترش فرهنگ «جهاد، ایثار و شهادت» به حوزه‌های مختلف و اقشار گوناگون جامعه را می‌توان از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی در دهه اخیر دانست که ریشه آن را باید در راهبری کلان رهبر معظم انقلاب جست‌وجو کرد. چند دهه گذشته، زمانی که رهبر انقلاب از ادبیات به‌ظاهر نظامی و عباراتی همچون «جهاد علمی»، «ناتوی فرهنگی»، «جنگ اراده‌ها» و... برای تبیین حوزه‌های غیرنظامی –به‌خصوص علم و فرهنگ- استفاده می‌کردند، عده‌ای بر ایشان خرده می‌گرفتند که تحلیل این عرصه‌ها با این ادبیات و گسترش ادبیات تقابل با دشمن در حوزه‌های غیرنظامی با روح علم و فرهنگ سازگار نیست. اما گذشت زمان نشان داد دشمن در همه این عرصه‌ها درحال مقابله با شکل‌گیری «ایران قوی» است و وقتی اقشار مختلف فعال در حوزه‌های گوناگون، فهم صحیحی از جایگاه خود به‌عنوان عرصه‌ای جهت ایثار برای سربلندی ملت و جبهه‌ای جهت مقابله با فشار و دسیسه‌های دشمن داشته باشند، همان ثمرات و نتایجی که فرهنگ جهاد و ایثار در دوران دفاع مقدس به‌دنبال داشت، در سایر حوزه‌ها نیز خود را نشان خواهد داد.

ادامه در صفحه ۳

مجتبی باباخانی
عضو هسته مکتب امام مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

رهبر معظم انقلاب اسلامی در روز دوشنبه هفته گذشته پس از پنج‌سال، دیداری صمیمی با تعداد زیادی از خانواده‌های شهدا داشتند که برگزاری این دیدار در موقعیت کنونی و نکات مطرح‌شده از سوی ایشان از جهات مختلف قابل تحلیل به‌نظر می‌رسد. در این نوشته تلاش می‌شود به گوشه‌هایی از اهمیت، اهداف و جایگاه این دیدار از نگاه نگارنده اشاره شود.

۱ شهدا سرنوشت ایران را عوض کردند

رهبر معظم انقلاب در این دیدار شهدا را بزرگ‌ترین «قهرمان‌های کشور» معرفی می‌کنند که در «حساس‌ترین مقاطع تاریخ کشور» همچون پیروزی انقلاب اسلامی، هشت‌سال دفاع مقدس و فتنه‌انگیزی‌ها و آشوب‌آفرینی‌های دشمنان، «سرنوشت کشور را عوض کردند» و به‌سمت سربلندی کشاندند. لذا به‌نظری می‌رسد برگزاری چنین دیداری در این زمان از آن جهت حائز اهمیت باشد که می‌توان گفت انقلاب اسلامی یک‌بار دیگر با ایثار، ازخودگذشتگی‌ها و حماسه‌آفرینی‌های شهدایی همچون شهید عجمیان، علی‌وردی و... یک مرحله حساس از «جنگ ترکیبی» دشمن را که هدفش «سست کردن اراده ملت و خاموش کردن امیدهای ملت ایران و غافل کردن ملت از نیروی خودش بود، پشت‌سر گذاشت. در چنین شرایطی رهبر معظم انقلاب با برگزاری دیداری صمیمی با خانواده‌های شهدا، با تبیین مجاهدت‌ها و ازخودگذشتگی‌های ایشان، ضمن تأکید بر توجه به جایگاه خاص این قشر در جامعه ایران، نقش فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی در تعیین سرنوشت یک ملت را به عموم جامعه متذکر می‌شوند.

می‌توان این‌گونه گفت که از نگاه رهبر انقلاب «ملتی که به استقبال خطر رفتن در راه خدا و شهادت در راه او را، سعادت و یک موفقیت بزرگ می‌داند، هیچ نیرویی توانایی ایستادگی در مقابل آن را ندارد و آن ملت همواره برنده است و پیش خواهد رفت»؛ لذا راه برون‌رفت فتنه‌ها و ابتلائات آینده نیز تکریم شهدا و خانواده‌های ایشان و گسترش فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه است.

۲ توجه به جایگاه شهدا و خانواده‌های ایشان؛ گامی به‌سوی جامعه‌پردازی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین مراحل پنج‌گانه نیل به تمدن نوین اسلامی معتقدند با وقوع «انقلاب اسلامی» و تشکیل «نظام اسلامی» دو گام اولیه این مسیر طی شده است و اکنون در مرحله حرکت به‌سوی تشکیل «دولت اسلامی» قرار داریم و سپس باید به‌سوی شکل‌گیری «جامعه اسلامی» که گام نهایی جهت نیل به «تمدن نوین اسلامی» است، حرکت کنیم. هرچند در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل «دولت اسلامی» لازمه

۲۰ دلیل وجود شکاف میان سخن و عمل در نظام حکمرانی ما

۱ دوم. وجود تعارضات پنهان میان سیاست‌ها و شعارها

اینکه میان سیاست‌های کلان، تعارضی وجود دارد یا ندارد، یک تشخیص فردی نمی‌تواند باشد و تنها از عهده یک دستگاه فکری برمی‌آید. اما قبل از شناسایی تعارضات باید دید چه میزان در فرآیند سیاست‌گذاری تفکر روشن و منسجمی وجود داشته است؟ در واقع، اگر تفکر یا عقلانیت حاکم بر تعیین سیاست‌ها، فارغ از کلی‌گویی‌ها یا آرمان‌سراییه‌ها، درباره مکاتب و نظریه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و مرزهای ظریف میان آنها اشراف نداشته باشد، سیاست‌ها به‌مرکه تعارضات آشکار و پنهان تبدیل می‌شود. نمونه‌های زیادی قابل ذکر است که به‌دلیل ضیق فرصت به جزئیات آنها نمی‌پردازم، اما گاهی ما نمی‌دانیم که برخی سیاست‌ها ما لیبرال است، درحالی‌که بعضی دیگر از سیاست‌ها سوسیالیستی و دفع‌کننده سیاست‌های لیبرال است و در نتیجه آتش شور و تند و تشری طبخ شده که خوردن آن برای کسی ممکن نیست.

۲ سوم. نبود اتفاق نظر نخبگانی روی سیاست‌ها و شعارها

بعد از تعیین سیاست‌ها مبتنی بر محاسبات دقیق و همچنین رفع تعارضات، شکل‌گیری اتفاق نظر نخبگانی و رفع تشتت در مواضع امری ضروری است. با این حال نباید از نظر دور داشت که اتفاق نظر نخبگانی با برگزاری جلسات سخنرانی و ارائه بحث یک‌طرفه حاصل نمی‌شود. در واقع اینچنانیز دیا لوگ‌های دقیق و حساب‌شده با سسطوح گوناگون نخبگان به‌معنای ایجاد مجال کافی برای مباحثه غیر تشریفاتی با آنان (به‌دور از هرگونه حساس‌سوری) است. اگر نخبه‌ای در دیا لوگ‌های تخصصی و آزاد، نظر واقعی خود را ابراز نکند و بعداً نظر دیگری از او بروز پیدا کند، لااقل نفاق و دورویی او بر همگان آشکار خواهد شد.

۳ چهارم. بی‌اعتنایی به لوازم تحقق سیاست‌ها

یا ناتوانی در فراهم‌سازی آنها

یک سیاستگذار یا نهاد سیاستگذار در هر تراز، در زمان سیاست‌گذاری نه تنها باید آگاهی عمیق و غیرشعاری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل (و البته روزآمد) کشور داشته باشد، بلکه می‌بایست از محاسبات روشن و دقیق درباره چگونگی به‌فعلیت رساندن ظرفیت‌ها نیز برخوردار باشد. با این حال، مساله مهم دیگر این است که بر فرض آگاهی عمیق از ظرفیت‌ها، باید از خود پرسید، آیا توانایی لازم برای به‌میدان آوردن ظرفیت‌های فعلیت‌یافته در جهت تحقق سیاست‌ها وجود دارد یا نه؟ گاهی سیاست‌هایی در نظام تعیین می‌شود که به‌طور قطع یا ظرفیت‌های فعلیت‌یافته‌ای برای تحقق آنها نیست یا محاسبات علمی توانایی لازم برای اجرای سیاست‌ها را نفی می‌کند. در چنین شرایطی، عدم وضع سیاست‌هایی که فعلاً لباس عمل نخواهد پوشید، ترجیح عقلی دارد. ادامه در صفحه ۱۵

رضا غلامی

مدرس و پژوهشگر فلسفه سیاسی

از ۴۴ سال از آغاز خود، همچنان نتوانسته در نظام حکمرانی، بسیاری از حرف‌ها و شعارهای جذاب خود را عملی ساخته یا به‌عمل نزدیک کند؟ صرف‌نظر از اینکه چه بخشی از این پرسش واقعی و چه بخشی تحت‌تأثیر فضای رسانه‌ای زاینده شده، پاسخ به آن در گرو مشاهدات و تحلیل‌های چندجانبه است و لذا آن‌طور که تصور می‌شود، آسان نیست؛ از سوی دیگر جواب‌گویی به این پرسش با رودربایستی و پنهان‌کاری سازگار نیست. ممکن است بیان برخی واقعیت‌ها در این زمینه برای بعضی متعصبان، تلخ‌کامی به‌وجود بیاورد اما مانند بیماری که برای درمان خود باید به خوردن داروی تلخ تن دهد، همه ما نیز برای عبور از این شرایط سخت، چاره‌ای جز تن دادن به این تلخ‌کامی نداریم. به‌هرحال براساس اصول ثابت حکمرانی و در نظر گرفتن درس‌های رایج در علوم سیاسی، شاید بتوان گفت در کشور ما چند عامل در ایجاد شکاف میان حرف و عمل وجود دارد که احتمالاً اشاره به آنها برای بررسی‌های تکمیلی و یافتن پاسخ مناسب‌تر، اثربخش است:

۴ یکم. کمبود محاسبات واقع‌گرایانه در سیاست‌های کلان

و به تبع آن، شعارها

هرچند دانش سیاسی نقش اصلی را در این محاسبات دارد اما پیش از دانش سیاسی، عقلانیت سیاسی، پیش‌فرض‌های اصلی دانش سیاسی را به‌وجود می‌آورد. برای دستیابی به عقلانیت سیاسی، گام اصلی و درعین‌حال مداوم، شکل‌گیری دیا لوگ سران نظام حکمرانی با عناصر لایه‌های مختلف حکمرانی، دیا لوگ سران نظام حکمرانی با کارشناسان عالی و زبده در امور مرتبط با حکمرانی و مهم‌تر از همه، دیا لوگ سران نظام با نمایندگان احزاب، مجامع، انجمن‌ها و اتحادیه‌های مدنی است. نباید از نظر دور داشت که این دیا لوگ‌ها نباید تشریفاتی و با رویکرد پوپولیستی انجام شود. شاید ذکر این نکته خالی از لطف نباشد که دیا لوگ به این معنا، در کشور ما به‌ندرت اتفاق می‌افتد. به‌همین دلیل ما از فهم دقیقی از موقعیت فکری خود در میان ایسم‌های گوناگون و رایج در دنیای مدرن بهره‌مند نبوده و میان آنها غوطه می‌خوریم. مثلاً نمی‌دانیم لیبرال هستیم یا مارکسیست؟ نولیبرال هستیم یا نورماکسیست؟ فردگرا هستیم یا جامعه‌گرا؟ (البته بدیهی است که بودن در اتمسفر هر یک از ایسم‌ها، باید‌ها و نیاید‌هایی را به ما تحمیل خواهد کرد.) آیا اگر هیچ‌کدام آنها نیستیم، مکتب دیگری را ابداع کرده‌ایم؟ این مکتب دقیقاً چیست و چه منطقی دارد؟ ...

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر سیدعباس صالحی، نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست موسسه اطلاعات

خبر درگذشت همشیره مکرمه جنابعالی موجب تأثر و تأسف گردید. اینجانب این مصیبت را به جنابعالی، خانواده معزز و به‌ویژه همسر گرامی آن مرحومه آقای دکتر علیرضا واسعی تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن بانوی مکرمه رحمت واسعه الهی و برای شما و سایر بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسالت دارم.

علی اکبر ولایتی

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقایان محمود فرازنده و حسن فرازنده

درگذشت همشیره گرامی‌تان را تسلیت عرض نموده‌ام و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای شما و خانواده محترم تان صبر و اجر مسالت دارم.

علی اکبر ولایتی

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر سیدعلیرضا ناجی

درگذشت والده گرامی‌تان را تسلیت عرض نموده‌ام و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای شما و خانواده محترم تان صبر و اجر مسالت دارم.

علی اکبر ولایتی



گزارش

وقتی جغرافیا معنی شورش را تعیین می کند
شکست شبه‌روشنفکران ایرانی
در آشوب‌های پاریس

علی فلاحي
خبرنگار گروه‌سیاست

پنج روز از شلیک پلیس فرانسه به «نائل»، جوان ۱۷ ساله فرانسوی که منجر به قتل او شد می گذرد. این اتفاق تنها به جرم عبور از چراغ قرمز و عدم توجه به فرمان ایست پلیس رخ داد و از عصر همان روز خیابان‌های شهرهای مختلف فرانسه شاهد اعتراضات گسترده مردم خشمگین این کشور به این حادثه هستند. سطح خشونت و حجم درگیری‌ها بین معترضان و نیروهای پلیس در سال‌های اخیر کم‌سابقه است. به گزارش آسوشیتدپرس شمار معترضان دستگیر شده تنها در چهارمین شب از این اعتراضات از ۱۳۰۰ نفر فراتر رفته است و بیش از ۴۵ هزار پلیس مأمور مهار اعتراضات شده‌اند. حجم بالای حوادث فرانسه باعث شده است تا تحولات این کشور به سرخط خبرهای خبرگزاری‌های دنیا تبدیل شود. رسانه‌های فارسی‌زبان داخلی و خارجی هم از این قاعده مستثنی نیستند و روز‌روهای گذشته هر یک با زاویه دید خاص خود مشغول پوشش اتفاقات فرانسه بودند. با توجه به شباهت زیاد حوادث اخیر فرانسه با اتفاقات پاییز سال گذشته در کشورمان انتظار می‌رود که به همان میزان در نحوه و میزان پوشش اخبار این حوادث شاهد شباهت‌هایی باشیم اما در مواضع برخی افراد و رسانه‌های فارسی‌زبان تناقض‌های آشکاری در مواجهه با این دو پدیده نسبتاً مشابه به چشم می‌خورد. در ادامه با مرور برخی از این موارد، علت این تناقض‌های آشکار را بررسی می‌کنیم.

بلاخره جنبش یا شورش؟

اولین موردی که باید به آن اشاره کرد عباراتی است که برای توصیف این حوادث استفاده می‌شوند. بسیاری از رسانه‌ها از جمله بی‌بی‌سی فارسی و برخی رسانه‌ها و اکانت‌های داخلی از به کار بردن اصطلاحاتی از جمله «شورش» و «آشوب» برای روایت اتفاقات فرانسه ابایی ندارند. دلیل استفاده از این عبارات هم خشونت بالای معترضان و آسیب رساندن به اموال عمومی قلمداد می‌شود. این در حالی است که این اتفاقات به میزان بسیار زیادی در سال گذشته در کشور خودمان نیز رخ داد اما این رسانه‌ها هرگز به خود اجازه نمی‌دانند که حوادث پاییز سال گذشته را با عباراتی غیر از «انقلاب» و «جنبش» توصیف کنند. طبیعی است که خشونت‌های عربان و تخریب بی‌حدموز اموال عمومی به بهانه اعتراض، توصیفی غیر از آشوب و شورش ندارد و وقایع فرانسه به‌درستی به این صورت توصیف می‌شوند. اما سوال اصلی اینجاست که علت مواجهه متفاوتی این رسانه‌ها با حوادث مشابه ایران چیست! رسانه‌های مذکور با استفاده از عباراتی از قبیل «جنبش» سعی داشتند که بر رفتارهای خشونت‌آمیز آشوب‌گران حوادث سال گذشته سروش بگذارند و آن‌را به‌عنوان یک جنبش اجتماعی جا‌زنند. اما مواضع آنها در مواجهه با حوادث فرانسه نشان می‌دهد که ظاهراً این رسانه‌ها بر این باورند که شورش و آشوب در هر جای دنیا مذموم است مگر اینکه در ایران و علیه جمهوری اسلامی رخ دهد.

مواجهه متفاوت با مأموران امنیتی

برخی رسانه‌ها رفتار خشونت‌بار پلیس با معترضان را به دلیل خشونت بالای معترضان و تخریب اموال عمومی توسط آنان موجه می‌دانند. این مساله هم منطقی به نظر می‌رسد و طبیعی است که حفظ نظم و امنیت خیابان‌ها و مقابله با برهم‌زنندگان نظم عمومی از وظایف اصلی پلیس به شمار می‌رود. اما همین رسانه‌ها در پاییز سال گذشته با ترویج نظریه «چرخه خشونت» مشغول تئوریزه کردن سکوت و انفعال نیروهای انتظامی در مقابل اغتشاشات و خرابکاری‌های آشوبگران بودند. مشخص نیست که این رسانه‌ها بر چه مبنایی برای رفتار پلیس در ایران و فرانسه تفاوت قائل شده و ادعا می‌کنند خشونت‌ها در فرانسه با برخورد پلیس پایان می‌یابند اما در ایران پلیس باید خود را کنار بکشد تا اصطلاحاً چرخه خشونت متوقف شود!

وقتی سیاست سن عقلی را تعیین می کند

مورد عجیب دیگر موضع این رسانه‌ها نسبت به بازه سنی معترضان است. گرچه اشاره مستقیمی به این مساله مشاهده نشده است اما در برخی موارد سعی شده است تا میانگین سنی پایین معترضان در فرانسه به‌عنوان نقطه ضعفی برای این اعتراضات تلقی شود. به‌گونه‌ای که میانگین سنی پایین معترضان به بهانه‌ای برای نوشتن همه اعتراضات به پای شورش و هیجان دوران نوجوانی آنها تبدیل شده است. بهانه‌ای که رئیس‌جمهور فرانسه نیز دوست دارد تا از آن استفاده کند. مکررون در اظهارنظری عجیب گفته بود که «بازی‌های ویدیویی، ذهن نوجوانان را مسموم کرده و باعث شده شورش کنند». اما مانند سایر تناقض‌ها، مساله میانگین سنی معترضان نیز در ایران واکنش‌های کاملاً متفاوتی را به همراه داشت. این رسانه‌ها نه‌تنها میانگین سنی پایین آشوبگران پاییز سال گذشته را نشانه ضعف نمی‌دانستند بلکه سعی داشتند تا با تعریف و تمجید از آنچه که شجاعت نسل جدید می‌خواندند، باعث تهییج بیشتر نوجوانان شوند.

اتفاقی مشابه و رفتارهای نامتشابه

اما فراتر از نحوه پوشش رسانه‌ای حوادث فرانسه، این اتفاقات دو تفاوت مهم با آشوب‌های سال گذشته در ایران نیز دارند. مادر نائل در اولین مصاحبه خود بعد از قتل پسرش در کنار دعوت از مردم فرانسه برای شرکت در راهپیمایی‌های اعتراضی، اظهار داشت که «تنها فرد شلیک‌کننده را مقصر می‌دانم» و ساختار پلیس را سرزنش نمی‌کند. این در حالی است که در زمان اغتشاشات پاییز سال گذشته برخی رسانه‌ها از هیچ تلاشی برای تعمیم جزئی‌ترین اشتباهات نیروهای پلیس به کل ساختار انتظامی کشور فروگذار نمی‌کردند. تفاوت دیگر نقش آفرینی کاملاً متفاوت سلبریتی‌های فرانسوی در جریان اعتراضات این کشور بود. بسیاری از سلبریتی‌های سرشناس این کشور هنوز واکنشی به این حوادث نشان نداده‌اند. اما کیلیان امپایه ستاره سرشناس تیم ملی فوتبال فرانسه در پیامی که خطاب به هموطنان خود منتشر کرد همه را به آرامش و دوری از خشونت دعوت کرد. نقش آفرینی‌ای که کاملاً عکس آن را از خیلی از سلبریتی‌های ایرانی در جریان حوادث پاییز سراغ داشتیم. با توجه به همین مساله حدس زدن علت اینکه واکنش امپایه توسط رسانه‌هایی مانند اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و بسیاری از رسانه‌های اصلاح‌طلب پوشش داده نشده است، کار سختی نیست.

در پایان باید مجدداً متذکر شد که بسیاری از مواضع ذکر شده درباره حوادث فرانسه دور از واقعیت هستند اما نکته مهمی که باید به آن توجه کرد استاندارد دوگانه رسانه‌هایی است که بعضاً ادعای بی‌طرفی یا حمایت از مردم ایران را دارند، اما در عمل نقش پررنگی در ترویج هرچه بیشتر خشونت و ایجاد دوقطبی بین مردم ایران در حوادث پاییز ایفا کردند. شاید اگر این استاندارد دوگانه کنار گذاشته می‌شد و مواضع آنها نسبت به حوادث سال گذشته کشورمان به مواضع نسبت به آشوب‌های فرانسه شباهت داشت، شاهد بسیاری از اتفاقات تلخ در پاییز ۱۴۰۱ نمی‌بودیم.



زهرا طیّبی
خبرنگار گروه سیاست

یکی از انتقاداتی که از ابتدای آغاز به کار دولت سیزدهم وارد می‌شد این بود که این دولت به لحاظ گفتگمانی چیزی برای ارائه نداشته یا حداقل اگر هم کلان‌ایده‌ای در این زمینه دارد نتوانسته آن را به جامعه ارائه کند. نهایتاً اما رئیس‌جمهور بعد از چندین ماه عدالت و جمهوریت را به‌عنوان گفتگمان دولت اعلام کرد. برای اینکه در جامعه فهمی عمومی از گفتگمان دولت به وجود بیاید فارغ از شیوه‌های عملکردی یا ارائه‌های تک‌خطی از زبان مقامات بالادستی باید مفاهیم فکری عمیقی نیز درمورد مسائل جامعه به وجود بیاید تا جامعه درمورد مسائل مختلفی که در آن اختلاف نظر وجود دارد بتواند موضع احتمالی دولت را پیش‌بینی کرده و خود را برای آن آماده کند. به‌طور مثال زمانی که دولت سیزدهم یکی از شعارهای خود را جمهوریت تعریف می‌کند مردم باید بتوانند موضع دولت درمورد مسأله‌ای همچون گشت ارشاد را که در جامعه شکاف‌هایی نیز به وجود آورد تشخیص دهند. این امر نیز جز از طریق اعلام موضع صریح، بی‌پرده و کاملاً همسودولت‌مدان محقق نخواهد شد. درصورتی که دولت‌مدان درمورد مصادیق اینچنینی اظهارنظر نکرده یا دچار نشئت شوند این تلقی به وجود می‌آید که دولت با استدلال قابل دفاعی نداشته یا از صراحت در بیان موضع خود اجتناب می‌کند. خروجی این فرآیند این باور را تصدیق می‌کند که عملاً گفتگمان قدرتمندی به‌عنوان پشتوانه دولت وجود ندارد. چنین چالشی هیچ وقت درمورد مسائل پیش‌با افتاده به وجود نمی‌آید و دولت‌مدان اگر می‌خواهند خود را واجد یک دال گفتگمانی متقن نشان دهند باید درمورد مسائل پیچیده و پرمفاه مواضع عقلانی اتخاذ کرده و آن را با قاطعیت ابراز کنند. اگرچه این توقع وجود ندارد که همه مجریان دولتی بتوانند درمورد مسائل پیچیده اظهارنظر دقیق داشته باشند اما مطالبه اینکه نهادی برای حل‌الحای مسائل پیچیده وجود داشته تا بتواند به‌عنوان تریبون دولت پاسخگو نخبگان جامعه باشد امری منطقی است. بعد از تاسیس مرکز بررسی‌های استراتژیک در زمان دولت هاشمی این توقع به وجود آمد که این مرکز تا حد زیادی بتواند چنین نقشی را ایفا کرده و دولت را از سردرگمی در مباحث اجتماعی عمیق برهاند. در دولت سیزدهم نیز طبعاً چنین توقمی از این مرکز و مسئولان آن وجود دارد که درمورد مسائل مختلف به‌عنوان بازوی فکری دولت وارد عمل شده و حتی خود نیز به اظهارنظر بپردازند. این توقع البته به‌خوبی برآورده نشده و جامعه نخبگانی کشور تا کنون خروجی بیشتر از ۵ شماره مجله که البته در ۳ جلد به چاپ رسیده است از این مرکز ندیده است. مجلاتی که مصادیق چالش برانگیز آن در جامعه نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. حالا که کمتر از ۲ سال از آغاز به کار دولت سیزدهم گذشته زمه‌هایی از احتمال تعطیل شدن دائمی مرکز بررسی‌های استراتژیک به گوش می‌رسد تا اندک امید باقی‌مانده به استفاده از ظرفیت بازوی فکری دولت نیز از بین برود. به‌هرحال کنار رفتن محمصداق خط‌اطیان از سمت ریاست مرکز با هدف نشستن بر صندلی ریاست صندوق نوآوری و شکوفایی این زمه‌ها را محتمل‌تر کرده و باید منتظر ماند و دید آیا رئیس‌جمهور تن به برچیده شدن مرکز بررسی‌های استراتژیک خواهد داد یا سرنویست دیگری را برای این مرکز رقم خواهد زد. در ادامه ضمن مرور تاریخچه‌ای از مسیری که مرکز بررسی‌های استراتژیک از بدو تاسیس تا کنون پیموده است به بررسی عوایدی پرداخته‌ایم که حفظ و تقویت مرکز می‌تواند برای کشور به ارمغان آورد.

تاسیس مرکز بررسی‌های دولت سازندگی

«مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری»، نهاد مشورتی رئیس‌جمهور با اتاق فکر دولت، در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی تاسیس شد. اولین رئیس این مرکز در سال ۶۸ موسوی‌خوئینی‌ها بود. خوئینی‌ها که در زمان امام دادرستان کل کشور بود، بعد از ریاست‌جمهوری محمد یزدی در قوه قضائیه به سمت رئیس این مرکز منصوب می‌شود و تا سال ۷۱ در این مسئولیت باقی می‌ماند. هدف از تشکیل این مرکز انجام مطالعات و پژوهش‌ها و ارائه پیشنهادها به رئیس‌جمهور بود. بعد از انتصاب خوئینی‌ها دیگر چهره‌های چپ به‌مرور در این مرکز مشغول به فعالیت شدند. چهره‌هایی مثل عباس عابدی، سعید حجاریان، محسن کدیور، عمادالدین باقی، علیرضا علوی‌تبار از جمله شخصیت‌هایی بودند که در دوران ریاست‌خوئینی‌ها در این مرکز مشغول به فعالیت می‌شوند. چهره‌های موسوم به جناح چپ که در ساختار قدرت نبودند در این مرکز به فعالیت می‌پرداختند و در برخی محافل سیاسی این گمانه مطرح می‌شد که هاشمی‌رفسنجانی تنها برای اینکه صدای اعتراضی از این جناح بلند نشود خوئینی‌ها را به این سمت منصوب

کرده است. استدلال افرادی که این نظر را داشتند این بود که پیشنهادهایی که از جانب چهره‌های چپ حاضر در مرکز و با زاویه‌نگاه آنها مطرح می‌شد، چندان مورد اقبال و توجه رئیس‌جمهور قرار نمی‌گرفت. سعید حجاریان معاون سیاسی‌خوئینی‌ها، پروژه توسعه سیاسی و جامعه مدنی» را که درواقع ترجمانی از ایده حسین بشیریه بود را به هاشمی ارائه داد و با بی‌توجهی او مواجه شد. به جهت تفاوت دیدگاه‌هایی که مرکز بررسی‌های استراتژیک با دولت و رئیس‌جمهور داشت، همکاری و فعالیت مثبت و قابل‌توجهی با این مرکز صورت نگرفت و به‌نظر می‌رسید هاشمی تنها برای اینکه سمت و مسئولیتی به افراد موسوم به جناح چپ داده باشد، خوئینی‌ها را به ریاست این مرکز منصوب کرده بود. خوئینی‌ها سال ۷۱ از مرکز بررسی‌ها رفت و حسن روحانی به جای او به ریاست این مرکز منصوب شد. درباره علت کناره‌گیری خوئینی‌ها از مرکز، روایت‌های متفاوتی وجود دارد. حجاریان علت استعفای خوئینی‌ها را تیره شدن روابط مجمع روحانیون مبارز با هاشمی بعد از انتخابات دور دوم ریاست‌جمهوری دانسته و نقل می‌کند که هاشمی حمایت مجمع را در رای‌آوری خود بی‌اثر خوانده بود، اما برخی هم می‌گفتند خوئینی‌ها بعد از دو سال و احتمالاً بعد از شکست جناح چپ در انتخابات مجلس چهارم از ریاست‌مرکز کناره‌گیری کرد. با ریاست روحانی در این مرکز اما همچنان برخی شخصیت‌های چپ در این مرکز به فعالیت ادامه دادند. رسالت اصلی مرکز بررسی‌ها که ارائه پیشنهادها و نظرات به رئیس‌جمهور بود در زمان ریاست حسن روحانی در این مرکز نیز چندان عملی و اجرایی نشد. علیرضا علوی‌تبار که آن زمان معاون فرهنگی مرکز بررسی‌های احمدی‌نژاد به با آقای هاشمی ارتباطی نداشتیم، ولی آقای روحانی موضع‌هایی می‌گرفت و به اسم آقای هاشمی می‌گفت. مثلاً به یاد دارم ایشان همیشه می‌گفت آقای هاشمی نامه‌ای به من دادند که همه شما را اخراج کنم. «بریزم بیرون»! اصطلاحی که به کار می‌برد این بود. می‌گفت همه شما را بریزم بیرون، ولی من نمی‌خواهم این کار را بکنم. بعد هم به محتوای پروژه‌ها رسید؛ مثلاً پروژه فقر و نابرابری در بخش ما را حذف کرد.»

تاسیس مرکز بررسی‌های دولت سازندگی

بعد از بی‌توجهی دولت سازندگی به پیشنهادها و پروژه‌های مرکز بررسی‌ها، اعضای این مرکز به سمت فعالیت‌های سیاسی حرکت کردند. حلقه آئین، از دل مرکز بررسی‌ها در سال ۷۴ شکل گرفت. سعید حجاریان و سعید محمد خاتمی در مرکز این حلقه قرار داشتند و اعضای کادر سازمان مجاهدین انقلاب، مثل نبوی، تاج‌زاده و آرمین، هادی خانیکی، عباس عبدی، محمدتقی فاضل‌میوند و محسن کدیور ازجمله اعضای این حلقه بودند که نقش زیادی در پیروزی خاتمی در انتخابات دوم خرداد داشتند. هاشمی در سال ۷۶ ساختار اصلی مرکز بررسی‌های استراتژیک را به مجمع تشخیص منتقل کرد و «مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام» تشکیل شد.

تاسیس مرکز بررسی‌ها در دولت خاتمی

با آغاز ریاست‌جمهوری خاتمی در سال ۷۶، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری، با نام جدید «مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری» تشکیل شد. اهداف مرکز جدید همانند مرکز سابق بود با این تفاوت که در اساسنامه جدید، چند معاونت از ساختار قبلی حذف و بعضی نیز به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از

معاونت‌های پیشین منصوب می‌شدند. ریاست مرکز بررسی‌ها به محمدرضا تاجیک سپرده شد. در دوره ریاست‌جمهوری خاتمی تعاملات مثبتی میان این مرکز با دولت در ارائه پیشنهادها و برنامه‌ها صورت گرفت و همسویی که میان مرکز و دولت وجود داشت، باعث شد همکاری‌هایی در این رابطه صورت بگیرد. موضوعاتی مثل توسعه سیاسی، جامعه مدنی، مردم‌سالاری، حقوق بشر، رابطه دین و دموکراسی، پلورالیسم دینی و رنسانس اسلامی مواردی بودند که در این مرکز بحث و بررسی پیرامون آن صورت می‌گرفته است.

کم‌ررق شدن مرکز بررسی‌ها در دوره احمدی‌نژاد

ریاست مرکز بررسی‌های استراتژیک با تغییر دولت در سال ۸۴ تغییر کرد و محمدرضا ذاکرافهانی، به‌عنوان رئیس این مرکز منصوب شد. اعضای اصلی این مرکز در زمان ریاست ذاکرافهانی؛ مرتضی آقائزانی، غلامحسین الهام، عباسعلی کدخدایی، محمدعلی فتح‌اللهی، علی مختاری، الیاس نادران، صادق مصولی و فاطمه آلیا بودند. در این دوره انتشار مجله راهبرد که متعلق به مرکز بررسی‌ها بود، متوقف و دو مجله برداشت اول و برداشت دوم منتشر شد که اولی برای مسئولان و به‌صورت تخصصی و دومی هم در سطح عمومی منتشر می‌شد. غلبه نگاه‌های سیاسی به فعالیت‌های تحقیقاتی و ارائه پیشنهادات در این زمان هم قابل‌رویت بود. ذاکرافهانی البته بعد از ریاست‌بر مرکز به سمت استانداری اصفهان منصوب شد و بعد از او پرویز داوودی، معاون اول رئیس‌جمهور به این سمت منصوب شد. علاوه‌بر غلبه فعالیت‌های سیاسی، یکی دیگر از انتقاداتی که در ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد به این مرکز وارد می‌شد این بود که چهره‌هایی که در مرکز به کار گرفته می‌شدند چندان اهل پژوهش نبودند. موسی نجفی یکی از پژوهشگران علوم سیاسی، در زمان ریاست ذاکرافهانی متأثر از چنین فضایی از مرکز بررسی‌های استراتژیک کناره‌گیری کرد.

مرکز بررسی‌ها در دوره ریاست‌جمهوری روحانی

با آغاز ریاست‌جمهوری حسن روحانی، حسام‌الدین آشنا به‌عنوان رئیس این مرکز منصوب شد. با توجه به برنامه دولت یازدهم و دوازدهم برای حصول توافق با غرب و پیگیری مذاکرات، عمده تمرکز این مرکز در این دوره بر این موضوع بوده است. برخی از منتقدان البته از تغییر چشمگیر بودجه مرکز بررسی‌ها در دولت روحانی می‌گفتند. برای مثال گفته می‌شد براساس ایچه بودجه سال ۹۶ برای برگزاری ۳۰ همایش مجموعاً سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون به مرکز بررسی‌ها بودجه اختصاص داده شده است. موضوعی که البته مرکز آن را تکذیب می‌کرد. ماجرای انتشار فایل صوتی گفت‌وگوی ظریف که با نام تاریخ شفاهی ایران، توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری انجام شده بود، سبب شد آشنا در اردیبهشت ۱۴۰۰ استعفا بدهد و رئیس‌جمهور، علی ربیعی را به جای او به‌عنوان ریاست این مرکز منصوب کند. انتشار صوت محمджواد ظریف و دوقطبی‌های غیرسازنده‌ای که در ادامه در جامعه ایجاد کرد، باعث شد تا برخی این انتقاد را وارد کنند که مرکز بررسی‌های استراتژیک در دوره حسن روحانی نیز همچون دوره‌های پیشین رویکردی سیاست‌زده را اتخاذ کرده و نسبتی با اقدامات پژوهشی کمک‌کننده به دولت نداشته است.

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری که در دولت‌های قبل نقش ایده‌پرداز داشت، تعطیل می‌شود؟

مهم‌ترین بازوی فکری دولت در خطر تعطیلی



اثراتی که مرکز می‌تواند داشته باشد

اگرچه رویکرد غالباً سیاسی مرکز بررسی‌های استراتژیک در دوره‌های مختلف باعث شده جامعه و به‌طور ویژه‌تر فضای نخبگانی جامعه عملکرد مرکز را منفی و جایگاه آن را تشریفاتی قلمداد کنند، اما این نگاه نباید مانع از این شود که دولت‌مدان نسبت به ظرفیت‌های بلااستفاده مرکز غافل شوند. ظرفیت‌هایی که با اصلاح رویه‌های معمول می‌تواند فعال شود و به دولت کمک فکری موثری کند. برخی از این ظرفیت‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. ایجاد بستری برای گفت‌وگوی موثر

بعد از آغاز موج التهابات در خیابان‌های ایران شاهد بودیم که گروه‌های مختلف مردم هر یک از ظن خود حوادث رخ داده را تحلیل کردند و اختلاف نظرات بعضاً به شکاف نیز انجامید. تنها راهکار رفع چنین اختلافاتی ایجاد بستری برای گفت‌وگو بین اقلشار مختلف جامعه به‌ویژه نخبگان است، دولت نیز با چنین هدفی راه‌اندازی خانه‌های گفت‌وگو در دانشگاه‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۲. پل ارتباطی دولت با نخبگان

مسئولان اجرایی کشور به‌واسطه حجم مشغله‌های روزمره شاید این توان را نداشته باشند که ساعات‌های نظرات چهره‌های علمی بنشینند و شرح کاملی از استدلال‌های آنها را بشنوند، مرکز بررسی‌های استراتژیک این امکان را فراهم می‌آورد که نخبگان بتوانند نظرات خود را به‌صورت مفصل ارائه بدهند و خروجی این نظرات نیز می‌تواند در ادامه به فضای هیات دولت منتقل شود. از سوی مقابل دولت‌مدان برای تشریح چرایی تصمیمات اتخاذی می‌توانند از ظرفیت مرکز بررسی‌ها برای انقاع جامع نخبگانی بهره ببرند و مانع از این شوند که آنها به‌دلیل نشنیدن استدلال‌های دولت یا قضاوتی یک‌جانبه به‌تقدردانیکال دولت بپردازند و احیاناً افکار عمومی را نیز نسبت به عملکرد دولت بدبین کنند.

۳. قوه عاقله‌ای برای مصادیق

پیچیدگی‌های اداره کشور گاهی مسائلی را به وجود می‌آورد که محل بحث و اختلاف‌نظرهای فراوانی است. تصمیم‌گیری دربرهنگام با غیرقاطعانه در چنین مواردی باعث می‌شود افراد مختلف هر یک برای حل مساله راهی جداگانه اتخاذ و ریل حرکتی دولت را دچار تشتت کنند. دامنه این اختلافات زمانی که به میان مردم کشیده شود، شکاف‌های اجتماعی را پدید می‌آورد که می‌تواند بحران آفرین باشد. مرکز بررسی‌های استراتژیک ظرفیت فکری را در اختیار دولت‌مدان درگیر مشغله‌های انبوه قرار می‌دهد که با استفاده از آن می‌توانند درمورد مسائل پیچیده نیز سریع‌تر به جمع‌بندی برسند و دچار چنددستگی نشوند. لازمه چنین تأثیری این است که اولاً پژوهشگران حاضر در مرکز بررسی‌ها با استدلال‌های دقیق وמושکافانه برای حل مسائل راهکار ارائه دهند و ثانیاً دولت‌مدان در اختلاف‌نظرها نخبگان جامعه را مرجع قرار دهند و با اجماع حول نظرات کارشناسی شده آنان مانع از ایجاد شکاف‌های سیاسی و اجتماعی شوند.

بودجه دانشگاه‌ها در حوزه آی‌اس‌خگوی نیازها نیست



«فرهیختگان» وضعیت برترین ناشران مقالات علمی جهان را بررسی کرد

خسپیس‌ترین کشورها

در انتشار مقالات علمی را بشناسید

فرهیختگان

دانشگاه

شماره مسلسل ۶۶۳ | یکشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۴ | ۱۳ دیماه ۱۴۴۴ | ۲۰ شهری ۲۰۲۳ | شماره ۱-۳۱۰

Sun | 2 Jul 2023 | vol.15 | No. 3901 | 16 Pages

www.fhn.ir

۱۰ واکنش دانشجویان در اعتراض

به هتک حرمت قرآن کریم در سوئد

دانشجویان آزادیخواه

مقابل اقدامات

اسلام‌ستیزانه بایستند

معاون توسعه و مدیریت منابع دانشگاه آزاد:

فرآیند تبدیل وضعیت

در دانشگاه آزاد

یک‌سال کاهش یافت

در نشست خبری فراخوان طرح ترویج کارآفرینی مطرح شد

عزم ۳۰ هزار نفری

برای آموزش کارآفرینی

در دانشگاه

ادامه از صفحه یک

نام بردن رهبری از شهدای عرصه‌های مختلف همچون شهدای هنر و ادبیات، علم و تحقیق، امنیت، سلامت، مدافع حرم، مقابله با فتنه‌های دشمن و... نشان از گسترش فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت‌طلبی - که شاید زمانی منحصر در عرصه نظامی و مختص قشر خاصی از جامعه بود- در عرصه‌های مختلف اجتماعی و افشار گوناگون جامعه دارد که شاید تکیه‌دهه پیش سنخیتی میان آنان با این فرهنگ احساس نمی‌شد.

تشییع پیکر شهدا؛ نمایانگر عیار ملت ایران

به‌نظر می‌رسد یکی دیگر از نتایج این دیدار، برجسته کردن شهدا و خانواده‌های ایشان به‌عنوان «موتور محرک» جامعه در تعیین مسیر و پیش برنده ملت ایران به‌سوی سرنوشت و آینده‌اش است. رهبر معظم انقلاب با استناد به آیه مبارکه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرزقون»، معتقدند: «انسانی که جان خود را صرف می‌کند برای یک هدف و مقصد الهی و خدای متعال هم در پاسخ به این ایثار و گذشت بزرگ، حضور او را در ملت او تداوم می‌بخشد و یاد، فکر و آرمان او زنده می‌ماند، این خاصیت کشته‌شدن در راه خدا است.» بدین ترتیب، شهدا نه تنها با مجاهدت و شهادت خود نقش «موتور حرکت جامعه» را جهت عبور از موانع و حرکت به‌سوی آرمان‌ها ایفای می‌کنند، بلکه دست آنان پس از شهادت با زتر است و می‌تواند تحول عمیقی در جامعه ایجاد کند. از نگاه رهبر معظم انقلاب، «تشییع جنازه شهدا، صدای ملت ایران است.» از آنجا که «وجود حقیقی آنها [شهدا] زنده است»، مردم در این مراسم تشییع و تکریم شهید به میدان می‌آیند و حقیقت وجودی خود را نشان می‌دهند و به دشمن «می‌گویند: ما این جور هستیم. شما جوان ما راه شهادت می‌رسانید، همه ما پشت این جوانان!» بدین ترتیب از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تربیت افرادی همچون شهید عجمان در دنیای پرهرزن امروز از یک‌سوی و حضور گسترده مردم در مراسم تشییع پیکر این شهید که یک جوان ناشناخته‌ای است، [ولی] در شهادت او یک جمعیت عظیمی برای تشییع جنازه بیرون می‌آیند.» از سوی دیگر، صدای ملت ایران و نشان دهنده واقعیات موجود در جامعه است که دشمن در تلاش است آن را به گونه دیگری منعکس کند.

فرهنگ ایثار و شهادت؛ متزلزل‌کننده فردگرایی غربی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدارهای اخیر خود بارها از برهم خوردن نظم ظالمانه کنونی و شکل‌گیری نظم نوین جهانی سخن گفته‌اند. ایشان با ذکر نشانه‌هایی از تحولات بین‌المللی معتقدند: «امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است؛ یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا.» لذا در چنین شرایطی «همه کشورها از جمله کشور ایران اسلامی ما وظیفه دارد جوری در این نظم جدید حضور پیدا کند - حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری - که بتواند امنیت کشور را، و منافع کشور را و ملت را تأمین کند، در حاشیه نماند، عقب نماند.» به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین ابزارهای نرم‌افزاری موجود در جبهه انقلاب اسلامی و حامیان آن، فرهنگ ایثار و شهادت است که نشان دهنده اوج «ایمان و امید» در این جبهه است. اهمیت فراگیری این فرهنگ وقتی بیشتر نمایان می‌شود که به این نکته توجه شود که فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی، «درست نقطه مقابل فرهنگ فردگرایی غربی امروز [است] که همه چیز را برای خود و با محاسبه شخصی می‌سنجند... این درست نقطه مقابل آن فرهنگ است؛ یعنی «وَأُوْتِرُونَ عَلٰی أُنْفُسِهِمْ»؛ اینها کسانی هستند که ایثار می‌کنند؛ فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم.» با این نگاه، «اعتقاد به مجاهدت یک ثروت فرهنگی است؛ این در کشور ما وجود دارد، در خیلی از کشورها نیست؛ این فرهنگ به‌معنای تلاش کردن با سرمایه‌گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همه مردم [است]؛ که البته... آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است.» لذا این فرهنگ یکی از مهم‌ترین نرم‌افزارهای جبهه انقلاب اسلامی جهت به‌افول کشاندن تمدن غرب و حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی است. «این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب برنخواهد گشت و پیش خواهد رفت.»

پی‌نوشت‌ها در دفتر روزنامه موجود است.

گزارش

گزارش «فرهیختگان» از ۱۰ واکنش دانشجویان در اعتراض به هتک حرمت قرآن کریم در سوئد

دانشجویان آزادیخواه مقابل اقدامات اسلام‌ستیزانه بایستند

تحریم وحدت ضمن محکومیت این اهانت خصمانه، ابتدا نا از دولت‌های اسلامی خواستاریم در این عرصه نیز متحد بوده و در پی احضار مقامات دیپلماتیک سوئد جهت بیان اعتراض خود و پاسخ‌گویی دولت سوئد نسبت به این اقدام خود، باشند.» در ادامه این بیانیه آمده است: «از سوی دیگر معتقدیم امت اسلامی می‌بایست در بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ای نیز وحدت داشته و از این فرصت جهت بازنمایی سیاست‌های دوگانه غرب و دولت سوئد در برخورد با ارزش‌های اسلامی و مسلمانان به‌خوبی استفاده کند و صدای اعتراض مسلمانان به‌طور وسیع‌تری به گوش جهانیان رسانده شود تا به‌خوبی نشان داده شود توهمین به مقدسات مسلمانان و کتاب الهی هیچ‌گاه بدون پاسخ نخواهد ماند. به‌یقین اگر در این مورد از سوی امت اسلامی پاسخی درخور داده شود نسبت به تکرار این دست اهانت‌ها به میزان قابل توجهی بازدارنده خواهد بود.»

روابط دیپلماتیک ایران با دولت سوئد قطع شود

جامعه اسلامی دانشجویان در محکومیت سوزاندن قرآن در سوئد با انتشار بیانیه‌ای این اقدام را به شدت محکوم کرد و خواستار قطع تمامی روابط دیپلماتیک ایران با دولت سوئد تا زمان عذرخواهی این دولت شد. همچنین کانون قرآن و عترت دانشگاه علامه طباطبایی نیز در واکنش به هتک حرمت به ساحت مقدس قرآن کریم در کشور سوئد، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «اهانتی که به ساحت مقدس کتاب الل‌هدر کشور سوئد انجام شد لکه ننگ دیگری بود که تلاش‌های نافرجام برای لطمه زدن به مقدسات اسلام و مسلمانان جهان در تاریخ اضافه شد.» کانون قرآن و عترت دانشگاه علامه طباطبایی ضمن محکوم کردن این توهمین غیرقابل گذشت در ادامه این نامه آورده است: «کانون قرآن و عترت دانشگاه علامه طباطبایی خواستار واکنش‌های غیرمتدانه و دشمن‌شکن از طرف تمامی دوستدارن قرآن، علی‌ه‌امثال چنین اتفاقات است و مراتب اعتراض خود را به دولت سوئد و تمامی هتاکن را به ارزش‌های الهی و اسلامی اعلام می‌دارد و خواهان اشد مجازات برای توهمین کنندگان به قرآن عزیز است.» همچنین کانون قرآن و عترت (ع) دانشگاه صنعتی شریف به نمایندگی از جامعه قرآنی و نخبگانی کشور ضمن محکوم کردن این اقدام در ابتدا بغض خود را اعلام داشته و ثانیاً از مسئولان ذی‌ربط درخواست پاسخی قاطع کرد.

دانشگاهیان پیام‌نور در سراسر کشور نیز اقدام جنون‌آمیز هتک حرمت قرآن کریم و هرگونه اقدام علیه مقدسات اسلامی را به شدت محکوم کرده و به کشور سوئد هشدار دادند که از تکرار رفتارهای اسلام‌ستیزانه در آن کشور جلوگیری کند.

اقدامات اسلام‌ستیزانه باید با همکاری تمام جوامع اسلامی محکوم شود

شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی کشور در بیانیه‌ای پیرامون توهمین به قرآن، این اقدام موهن را محکوم کرده و تأکید دارد: «طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب جمهوری اسلامی ایران ام‌القرای جهان اسلام است و همیشه حامی و مدافع تمامی مستضعفان و آزادیخواهان عالم است درخواست دارد با همکاری دیگر جوامع اسلامی و سازمان‌های بین‌المللی علی‌الخصوص دانشجویان آزادیخواه مسلمان سرتاسر جهان مقابل این اقدامات اسلام‌ستیزانه و منافی با آزادی بیان بایستند و قاطعانه آن را محکوم کنند و حدود الهی و قانونی جاری بشود.» هسته بین‌الملل بسیج دانشجویی استان تهران نیز با صدور بیانیه‌ای ضمن محکومیت شدید اهانت به قرآن کریم اعلام کرد: «هسته بین‌الملل بسیج دانشجویی استان تهران ضمن محکومیت شدید اهانت به قرآن کریم در کشور سوئد از تمام مسلمانان جهان به‌ویژه دولت‌ها و ملت‌های مسلمان و آزادیخواه جهان، جوامع، گروه‌ها، نخبگان و شخصیت‌های تأثیرگذار مسلمان و غیرمسلمان در تمامی دنیا خصوصاً در کشورهای غربی می‌خواهیم که در مقابل این اقدام نکوهیده دولت سوئد عکس‌العمل نشان دهند تا از تکرار چنین اعمال ضددینی جلوگیری شود و از سایر مراجع قانونی ایران و وزارت امور خارجه خواهانیم تا ضمن محکوم کردن چنین رفتارهای اهانت‌آمیزی به سازمان ملل و دیگر مراجع قانونی دنیا سایر اقدامات اجرایی برای همسو کردن کشورهای مسلمان و قطع روابط در همه سطوح با چنین کشورهایی که برای ادیان مقدس الهی احترامی قائل نیستند را هر چه زودتر در دستور کار خود قرار دهند.» شورای تبیین مواضع و هسته‌های بین‌الملل بسیج دانشجویی استان گیلان در بیانیه‌ای مشترک آزادی‌بیان و احترام به عقاید راتنها خیالی خام در نظام‌های مدعی دموکراسی و آزادیخواهی بیان کردند. همچنین در بخشی از بیانیه کانون قرآن و عترت (ع) دانشگاه علوم پزشکی ای سینا آمده است: «از مسئولان بین‌الملل در تمام کشورهای اسلامی انتظار می‌رود که به احساسات جریحه‌دار شده بیرون ادیان الهی در سراسر دنیا پاسخ درستی بدهند (از جمله تحریم کشور سوئد و توهمین کنندگان و پیگیری حقوقی این ماجرا) و این‌طور نباشد که سخن حق را بشنوند و سکوت غیرمصلحتی را روش کار خود سازند.»

هتک حرمت به عقاید مسلمانان با موازین بین‌المللی مغایرت دارد

دفتر تحکیم وحدت معتقد است این اقدام در مغایرت با موازین بین‌المللی و ارزش‌های حقوق بشر است و با انتشار بیانیه‌ای تصریح کرده است: «اما دانشجویان دفتر

در روزهای اخیر انتشار یک کلیپ در فضای مجازی

باعث خشم مسلمانان در کشورهای مختلف شد، قضیه از این قرار بود که سلوان مومیکا یک مهاجر عراقی که از سال‌ها پیش در سوئد زندگی می‌کند مقابل مسجد اصلی پایتخت سوئد یک نسخه از کتاب مقدس قرآن را سوزاند؛ این اقدام مهاجر عراقی با حمایت پلیس و دولت سوئد انجام شد و همین موضوع اعتراض شدید بسیاری از کشورهای مسلمان از جمله ایران و عراق را در پی داشت. هم‌زمان بودن این اتفاق با بزرگ‌ترین گردهمایی مسلمانان جهان یعنی ایام حج و روز عید قربان نشان از این دارد که وحدت اسلامی و رشد جمعیتی مسلمانان در جهان باعث نگرانی جهان غرب شده است. در نهایت تهران و بغداد با هدف محکومیت این اقدام کاردار و سفیر سوئد را احضار کردند. در ادامه گزارش «فرهیختگان» از واکنش‌های دانشجویان به هتک حرمت به قرآن کریم را می‌خوانید.

تجمع دانشجویان مقابل سفارت سوئد

در اعتراض به هتک حرمت قرآن کریم در سوئد جمعی از مردم و دانشجویان مقابل سفارت این کشور در تهران تجمع کردند. در این تجمع دانشجویان از مجامع جهانی و مسلمانان خواستند که نسبت به هتک حرمت قرآن واکنش نشان دهند. همچنین از وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی خواستار پیگیری جدی این مساله شدند و صرفاً احضار کاردار سوئد به وزارت امور خارجه با هدف محکومیت این اقدام را کافی ندانستند. دانشجویان از تجمع و اقدام روزهای اخیر مردم عراق در محکومیت این اهانت حمایت کردند. در پایان این تجمع بیانیه‌ای توسط دانشجویان قرائت شد که در بخشی از آن آمده است: «دولت سوئد و در رأس آن نظام استکباری غرب باندت که ما مسلمانان غیرور ایران هم صدای سایر مسلمانان جهان در مقابل این عمل ننگ‌بار سکوت نکرده و با توجه به فرامین الهی که وعده ذلت و خواری دشمنانش را داده است تا زمان احقاق این وعده الهی از اعلام انزجار و بیان نفرت خود دست نمی‌کشیم؛ و همچنین دانشجویان دانشگاه‌های تهران بزرگ با عرض تسلیت به ساحت مقدس حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه و ولی امر ایشان خواستار مطالبه و برخورد قاطع از جانب مسئولان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با عوامل مزدور و حمایت‌کنندگان این اقدام شنیع و ننگین بوده و دولت سوئد و شخص رئیس‌جمهور این کشور را مسئول این جنایت اسلام‌ستیزانه می‌دانند!»

به مصوبات بیست و سومین اجلاس دانشگاه که در مشهد برگزار شد، اضافه کرد: «یکی از بندهای مصوبات این بود که نیروهای شرکتی از طریق شرکت فرهیختگان جذب شوند.» وی ادامه داد: «در دانشگاه آزاد ۲۳۰۰ نفر نیروی شرکتی داریم که براساس مصوبه اجلاس تبریز، مقرر شد سالانه ۲۵ درصد از این تعداد تبدیل وضعیت شوند و به‌نظر می‌رسد در یک بازه دو یا سه‌ساله به سرانجام برسند.» وی درخصوص افزایش حقوق نیروهای شرکتی اظهار کرد: «نیروهای شرکتی دقیقاً تابع قانون تأمین اجتماعی هستند، یعنی تأمین اجتماعی هر میزان افزایش حقوق اعلام کند، ما همان

حقوق را اعمال خواهیم کرد، بنابراین تابع قوانین دانشگاه نیستند، مگر اینکه تبدیل وضعیت شوند.» معاون توسعه و مدیریت منابع دانشگاه آزاد وضعیت کارمندان در این دانشگاه را رسمی قطعی، رسمی آزمایشی، قرارداد کار معین و نیروهای شرکتی برشمرد و گفت: «برای تبدیل وضعیت نیروهای رسمی آزمایشی به رسمی قطعی باید دوسال سپری می‌شود و برای تبدیل وضعیت نیروهای کار معین به رسمی آزمایشی هم باید ۵ سال می‌گذشت که براساس مصوبه چهل‌ونهمین جلسه هیات‌امنا هر کدام از این فرایندها را یک‌سال کوتاه کردیم.»

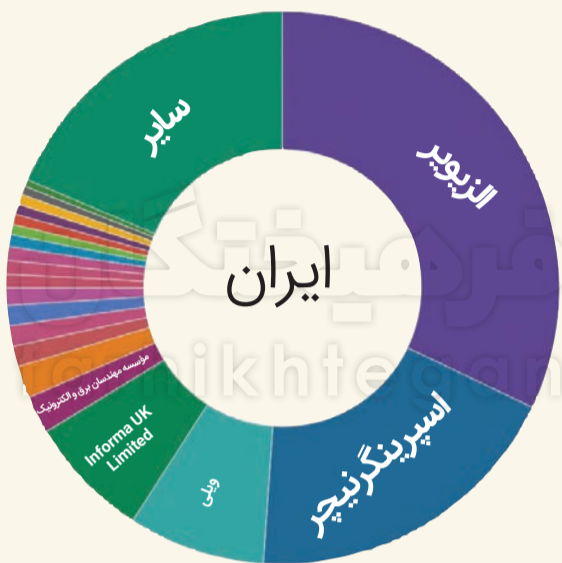
«فرهیختگان» وضعیت برترین ناشران مقالات علمی جهان را بررسی کرد

خسپیس ترین کشورها در انتشار مقالات علمی را بشناسید

بازار نشر مجلات علمی در حال گذار است، درحالی که بخش بزرگی از ناشران هنوز مجلات خود را تحت یک مدل کسب و کار، به صورت پرداخت اشتراکی به فروش می‌رسانند. اما در این میان نمی‌توان انتشار مقالات با دسترسی آزاد را منکر شد که هر روز به تعداد آنها اضافه می‌شود. ناشران و پلتفرم‌هایی که این مدل مقالات را منتشر می‌کنند و در اختیار کاربران قرار می‌دهند، چندسالی است فعالیت خود را آغاز کرده و به بلوغ رسیده‌اند و ناشران علمی در حال آزمایش این مدل کسب و کار دسترسی آزاد به مقالات هستند، حتی تعداد موسسات پژوهشی و کنسرسیوم‌های کتابخانه‌ای هم که در مورد توافقنامه‌های تحول آفرین مذاکره می‌کنند، در حال افزایش است.



ندا اظهري مترجم



انتشار یک‌سوم مقالات ایرانی در الزویور

در مورد ایران انتشارات الزویور سهم بالاتری را بین سایر انتشارات از آن خود کرده، به طوری که ۳۲٫۱ درصد از کل مقالات محققان ایرانی توسط این ناشر منتشر می‌شود. سهم اسپرینگر نیچر هم با ۱۹ درصد بالاست. انتشارات ویلی با ۸ درصد و Informa UK Limited با ۲٫۲ درصد در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در این بین، ۲٫۲ درصد از مقالات ایران در انتشارات موسسه مهندسان برق و الکترونیک، ۱٫۹ درصد در انتشارات SAGE، ۱٫۲ درصد از مقالات در انتشارات موسسه فناوری و مهندسی، ۱٫۲ درصد در انتشارات IOP، ۱٫۲ درصد در انتشارات انجمن شیمی رویال به چاپ رسیده‌اند. در این بین، ۱۸٫۶ درصد از مقالات محققان ایران در سایر انتشارات منتشر می‌شود.

۷۵ درصد مقالات؛ ۲۰ ناشر و ۲۰ کشور

درحالی که جامعه جهانی پژوهش تلاش می‌کند سیستم ارتباطی علمی متنوع و منصفانه را ارائه دهد، نخستین گام در هر فرآیند تحول آفرین، گرفتن سهم از وضعیت فعلی است. نمودارهایی که در ادامه گزارش می‌آیند، توزیع مقالات علمی منتشر شده در سطح کشورهای مختلف (بسته به توزیع وابستگی نویسنده مسئول یا همان پژوهشگر اصلی مقاله) و نیز ناشر است. محققان و دانشمندان از هر کشوری تمایل دارند که مقالات علمی خود را در مجلات و ژورنال‌های تعداد محدودی از ناشران منتشر کنند که ترجیحا معروف هستند و اسم و رسمی دارند. به گزارش esac-initiative، بیش از ۷۵ درصد از خروجی مقالات پژوهشی هر کشوری معمولاً در ژورنال‌ها و مجلات حدود ۲۰ ناشر منتشر می‌شوند، درحالی که تمرکز انتشار اکثریت مقالات علمی روی ۳ یا ۴ ناشر است. در نتیجه تمرکز روی بازار ناشران دانشگاهی بسیار بالاست و اهمیت فراوانی دارد، به طوری که تعداد انگشت‌شماری از ناشران هستند که اکثر مقالات علمی را در دنیا منتشر می‌کنند. با نگاه به سهم بازار مقالات از هر ناشر که معمولاً این سهم در هر جامعه‌ای نسبت به جوامع دیگر متفاوت است، می‌توان دریافت که بیش از ۷۵ درصد از مقالات علمی منتشر شده از سوی هر ناشر، متعلق به نویسندگان حدود ۲۰ کشور دنیاست.

مقالات قدرت‌های علمی کجا منتشر می‌شوند؟

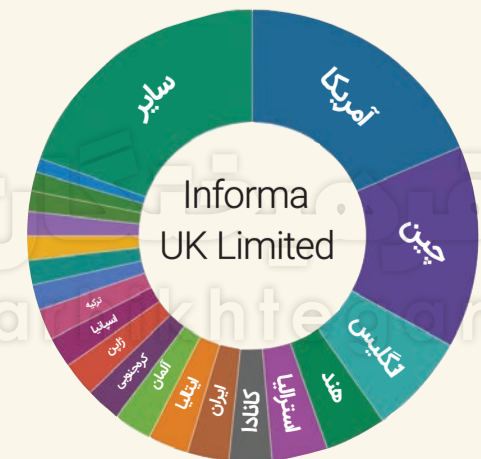
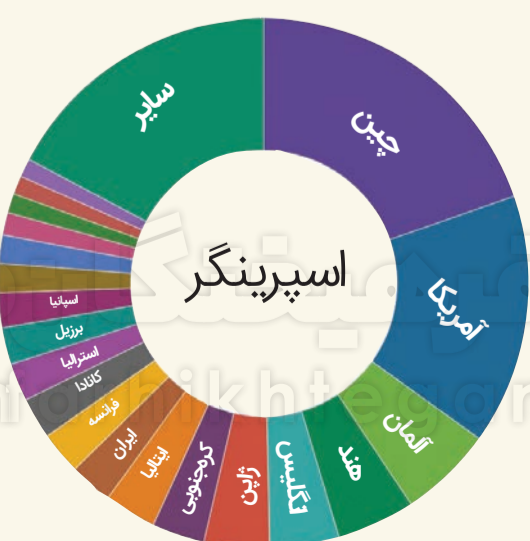
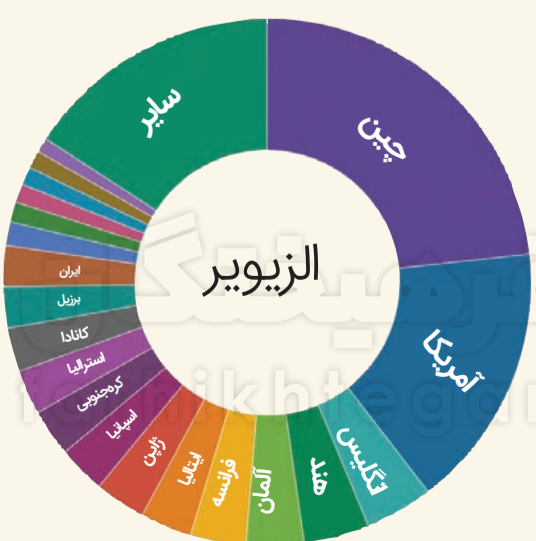
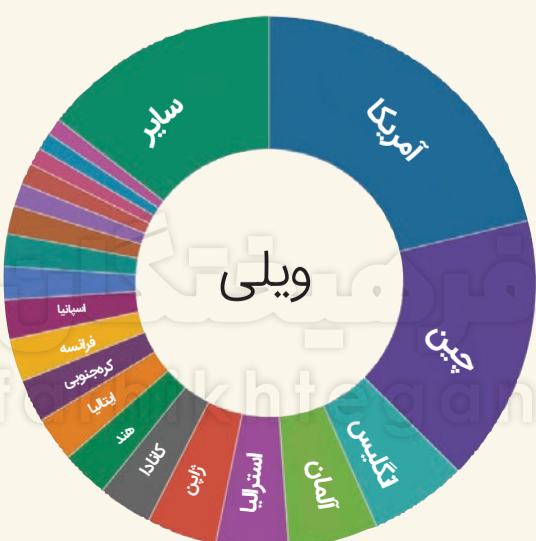
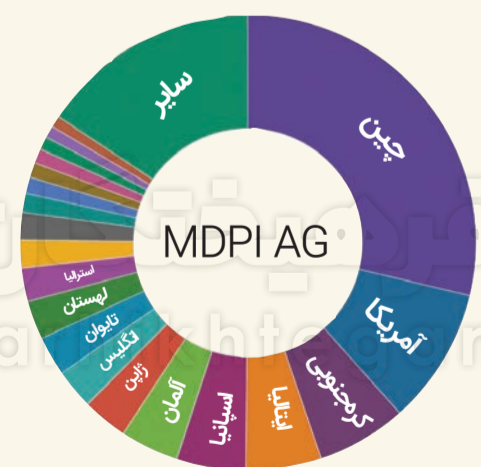
چین که در سال‌های اخیر در تولید علم آمریکا را پشت سر گذاشته، در زمینه انتشار مقاله فعالیت خوبی از خود نشان داده است. از نظر تقسیم‌بندی‌هایی که در زمینه سهم ناشران علمی در کشورها عنوان شده، ۲۸٫۶ درصد از مقالات علمی چین در انتشارات «الزویور» منتشر شده‌اند که بالاترین سهم از مقالات این کشور را به خود اختصاص می‌دهند. بعد از آن، انتشارات «اسپرینگر نیچر» قرار دارد که ۱۳٫۶ درصد از انتشارات مقالات چین را تشکیل می‌دهد. انتشارات «ویلی» هم ۷٫۳ درصد از انتشارات مقالات پژوهشی این کشور را برعهده گرفته است. ۴٫۳ درصد از مقالات چینی‌ها به طور مشترک در انتشارات MDPI AG و موسسه ناشران برق و الکترونیک منتشر می‌شود. در این میان ۱۷ درصد از مقالات این کشور که سهم بالایی را به خود اختصاص می‌دهد، در سایر انتشارات به چاپ می‌رسند. در مقابل آمریکا که تا سال‌ها ابرقدرت تولید علم دنیا بود، ۲۱٫۹ درصد از مقالات را در انتشارات الزویور، ۱۱٫۶ درصد از مقالات را در اسپرینگر نیچر و ۱۰٫۴ درصد از مقالات در انتشارات ویلی منتشر می‌کند. بالاترین سهم مقالات آمریکایی یعنی ۲۲٫۳ درصد در سایر انتشارات به چاپ می‌رسند. در مورد انگلیس هم بالاترین آمار انتشار مقاله با ۲۲٫۴ درصد در انتشارات الزویور و بعد از آن، ۱۲٫۸ درصد در اسپرینگر و ۱۱٫۶ درصد هم در ویلی به چاپ می‌رسد. سهم سایر انتشارات از چاپ مقالات محققان انگلیسی ۱۶ درصد است. آلمانی‌ها ۲۰٫۲ درصد از مقالات خود را در الزویور، ۱۸٫۳ درصد را در اسپرینگر نیچر، ۱۱٫۴ درصد از مقالات را در ویلی و نیز ۱۷٫۵ درصد از مقالات خود را در سایر انتشارات به چاپ می‌رسانند. محققان فرانسه سهم بالاتری از مقالات خود را در الزویور منتشر می‌کنند به طوری که سهم مقالات آنها برای این ناشر ۳۱٫۳ درصد است. حدود ۱۳٫۵ درصد مقالات هم در اسپرینگر نیچر، ۸٫۷ درصد در ویلی و ۱۶٫۶ درصد از مقالات این کشور در سایر انتشارات به چاپ می‌رسد.

الزویور، اسپرینگر و ویلی؛ ۳ ناشر اصلی مقالات

محسوب می‌شود و کشورهای مختلف این ناشر را جزء گزینه‌های خود برای انتشار مقاله قرار می‌دهند به طوری که ۱۸٫۶ درصد از مقالات آن مربوط به آمریکا، ۱۴٫۵ درصد مربوط به چین، ۷٫۲ درصد مربوط به انگلیس، ۴٫۴ درصد مقالات هم مربوط به هند و ۴ درصد از مقالات از آن استرالیا است. سهم ایران از مقالات این ناشر علمی ۳ درصد است. انتشارات MDPI AG هم جزء ناشرانی است که ۲۸٫۷ درصد از مقالات آن مربوط به مقالات چینی، ۹٫۷ درصد مربوط به آمریکا، ۶٫۴ درصد متعلق به کره جنوبی و ۵٫۴ درصد هم مربوط به مقالات علمی ایتالیا است. در این انتشارات ۱۵٫۷ درصد از مقالات مربوط به سایر کشورها می‌شود.

۱۵٫۳ درصد در رده دوم قرار می‌گیرد. سهم آلمان از مقالات این ناشر ۵٫۷ درصد، سهم هند ۴٫۸ درصد و سهم انگلیس ۴٫۳ درصد است. ایران هم ۲٫۶ درصد از کل مقالات این ناشر علمی را تشکیل می‌دهد. در مورد انتشارات ویلی، آمریکا با ۲۱٫۲ درصد بیشترین حجم از مقالات این ناشر را شامل می‌شود. پس از آن چین سهم ۱۶٫۲ درصدی، انگلیس سهم ۵٫۹ درصدی، آلمان سهم ۵٫۵ درصدی و استرالیا سهم ۴٫۴ درصدی در مقالات انتشارات اسپرینگر دارد. با توجه به اینکه سه ناشر الزویور، اسپرینگر و ویلی پرتعدادترین مقالات منتشر شده در کشورهای دنیا را از آن خود کرده‌اند، انتشارات Informa UK Limited نیز جزء انتخاب‌های نخست محققان برای انتشار مقاله

ناشر علمی الزویور که در صدر انتخاب محققان کشورهای مختلف برای انتشارات مقالات علمی قرار گرفته، سهم بالایی از مقالات کشورهای مختلف را نیز کسب کرده است به طوری که ۲۳٫۳ درصد از مقالات الزویور مربوط به مقالات چین است. پس از آن هم آمریکا قرار دارد که ۱۶٫۳ درصد از مقالات علمی این ناشر علمی را تشکیل می‌دهد. در این میان، سهم انگلیس ۴٫۲ درصد، سهم هند ۴ درصد و سهم آلمان ۳٫۵ درصد است. در این بین، مقالات محققان ایران هم در انتشارات الزویور ۲٫۵ درصد گزارش شده است. سایر کشورها هم سهم ۱۵٫۸ درصدی از مقالات این انتشارات را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد انتشارات اسپرینگر نیچر هم ۱۹٫۶ درصد از مقالات از آن چین است و بعد از آن، مقالات آمریکایی با



کدام کشورها مقالات آزاد بیشتری دارند؟

مورد رسید که تا ۲۰۲۳ به ۵۴ هزار و ۶۰۵ مقاله رسیده است. اما در بررسی مقالات آزاد سالانه، در حالی که تعداد مقالات آزاد آمریکا در ۲۰۲۱ حدود ۱۰ هزار و ۴۶۲ مورد بوده، تعداد مقالات آزاد این کشور از ۱۹ هزار و ۱۷۸ مورد در ۲۰۲۲ به ۱۹ هزار و ۴۸۰ مقاله رسید که شیب کند اما رو به رشدی را پشت سر گذاشته است.

چین هم در مجموع در سال ۲۰۱۹ تنها حدود ۲۴۴ مقاله آزاد داشته و با شیبی متوسط، تعداد مقالات آن تا سال ۲۰۲۲ به ۹۶۹ مقاله رسید اما از سال گذشته تاکنون جهش رشدی در مقالات آزاد این کشور اتفاق افتاده به طوری که شمار آن به ۲۳۰۰ مقاله آزاد رسیده است. در بررسی رشد سالانه این مقالات، تعداد مقاله آزاد چین در ۲۰۲۲ حدود ۳۸۰ مورد بوده که در سال جاری، ۱۳۳۱ مقاله آزاد به آن اضافه شده است.

در مقایسه مجموع تعداد مقالات با دسترسی آزاد را بین سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ بین کشورهای مختلف در نظر بگیریم، این تعداد از ۱۵۰ مقاله در ۲۰۱۴ آغاز شده و در ۲۰۱۵ به ۲۴۵۰ مورد رسید. این تعداد در ۲۰۱۹ حدود ۴۷ هزار و ۴۶۹ مقاله بود که با سرعت رشدی که در سال های اخیر به آن مواجه بود در ۲۰۲۳ به ۲۴۸ هزار و ۹۸۵ مقاله با دسترسی آزاد رسید.

هزار و ۹۳۵ مورد رسید، رشد این مقالات چند برابر شد به طوری که در سال جاری، تعداد آن به ۱۱۲ هزار و ۸۹۷ مورد رسید. رشد تعداد سالانه مقالات دسترسی آزاد آلمان از ۱۱ هزار و ۷۲۴ مقاله در ۲۰۱۹ به ۲۶ هزار و ۲۴۳ مقاله در سال جاری رسیده است. آمارها حکایت از رشد کند این مقالات در سال های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ دارد.

هلند هم جزء کشورهایی است که در سال های گذشته بیشترین رشد مقالات با دسترسی آزاد را از آن خود کرده است به طوری که تعداد مقالات آن در ۲۰۱۵ به ۲۰۰۰ مورد می رسید و در سال ۲۰۲۳ این تعداد به ۱۰۷ هزار و ۹۰۴ مقاله رسیده است. تعداد سالانه مقالات با دسترسی آزاد هلند در ۲۰۱۶ از ۶۹۰۰ مقاله به ۱۸ هزار و ۵۸۳ مقاله در ۲۰۲۳ رسیده است.

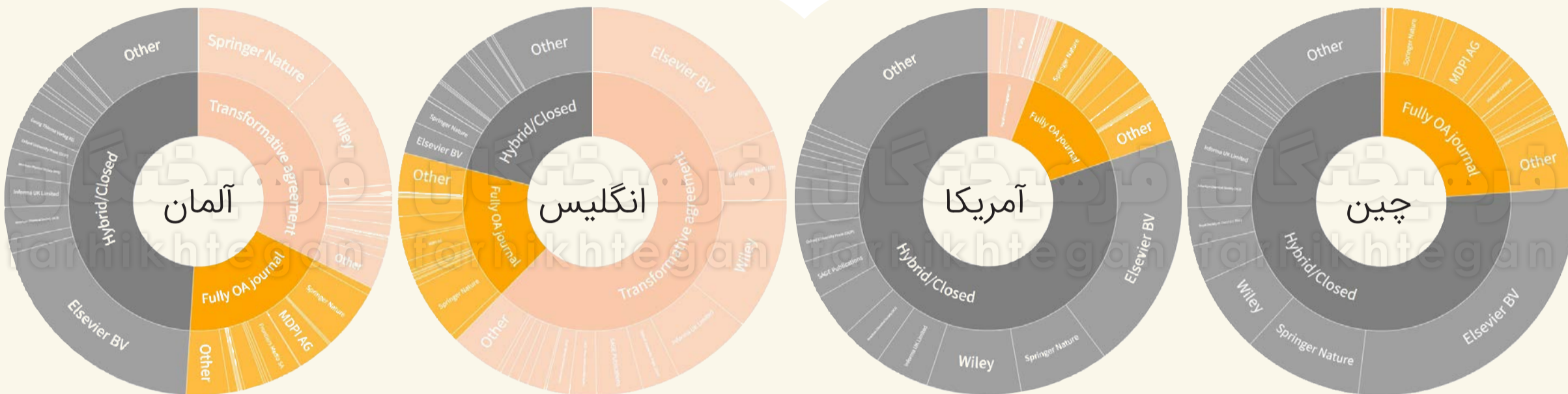
آمریکا هم از آن دست کشورهایی است که بعد از پذیرش قرارداد تحول آفرین شمار مقالات دسترسی آزاد آن از سال ۲۰۱۹ تاکنون رشد چشمگیری داشته است. این رشد به ویژه از ۲۰۲۱ به بعد با شیب تندی افزایش یافته است. به طوری که مجموع مقالات دسترسی آزاد آمریکا در سال ۲۰۱۹ ۴۷۴ مقاله بود اما شمار این مقالات در ۲۰۲۲ به حدود ۳۵ هزار و ۱۲۵

با دسترسی آزاد در سال های اخیر در دنیا و نیز گسترش کشورهای شده است که این قراردادها را به عنوان بخشی از استراتژی های دسترسی آزاد خود پذیرفته اند. در بررسی کشورهای دنیا از نظر تعداد مقالات با دسترسی آزاد، انگلیس، آلمان و هلند در صدر مجموع مقالات با دسترسی آزاد قرار دارند. تعداد کل مقالات دسترسی آزاد انگلیس در سال ۲۰۱۹ حدود ۵ هزار مورد بوده که در ۲۰۲۰ این تعداد به ۲۵ هزار و ۲۵ مقاله رسید. با رشد چشمگیری که این کشور در آزاد کردن دسترسی مقالات داشته، مجموع کل مقالات دسترسی آزاد انگلیس در ۲۰۲۳ به ۱۵۶ هزار و ۷۵۰ مقاله رسیده است. اگر بخواهیم تعداد مقالات را به طور سالانه حساب کنیم، رشد سالانه تعداد مقالات دسترسی آزاد انگلیس از ۵ هزار مقاله در ۲۰۱۹ به ۵۳ هزار و ۵۳۳ مقاله در سال ۲۰۲۲ رسید. در ۲۰۲۳ نیز تاکنون ۴۴ هزار و ۳۶۳ مقاله به صورت دسترسی آزاد منتشر شده است.

بعد از انگلیس، آلمان رده دوم را از آن خود کرده که تعداد مقالات دسترسی آزاد این کشور در ۲۰۱۵ تنها ۳۰۰ مقاله بوده و تا سال ۲۰۱۸ رشد آن تقریباً به صورت خطی ادامه داشت اما از سال ۲۰۱۹ که تعداد آن به ۱۳

قراردادهای تحول آفرین یکی از استراتژی های کلیدی سازمان های پژوهشی متحد جهانی براساس طرح «دسترسی آزاد ۲۰۲۰» (Open Access Initiative 2020) هستند که همراه با سایر اقدامات برای حمایت از فضاهایی برای انتشار آزاد پژوهش اعمال می شوند. قراردادهای تحول آفرین با چهارچوبی موقت برای مؤسسات تلاش می کند تا منابعی را که در حال حاضر صرف اشتراک مجلات و ژورنال علمی می شوند، تبدیل به هزینه هایی برای حمایت از مدل های کسب و کار در زمینه مقالات دسترسی آزاد کند که مطابق با اولویت های انتشارات خاص جامعه هستند. به عبارتی، این قراردادها که مبتنی بر اشتراک هستند، به مدلی تغییر پیدا می کنند که ناشران برای خدمات انتشارات با دسترسی آزاد بهای منصفانه ای دریافت می کنند. در حال حاضر بیش از ۵۰۰ قرارداد اینچنینی در بیش از ۳۰ کشور با بیش از ۵۰ ناشر بزرگ و کوچک وجود دارد که باعث شده برترین ناشران علمی، بیش از ۱۵۰ هزار مقاله را در سال ۲۰۲۲ در شمار مقالاتی با دسترسی آزاد قرار دهند.

بررسی ها نشان می دهد که قراردادهای تحول آفرین باعث رشد مقالاتی

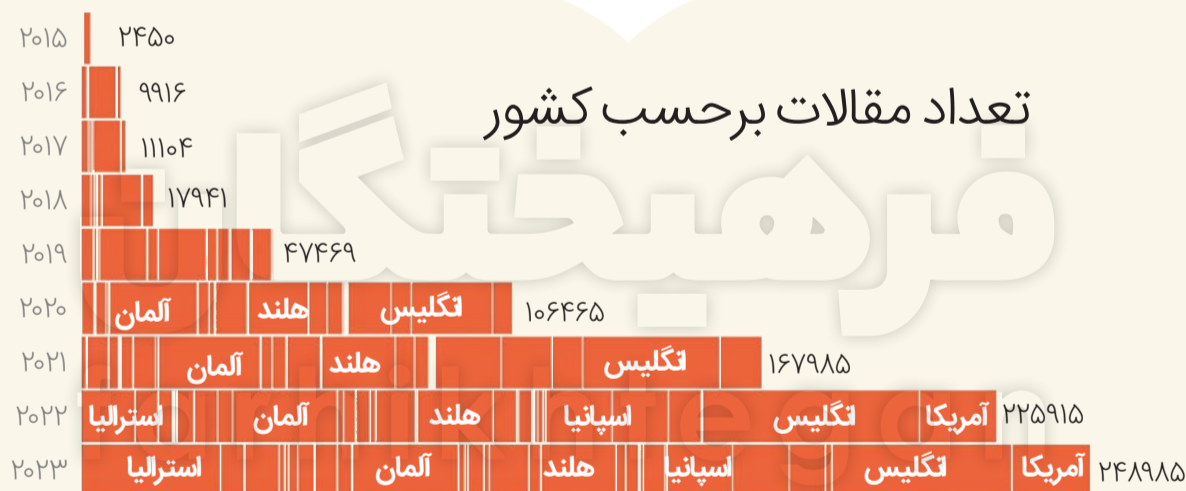
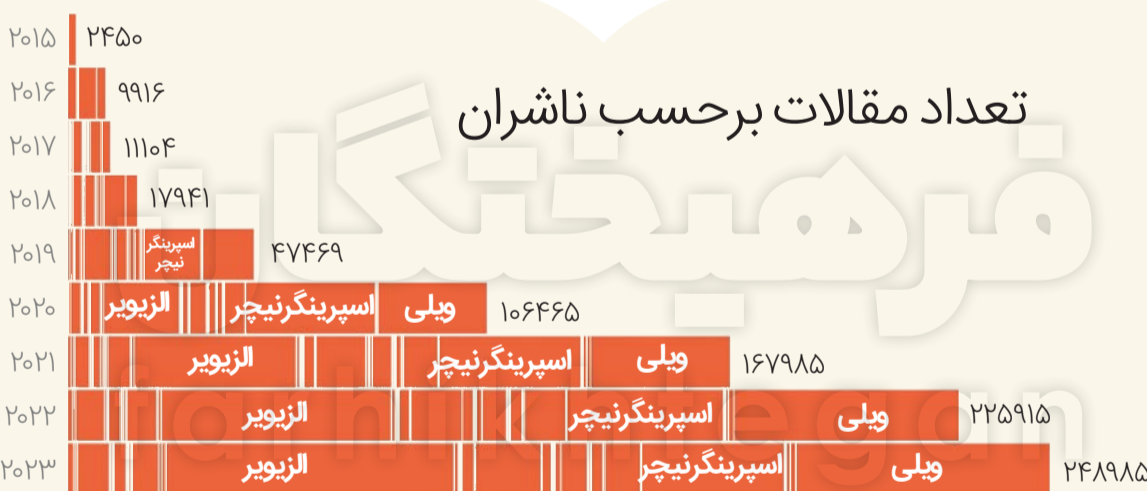


سهم ناشران علمی از مقالات آزاد و اشتراکی

بالاترین آمار مقالات آزاد آمریکا با ۳٫۳ درصد در اسپرینگر منتشر می شود. در این میان، بیشترین مقالات اشتراکی این کشور هم با ۱۹٫۹ درصد در الزویور به چاپ رسیده اند. ویلی و اسپرینگر هم هر کدام ۷٫۸۷۵ درصد و ۷٫۵ درصد رده های بعدی را از آن خود کرده اند. بیشترین مقالات آزاد انگلیس یعنی ۴٫۹ درصد از آنها در انتشارات اسپرینگر منتشر می شود. بیشترین مقالات اشتراکی این کشور هم با ۲٫۷ درصد در انتشارات الزویور منتشر می شود. ۱۹٫۱ درصد از مقالاتی که براساس قرارداد تحول آفرین منتشر می شوند در انتشارات الزویور و ۱۱٫۱ درصد از آنها نیز در ویلی منتشر می شوند. از ۲۳٫۵ درصد از مقالات آزاد چین، ۴٫۳ درصد در انتشارات MDPIAG و ۳٫۷ درصد در اسپرینگر به چاپ رسیده اند. در مورد مقالات اشتراکی نیز، سهم الزویور از چاپ مقالات علمی چین ۲۸ درصد است و بعد از آن اسپرینگر با ۹٫۹ درصد قرار گرفته است.

سهم کشورها از مقالات آزاد و اشتراکی

براساس قراردادهای تحول آفرینی که در کشورها مورد موافقت قرار گرفته برخی کشورها هستند که حجم بالایی از مقالات خود را از حالت اشتراکی به آزاد تغییر داده اند. براین اساس سوئد که بر ۷۰٫۳ درصد قرارداد تحول آفرین استوار است، ۱۷٫۴ درصد از مقالات آن اشتراکی و ۱۲٫۴ درصد آزاد هستند. در این میان، کشور غنا با ۳۸٫۳ درصد بالاترین میزان انتشار مقالات با دسترسی آزاد را در اختیار دارد و ۶۰٫۲ درصد از مقالات آن به صورت اشتراکی عرضه می شوند. کمترین میزان مقالات آزاد هم با ۱۰٫۸ درصد مربوط به مولداوی است که ۸۹٫۲ درصد از مقالات را مقالات اشتراکی تشکیل می دهند. در این میان، سهم آمریکا از مقالات آزاد تنها ۱۴ درصد و میزان مقالات اشتراکی ۸۰٫۲ درصد است و تنها ۵٫۸ درصد از آنها را قرارداد تحول آفرین تشکیل می دهد. چینی ها هم سهم ۲۳٫۵ درصدی از مقالات دسترسی آزاد دارند و ۷۶٫۱ درصد از مقالات آنها نیز به طور اشتراکی عرضه می شوند. حجم مقالات آزاد انگلیس هم ۱۶٫۷ درصد و مقالات اشتراکی نیز ۲۰٫۹ درصد گزارش شده است.



وضعیت مقالات در بزرگترین ناشران دنیا

انتشارات الزویور که از بزرگترین و معروفترین ناشران دانشگاهی و علمی دنیا به شمار می رود در سال ۲۰۲۱ حدود ۸۰٫۳ درصد از مقالات خود را به طور اشتراکی منتشر می کند. در این میان، ۶٫۵ درصد مقالات به صورت دسترسی آزاد، ۶٫۹ درصد طبق قرارداد تحول آفرین و ۶٫۳ درصد نیز به صورت ترکیبی از مقالات آزاد و اشتراکی عرضه می شود. انتشارات اسپرینگر در سال ۲۰۲۱، حدود ۵۲٫۷ درصد از مقالات خود را به صورت اشتراکی، ۲۹٫۴ درصد را به صورت آزاد، ۱۱٫۳ درصد را به صورت قرارداد تحول آفرین و ۶٫۷ درصد را به صورت ترکیبی منتشر کرده است. همچنین انتشارات ویلی که از دیگر ناشران بزرگ علمی دنیا به شمار می رود، در سال ۲۰۲۱ قریب ۶۶٫۲ درصد از مقالات خود را به صورت اشتراکی، ۸٫۶ درصد از آنها را به صورت آزاد، ۱۷٫۳ درصد را به صورت قرارداد تحول آفرین و ۷٫۹ درصد را به صورت ترکیبی ارائه داده است. انتشارات MDPIAG هم ناشر دیگری است که صد درصد مقالات خود را به صورت آزاد منتشر می کند. انتشارات Taylor & Francis بخش اعظمی از مقالات خود را یعنی ۷۷٫۳ درصد را به صورت اشتراکی منتشر می کند و تنها ۸٫۶ درصد از مقالات آزاد هستند. در این بین، ۱۱٫۵ درصد در قالب قرارداد تحول آفرین و ۲٫۷ درصد هم به صورت ترکیبی منتشر می شوند.

روند رو به رشد ناشران در دنیا

طی چند دهه گذشته، ناشران علمی جدید بسیاری تأسیس شده و تعدادی از این ناشران در حال حاضر در میان بزرگترین ناشران دانشگاهی جهان هستند. در همین زمان، بزرگترین ناشران مقالات اشتراکی تأسیس شده و در عین حال که مقالات و مجلات دسترسی آزاد را نیز کسب کرده اند، مجلات اشتراکی خود را نیز حفظ کرده اند و به عبارتی، به این ناشران اجازه داده اند هم مقالات آزاد و هم مقالات اشتراکی را عرضه کنند. در بررسی سهم مقالات آزاد و اشتراکی بزرگترین ناشران دانشگاهی و علمی جهان باید پیامدهای مالی آنها را نیز مورد توجه قرار داد. مدل اشتراکی مقالات، فرصت بهره مندی از جریان دوم درآمدی را در اختیار ناشران قرار می دهد به طوری که درآمدی را از هزینه های انتشار دسترسی آزاد به دست می آورند.

هزینه پردازش مقالات آزاد

اگرچه بیشتر مجلات نمایه شده در فهرست مجلات دسترسی آزاد بدون هزینه های پردازش مقاله فعالیت می کنند، اما مدل کسب و کار اولیه آنها که از نسبی بیشتر ناشران اتخاذ شده، مبتنی بر پرداخت نویسندگان است. در حالی که کتابخانه های پژوهشی بیشتر مسئولیت مالی را بر عهده خوانندگان گذاشته اند و در زمینه انتشار مقالات با دسترسی آزاد، پژوهشگران به عنوان نویسنده عمدتاً به مدیریت معاملات مالی با ناشران علمی و آگادار شده اند.

ارزایی موقعیت بازار برحسب قیمت و تاثیر

علاوه بر مقایسه هزینه، روش دیگری برای ارزیابی هزینه خدمات انتشار با دسترسی آزاد هر ناشر وجود دارد که موقعیت رقابتی آن از منظر پرداخت نویسندگان است. «تاثیر استاندارد متنی» (SNIP)، تاثیر عادی شده منبع مجلات در هر مقاله را اندازه گیری می کند و امکان مقایسه مستقیم مجلات در زمینه های موضوعی مختلف را فراهم می کند. به نظر می رسد در مجلاتی که تمام مقالات آنها به صورت دسترسی آزاد منتشر می شوند، ارتباط قوی تری بین هزینه خدمات انتشار و تاثیر آن وجود دارد. با توجه به موقعیت رقابتی، بیشتر ناشران حول هزینه های پایین تر و قیمت های پایین تر با توجه به مجلات ترکیبی جمع شده اند.



۲ تن از مدیران فناوری اطلاعات در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کردند

فناوری اطلاعات جای آزمون و خطا نیست

بودجه دانشگاه‌ها در حوزه IT پاسخگوی نیازها نیست



اواسط آبان‌ماه ۱۴۰۱ بود که سایت چند دانشگاه و ارگان دولتی در کشور هک شدند. اگرچه اطلاعات مهمی از این سایت‌ها به بیرون درز نکرد اما برای چندساعتی عملکرد برخی سایت‌ها دچار اختلال شد و امنیت این حوزه زیرسؤال رفت. هک و از دسترس خارج شدن سایت دانشگاه‌ها زمانی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم ارائه خدمات الکترونیک یکی از کاربدهای دانشگاه‌ها به‌شمار می‌رود، البته بعد از دوران کرونا اهمیت آن نیز چندبرابر شده است. به‌عبارت دیگر حوزه فناوری اطلاعات نه‌تنها باید فعالیت خود را در خدمات الکترونیک دانشگاه ادامه می‌دهد، بلکه بخش آموزش مجازی نیز برعهده این حوزه گذاشته شده بود. در این گزارش قرار است بر فعالیت‌های فناوری اطلاعات دو دانشگاه صنعتی شریف و علامه طباطبایی مروری داشته باشیم و با مدیران زیرساخت و امنیت شبکه آنها گفت‌وگو کنیم تا وضعیت این حوزه را موردبررسی قرار دهیم.

فاطمه طاری‌بخش
خبرنگار گروه دانشگاه

مدیر زیرساخت و امنیت شبکه دانشگاه صنعتی شریف:

اوضاع بودجه و نیروی انسانی حوزه فناوری اطلاعات در دانشگاه‌ها فاجعه‌آمیز است

آینده و... را نیز باید درنظر بگیریم. در قالب یک پروژه کارشناسی این کار باید با احتیاط انجام شود که بتواند به‌عنوان سرویسی دائمی استفاده شود، البته در این حوزه -که مسائل اولیه را حل کنیم و تجربه اولیه داشته باشیم و آن را بسنجیم- فعالیت‌هایی صورت گرفته است.»

از هوش مصنوعی استفاده هوشمندانه‌ای نداشته‌ایم

زارعی درباره استفاده از هوش مصنوعی در دانشگاه توضیح داد: «هوش مصنوعی از فناوری اطلاعات جدا نیست و در مرکز آن قرار دارد. براساس سطوح و تعریفی که ما از هوش مصنوعی داریم، در پایین‌ترین سطح از آن استفاده می‌کنیم اما درباره اینکه ما چه مقدار با تعریف ایده‌آل از هوش مصنوعی پیش می‌رویم، باید گفت که فاصله زیادی از حد ایده‌آل داریم؛ چراکه اگر ما بخواهیم فناوری اطلاعات را به‌کار بگیریم تازه یک‌مرحله از هوش مصنوعی می‌شود. قدم بعدی این است که بتوانیم از فرآیند و اطلاعاتی که در این بستر جمع‌آوری و پردازش می‌کنیم، استفاده‌هایی کنیم که حالت روتین و سراسر است نداشته و نیاز به هوشمندی داشته باشد.»

او در همین زمینه افزود: «برای این هوشمندی ممکن است نیاز باشد به‌صورت انسانی روی آن کار صورت بگیرد. زمانی نیز ممکن است آن را با ابزاری انجام دهیم که این موضوع همان حالت ایده‌آلی است و انتظار داریم هوش مصنوعی به ما کمک کند. در این زمینه همچنان استفاده عمیقی نکرده‌ایم.»

مدیر زیرساخت و امنیت شبکه دانشگاه صنعتی شریف در ادامه با تأکید بر اینکه یکی از تهدیدهای اصلی در حوزه هوش مصنوعی مربوط به مباحث امنیتی است، افزود: «زمانی که کسب‌وکار سازمان و دانشگاه را در بستری می‌برد، باید مراقب باشید که سوءاستفاده و ملاحظات امنیتی در آن رعایت شود و این موضوعی است که باید رویش کار کرد و غالباً به این موضوع توجه نمی‌کنیم که مخاطراتی را ایجاد می‌کند. البته خاص دانشگاه‌ها نیست و می‌توان گفت که دانشگاه‌ها در این حوزه اوضاع بهتری دارند. اما اگر بخواهیم از دید فرصت به آن نگاه کنیم، قطعاً هر نوآوری فرصت‌های جدید ایجاد می‌کند و عملکردها را بهبود می‌بخشد و می‌تواند تأثیرگذاری بسیار خوبی داشته باشد؛ این فناوری قطعاً فرصت است و با این روش بسیاری از مسائل تسهیل می‌شوند.»

توقع کارشناسان آ‌تی در دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی برآورده نمی‌شود

زارعی درخصوص وضعیت بودجه در دانشگاه‌ها عنوان کرد: «بودجه‌ای که در اختیار فناوری اطلاعات دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد، جداگانه نبوده و خود دانشگاه‌ها مبلغی را به این حوزه اختصاص می‌دهند. البته باید بگویم که اوضاع بودجه و نیروی انسانی در این حوزه بسیار فاجعه‌آمیز است. دلیل این موضوع نیز هزینه‌های این حوزه بوده که بسیار بالا رفته و در حقیقت هزینه‌های زیرساختی در فناوری اطلاعات بسیار افزایش داشته است. از سمت دیگر نیز بودجه‌های دانشگاهی به این نسبت بالا نرفته است که فشار را در حوزه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات قرار می‌دهد.»

او در پایان درباره کمبود نیروی انسانی و عدم علاقه آنها به کار با ارگان‌های دولتی افزود: «نیروی انسانی متخصص داریم اما درباره اینکه دانشگاه‌ها می‌توانند این نیروها را جذب و نگهداری کنند و آیا می‌توانند از لحاظ انگیزشی آنها را حفظ کنند یا خیر، باید بگویم که ما در این زمینه بسیار مشکل داریم. البته مشکل تنها در دانشگاه‌ها نیست، چراکه بنده با سازمان‌های دولتی ارتباط دارم و می‌دانم که آنها هم این مشکل را دارند. در حوزه آ‌تی اشل‌ها یا مقیاس‌های حقوقی دولتی نمی‌تواند با شرکت‌های خصوصی رقابت کند. حقوق‌ها پایین‌تر است و افراد نیز در سازمان دولتی به این دلیل که تنوع کاری و نوآوری‌هایی که یک کارشناس آ‌تی انتظار دارد در آنجا کم است، ترجیح می‌دهند به سازمان‌های تخصصی‌تر بروند. به این دلیل که مأموریت سازمان‌های دولتی چیز دیگری است، انتظار کارشناس آ‌تی را از لحاظ علمی برآورده نمی‌کند.»

مدیر مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی:

پنجره دولت الکترونیک به بلوغ کامل نرسیده است

«نرم‌افزار نیاز به پشتیبانی و توسعه و تغییر دارد و ما نمی‌توانیم از افراد استفاده کنیم چراکه ممکن است به ما سرویس ندهند. ما برای محلی که قرار است به صورت مستمر خدمات دهد نمی‌توانیم از این نوع نیروها استفاده کنیم.» آزادی‌پزند در ادامه با اشاره به این موضوع که در مواردی از خلاقیت نیروها استفاده کرده‌اند، افزود: «این موضوع از جنس دانشگاهی و تعریف‌شده نبوده است. باز هم این موارد با چنین مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند. برای مثال به‌مان‌مرازه‌ای باقیمت یک میلیون داده‌اند و در سال بعد برای نگهداری آن از ما ۱۰۰ میلیون طلب می‌کرد. به این دلیل که شرکت شناخته‌شده‌ای نیز نداشت که برای اعتبار خود ارزش قائل باشد، این روند برای او هزینه‌ای نداشت و این موضوع به راحتی می‌تواند سازمان‌ها را دچار مشکل کند.»

پزند در توضیح هوش مصنوعی و تأثیرات منفی و مثبت آن در دانشگاه‌ها اضافه کرد: «هوش مصنوعی به جاهای خطرناکی می‌رسد و دنیا باید به این سمت برود که برای آن مقرراتی وضع شود. ما باید چنین قوانینی را داشته باشیم و مطمئن باشیم که هوش مصنوعی به نقاط و حوزه‌هایی که نقش انسان را کم‌رنگ می‌کند، وارد نمی‌شود. هوش مصنوعی به بسیاری از حوزه‌ها نباید ورود کند. هوش مصنوعی که با یادگیری عمیق آمد، مشکلی دارد و آن اینکه به راحتی می‌تواند هوش مصنوعی دیگری را خلق کند و اضافه بر این موضوع ما به آن نمی‌گوییم که دنبال چه الگوهایی باشد و خودش می‌تواند تشخیص الگو دهد. یعنی هوش مصنوعی به خلاقیت رسیده است.»

هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان دستیار پژوهشی عمل کند

او افزود: «هوش مصنوعی اگر در حوزه‌هایی که نباید، ورود کند، ما باید بتوانیم قوانینی به صورت مشخص و مدون داشته باشیم تا براساس آن این حوزه بتواند عملکرد خوبی داشته باشد. تا مدتی دیگر خواهیم شنید که بسیاری از پایان‌نامه‌ها را به‌جای GBT می‌دهند تا نگارش کند و این موضوع عملاً ابزار تقلبی بسیار قوی را به وجود می‌آورد اما در برخی از موارد ممکن است بتواند کمک کند. می‌توان به‌عنوان دستیار پژوهشی از آن استفاده کرد. یعنی در حوزه خدماتی که به دانشجویان می‌دهند هوش مصنوعی می‌تواند کمک‌های بسیاری انجام دهد.»

او درمورد بخش بودجه فناوری اطلاعات در دانشگاه‌ها توضیح داد: «واقعیت این است که آ‌تی موضوع پرهزینه‌ای است. بخشی از هزینه‌ها به نیروهای انسانی بازمی‌گردد که در شرکت‌ها مشغول به کار هستند. بنابراین من نمی‌توانم بگویم که بودجه کمی به آن تخصیص داده می‌شود؛ چراکه برای خدماتی که مرتب باید گرفته شود مجبور هستیم تا هزینه‌ها و مخارجی داشته باشیم. اما از آن جایی که حتی دانشگاه‌ها برای بودجه‌های خود تحت فشار هستند و ممکن است بسیاری از مسائل ابتدایی را سبک و سنگین کنند، مسلماً آ‌تی نیز تحت فشار قرار دارد.»

مدیر مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی خاطرنشان کرد: «در حوزه نیروی انسانی نیز چالش داریم؛ چراکه حقوق سیستم‌های دولتی ما برای کارمندان عادی طراحی شده است و بچه‌های توانمند آ‌تی می‌توانند در خارج از دانشگاه مشاغل با درآمد بسیار بالا داشته باشند. دولت و وزارت علوم باید برای کارمندان حوزه آ‌تی هزینه بیشتری متقبل شوند. ما تحت فشار هستیم چون نمی‌توانیم از حدی بیشتر در حقوق آنها دخالت کنیم.»

فرشته آزادی‌پزند، مدیر مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی درباره دستاوردهایی که دوره کرونا برای حوزه فناوری اطلاعات دانشگاه‌ها داشت، گفت: «من در دوره‌ای که کرونا بود ایران نبودم؛ البته دانشگاه ما از همان زمان به سمت آموزش مجازی رفته و خوشبختانه زیرساخت‌های مجازی آموزش همچنان باقی است. به‌طور مثال برای استادهایی که نتوانستند کلاس‌های جبرانی خود را به صورت حضوری تشکیل دهند، امکانات و تسهیلاتی را فراهم کردیم تا زیرساخت‌هایی که داریم بتوانند در صورت تمایل آموزش مجازی داشته باشند.» او ادامه داد: «علاوه بر آن برای استادان دانشگاه امکانات دیگری هم در نظر گرفتیم. برای مثال اگر می‌خواهند با دانشجویان دکتری خود جلسه بگذارند، با توجه به اینکه شاید دانشجویان شهرستان باشد و به همین دلیل نتوانند حضوری به دانشگاه بیایند، امکان برقراری ارتباط به صورت مجازی را با تأمین زیرساخت‌ها فراهم کردیم. نکته دیگر این است که بعد از کرونا برخی از زیرساخت‌های الکترونیکی و روندها و گردش‌های جریان کاری که مرتبط با وظایف دانشجویان بود، کاملاً الکترونیکی و تسهیل شد. دانشگاه به این سمت رفت که دانشجویان مجبور نکند تا بسیاری از فرآیندها را به صورت حضوری انجام دهد.» مدیر مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی درباره اتصال دانشگاه‌ها به کدنگ و عملکردها را بهبود می‌بخشد و می‌تواند تأثیرگذاری بسیار خوبی داشته مشکلاتی داشت. یکی از مشکلات اساسی آن این بود که به بلوغ کامل نرسیده بود، در مرحله استفاده از نهایی نبوده و خود تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرانی که در این حوزه هستند همچنان در مرحله آزمون و خطا به سر می‌برند. البته از ابتدای کار اوضاع بهتر شده است اما همچنان به بلوغ نرسیده است. به یک سری از سوالات پاسخ داده نشده که حول محور کارشناسان حوزه فناوری و مدیران تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر است که باید به آنها پاسخ داده شود تا روند کار را تسهیل کنند.»

آزادی‌پزند تصریح کرد: «اگر واقعاً ما این تصمیم را داریم که به سمت دولت الکترونیک برویم، باید طرح single sign on را که اساس دولت الکترونیک است به‌پختگی برسانیم. باید به یک سری از سوالات پاسخ دهیم تا نگرانی‌های امنیتی ما رفع شود. دانشگاه‌ها نیز در این زمینه همکاری می‌کنند.»

مرکز فناوری اطلاعات دانشگاه جای آزمون و خطا نیست

او درخصوص تعریف پروژه فناوری اطلاعات برای دانشجویان عنوان کرد: «مرکز فناوری اطلاعات دانشگاه جای آزمون و خطا نیست تا بخواهیم براساس طرح‌های دانشجویی کاری را انجام دهیم. تجربه نشان داده است که کارهای فناوری برای بخش‌هایی که حوزه‌های مشخصی دارند، با استفاده از نیروهای انسانی که وابسته به جایی نیستند اشتباه است. من سال‌های سال مشاور و برنامه‌نویس و مدیر آ‌تی بوده و شخصاً از موضوع تعریف پروژه تجربه مثبتی ندارم.» مدیر مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی افزود:

در نشست خبری فراخوان طرح ترویج کارآفرینی مطرح شد

عزم ۳۰ هزار نفری برای آموزش کارآفرینی در دانشگاه

حرفه‌ای در آموزش‌هایی شامل تیم‌سازی و هدایت شغلی و امور مالی توسط مربی‌ها و استادان آموزش‌های لازم را می‌بینند.» سرپرست معاونت فناوری و نوآوری وزارت علوم افزود: «بعد از این دوره‌ها تحت هدایت مربی، گروه‌های مختلف دانشجویی یکی از مسائل یا مشکلات منطقه‌ای، محلی یا حتی ملی را به صورت آزمایشی حل می‌کنند و تا حد زیادی به صورت واقعی با آن روبرو می‌شوند تا به پیشنهاد اجرایی قوی دست یابند و در نهایت در رویدادی از گروه‌های برگزیده تقدیر خواهد شد.» وی تأکید کرد: «انتظار داریم در حوزه کارآفرینی جامعه پنج درصدی دانشجویان در مرحله‌هایی این طرح به مشارکت در آن علاقه‌مند شوند، از توانمندی‌های تخصصی افراد مختلف استفاده کنند و در این فرآیند با محوریت دانش به مجموعه‌های توسعه کسب‌وکار دانش‌بنیان کمک کنند.» وی در مورد اعتبار

این طرح و میزان اختصاص آن به دانشگاه‌های مختلف کشور توضیح داد: «در این طرح به‌ازای هر دانشجوی یک میلیون تومان اعتبار تخصیص داده می‌شود در مرحله اول ۱۵ هزار دانشجوی تحت پوشش قرار می‌گیرند. میزان اعتبار تخصیص یافته در طرح به دانشگاه‌های مختلف نیز بسته به تعداد دانشجویان آنها تعداد مشارکت دانشجویان دارد.» رضایی فرادامه داد: «دبیرخانه طرح در محل پارک علم و فناوری امیرکبیر واقع شده است و همان‌طور که قبلاً اعلام شد وزارت علوم برای واگذاری طرح‌های مختلف به پارک‌های علم و فناوری و در قالب ۵۰ پارک، ۵۰ برنامه، پارک علم و فناوری امیرکبیر را متولی اجرای این طرح کرده است.» وی تصریح کرد: «دانشگاه‌ها در این فرآیند نقش بسیار مهمی دارند، همچنین انتظار داریم وزارتخانه‌هایی مانند وزارت کار، وزارت صنعت و معاونت علمی

دستگاه‌ها و شرکت‌ها هستند، اما در صورت ارائه آموزش‌های مهارت‌افزایی، می‌توان آنها را به سمت ایجاد کسب‌وکارهای مبتنی بر دانش هدایت کرد.» فیضی ادامه داد: «از این رو طرح ملی ترویج کارآفرینی برای افراد در شرف دانش‌آموزی برنامه‌ریزی شده است. بر این اساس مخاطبان این طرح ملی دانشجویان سال‌های سوم و چهارم دوره کارشناسی، دانشجویان سال آخر دوره کارشناسی ارشد و دانشجویان دکتری بعد از گذراندن دروس دانشگاهی در نظر گرفته شده است.» او تأکید کرد: «در این دوره آموزشی دانشجویان منتخب در ۱۰ عنوان آموزشی ۷۰ تا ۸۰ ساعت محتوای آموزشی دریافت خواهند کرد.» رئیس پارک علم و فناوری دانشگاه امیرکبیر بیان اینکه فراخوان جذب دانشجویان در سبایط طرح ملی ترویج کارآفرینی به نشانی nepp.ir منتشر شده، خاطرنشان کرد: «درباره پذیرش دانشجویان برای هر دانشگاه سهمیه مشخصی تعیین شده است و هر دانشگاه براساس شاخص‌های خود اقدام به انتخاب دانشجویان برای جذب در این طرح می‌کند.»



اعتراضات در فرانسه برخلاف دفعه‌های قبل چندلایه است، دولت مکرون از ۴۵۰۰۰ افسر برای سرکوب استفاده می‌کند

شورش پیچیده، سرکوب خشن



فرهنگستان برخی از رخدادها به خودی خود، فاقد جنبه برانگیزانندگی هستند و به سرعت نیز به دست فراموشی سپرده می‌شوند اما اگر همان رخداد در بستر یک شکاف اجتماعی ریشه دوانده در ساختار سیاسی یک کشور ظهور و بروز پیدا کند، می‌تواند به یک قیام و شورش جمعی غیرقابل کنترل تبدیل شود. سه هفته پیش در غرب فرانسه جوان ۱۹ ساله‌ای با شلیک پلیس راهنمایی کشته شد و آب از آب تکان نخورد اما دو هفته بعد پلیس در خشونتی آشکار نوجوانی را هدف قرار داد که مسلمان عرب‌تبار و مهاجر بود. همین موضوع خشم گسترده‌ای را به‌ویژه در میان جوانان جوامع کم‌درآمد مهاجر برانگیخت؛ چراکه آنان باور داشتند این تیراندازی برگرفته از نژادپرستی ریشه دوانده در سازمان‌های مجری قانون فرانسه است. سال‌هاست در فرانسه یک شکاف عمیق پیرامون مهاجران و به‌ویژه مهاجران مسلمان شکل گرفته و باعث شده است احزاب راست افراطی که پس از جنگ جهانی دوم تنفربرانگیز بودند، تبدیل به الهه نجات‌بخش مردم فرانسه شوند. به‌عنوان نمونه حزب راست افراطی «اجتماع ملی» (جبهه ملی سابق) مارین لوپن، با تکیه بر شعارهای ضدمسلمانان و مهاجرت‌توانست از یک گروه حاشیه‌ای به یکی از اصلی‌ترین احزاب فعال در سیاست تبدیل شود و دوبار نیز یک پای ثابت انتخابات راست جمهوری باشد. اگرچه رهبر این حزب پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری نشد اما دیدگاه‌هایش درباره «اسلام» و «مهاجرت» به اکثر جریان‌های سیاسی فرانسه تحمیل شده و حتی مخالفانی همچون مکرون را ناچار به پذیرش برخی دیدگاه‌های خود کند. شاید ماشه سلاح آن افسر پلیس رانیز رشد همین گرایش‌های ضداسلام و مهاجران چکانده باشد؛ موضوعی که مادر این نوجوان نیز بدان اشاره کرده است. او که منتقد است‌پسرش به دلیل «چهره عربی» داشتن کشته شده است به رسانه‌ها گفته: «افسر یک بچه کوچک عرب را دید و خواست جانش را بگیرد.»

با انتشار ویدئوی اقدام خشونت‌بار پلیس و اثبات دروغ بودن گزارش پلیس اعتراضات در شهر نانتز آغاز شد و به‌مرور به شهرهای مجاور سرایت کرد. معترضان خشمگین خیابان‌ها را مسدود کردند، سطل‌های آشغال را آتش‌زنده و بنده پاسگاه‌های پلیس حمله و برخی مغازه‌ها را غارت کردند. براساس گزارش‌های منتشرشده، فرانسه برای سرکوب اعتراضات ۴۵ هزار افسر را با پشتیبانی خودروهای زرهی به کار گرفته است. وزارت کشور فرانسه اعلام کرد که در اعتراضات ۴ شب گذشته، هزار و ۳۱۱ نفر را دستگیر کرده است. براساس این گزارش، معترضان هزار و ۳۵۰ وسیله نقلیه را به آتش کشیدند و ۲۴۰ ساختمان را سوزانده یا تخریب کردند. آنها در ۲ هزار و ۵۶۰ نقطه آتش‌سوزی به راه انداختند و ۴۱ کلانتری و پاسگاه را مورد حمله قرار دادند. در جریان درگیری‌های طرفین، ۷۹ نیروی پلیس و ژاندارمری زخمی شدند. شدت درگیری‌ها در فرانسه به اندازه‌ای است که امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه سفر رسمی خود به آلمان را که قرار بود روز یکشنبه آغاز شود به تعویق انداخته است. او پس از دومین نشست امنیتی اضطراری کابینه گفت یک‌سوم از افراد دستگیرشده طی چند شب گذشته، جوان یا بسیار جوان «بوده‌اند و این نشان می‌دهد که اینترنت نفوذ منفی بر کودکان و نوجوانان داشته است. او از نقش بلتفرم‌ها و شبکه‌های اینترنتی در رویدادهای روزهای اخیر خبر داد و گفت: «شبکه‌های اجتماعی نظیر اسنپ‌چت، تیک‌تاک و سایر شبکه‌ها بستری برای شکل‌گیری و سازماندهی تجمعات خشونت‌آمیز بوده‌اند و آنها به شکل تقلیدآمیزی به سوی این حرکات خشونت‌آمیز سوق داده می‌شوند و همچنین باعث شده تا از دنیای واقعی فاصله بگیرند.» رئیس‌جمهور فرانسه ضمن آنکه از والدین خواست تا فرزندان خود را در منزل نگه‌دارند، گفت: «جوانانی که به خیابان‌ها آمده‌اند همانند بازی‌های ویدئویی رفتار می‌کنند؛ بازی‌هایی که اثرات مخربی روی آنها داشته است.»

بخشی از آنچه که مکرون می‌گوید شاید درست باشد اما واقعیت پنهان‌شده در پس ماجرا بسیار عمیق‌تر از آن چیزی است که او

پای شورش کم‌سابقه اخیر در فرانسه، به دنیای ورزش هم کشیده شده است. تندترین واکنش به این خشونت‌ها «مایک ماینان»، دروازه‌بان فرانسوی میلان در توپیتی نشان داد. او درباره بی‌عدالتی که احساس می‌کرد، نوشت: «یک گلوله در سر... همیشه این اتفاقات برای مردم رخ می‌دهد. باز هم یک نفر به اشتباه کشته شد.» برخلاف او اما «کلیان امباپه»، ستاره تیم ملی فرانسه بیانیه‌ای را که فدراسیون فوتبال فرانسه صادر کرده بود، بازنشر داد تا از این طریق نشان دهد نظرش در مورد اتفاقات اخیر این کشور چیست. در این بیانیه آمده است: «ما هم مثل بقیه مردم فرانسه از مرگ وحشیانه «نائل» جوان شوکه شدیم. اول از همه، فکر ما پیش او و خانواده‌اش است و به

واکنش امباپه به اعتراضات مردمی

خانواده او صمیمانه تسلیت می‌گوییم. مسلمانا نمی‌توانیم به شرایطی که این مرگ غیرقابل پذیرش در آن اتفاق افتاده، بی‌تفاوت باشیم. از زمانی که این اتفاق تراژیک رخ داده، شاهد ابراز خشم از طرف مردمی هستیم که جوهره احساس‌شان را درک می‌کنیم اما روش بیان آن را نمی‌توانیم تایید کنیم. خیلی از ماها از طبقه کارگر هستیم و در این احساس درد و اندوه با مردم شریک هستیم اما به این روند، یک پرسه خودتخریبی اضافه شده است. این اموال، همسایه‌ها، شهر و مکان‌های تحقیقاتی خود شمامست که تخریب می‌شود. خشونت هیچ مشکلی را حل نمی‌کند... خشونت باید پایان‌پذیرد تا جا برای عزاداری، گفت‌وگو و بازسازی باز شود.»

که متوجه «طبقه متوسط» است. فوکویاما به صورت واضح به تبعات این ملی‌گرایی پوپولیستی نپرداخته است اما حالا با ظهور این شکل از ملی‌گرایی در فرانسه، یک به یک تبعات آن در حال مشاهده شدن است. فرانسه در سراسر شورش طبقه فرودست و مهاجری افتاده است که سخت به سمت بی‌ثباتی گام برمی‌دارند اما اگر وارد خیابان شوند، در آوردن خیابان از دست آنها کار چندان ساده‌ای نخواهد بود. شاید از همین روست که «آن سوفی سیمپر»، نویسنده و محقق سابق عفو بین‌الملل، به دوپچه وله گفته: «خشونت در فرانسه تکرار خواهد شد مگر اینکه اقدامات درازمدت اتخاذ شود.» او همچنین گفت: «با توجه به ناآرامی‌ها و آسیب‌ها، از جمله آسیب به اموال عمومی، می‌توانید بفهمید که چرا [دولت] نیروی بیشتری مستقر می‌کند. با این حال، من فکر می‌کنم که آنها باید به علت عمیق و ریشه‌ای خشم این جوانان نیز بپردازند.»

مشخص نیست این اعتراضات تا چند روز دیگر ادامه داشته باشد اما در حال حاضر اعتراضات به کشتن این نوجوان به مستعمرات فرانسه نیز کشیده شده است. منابع خبری روز گذشته اعلام کردند در آمریکای جنوبی و پس از قتل یک مرد ۵۴ ساله در اعتراضات گویان فرانسه با شلیک مستقیم پلیس، معترضان در «کاین»، پایتخت گویان به سمت پلیس و نیروهای فرانسوی شلیک کردند. در جزیره ریونیون در اقیانوس هند نیز معترضان سطل‌های زباله

به‌گریبان بود اکنون باید معضل مهاجران و طبقات ضعیف نیز به آن اضافه کرد. فرانسسیس فوکویاما نظریه‌پرداز آمریکایی در کتاب هویت، از ظرفیت طبقات متوسط در ایجاد آشوب و بی‌ثباتی گفته است. او نوشته: «طبقات متوسطی که احساس می‌کنند موقعیت‌شان را در قیاس با گروه‌های دیگر از دست می‌دهند بیشتر از فقرای درمانده و مستاصل میل به ایجاد بی‌ثباتی سیاسی دارند.» او از الکسی دو توکوئل نقل می‌کند که گفته بود «انقلاب فرانسه را نه دهقانان تهی دست بلکه طبقه متوسط در حال ظهوری راه انداخت که یک دهه پیش از انقلاب احساس می‌کرد وضع سیاسی و اقتصادی‌اش در حال وخیم شدن است.» به اعتقاد فوکویاما، «مردم فقیر اغلب فاقد سازماندهی سیاسی اند و دغدغه معاش و بقای روزمره دارند؛ برعکس طبقه متوسط برخوردار از فرصت بیشتری برای فعالیت سیاسی بوده، دارای سواد بیشتر و وسیع شدنش آسان‌تر است. از همه مهم‌تر آنکه این طبقه احساس می‌کنند به خاطر موقعیت اقتصادی‌شان باید مورد احترام قرار بگیرند. آنها سخت مشغول کار‌هایی هستند که برای جامعه مفید است و مسئولیت‌های خود را در قبال جامعه نظیر پرداخت مالیات انجام می‌دهند؛ آنها می‌دانند که در رأس قله‌های اقتصادی نیستند و در عین حال مفتخرند که درآمدها به حساب نمی‌آیند و برای زنده ماندن به حکومت تکیه ندارند.» او «ظهور ملی‌گرایی پوپولیستی» را «تهدیدی» خوانده

می‌گوید. بخشی از این واقعیت را اریک زمر، مبارز ضد‌مهاجرت به رادیو Europe ۱ گفته است. او ضمن تأکید بر سرکوب شدید شورش‌ها، آن را «آغاز یک جنگ داخلی و یک جنگ قومی» توصیف کرد. مرگ این نوجوان ۱۷ ساله اختلاف عمیق و تلخ در فرانسه را آشکار کرده است. جامعه فرانسه به‌طور فزاینده‌ای بین یک جناح طرفدار قانون و نظم و کسانی که معترض به نژادپرستی یا بدرفتاری پلیس با اقلیت‌ها هستند تقسیم شده است. برخلاف امانوئل مکرون که مساله را به شبکه‌های اجتماعی تقلیل می‌دهد اولیویه کلاین، وزیر مسکن که شهردار سابق منطقه قفیرنشین کلیشی سو‌بواس بوده روز جمعه به BFM TV گفت: «این نارضایتی مداوم در تعداد معینی از جوانان وجود دارد که احساس می‌کنند فراموش شده‌اند.» او شهردار شهری بود که در سال ۲۰۰۵ زید بنا ۱۷ ساله و یونان‌تبار ۱۵ ساله در بی‌تعقیب پلیس دچار برقی گرفتگی شدند. از آن زمان ۱۸ سال از مشکلات متناوب فرانسه گذشته است. مدارس فقیر، مواد مخدر، بزهکاری و چشم‌اندازهای ناگوار در حومه‌هایی که بسیاری از الجزایری‌های فرانسوی و سایر اقلیت‌ها در آن زندگی می‌کنند، رنجشی را برانگیخته است که به نظر نمی‌رسد کاهش یابد. این وضعیت در کنار جامعه به‌شدت دوقطبی‌شده فرانسه در مواجهه با مهاجرت زمینه‌ساز شورش اخیر شد.

اگر تا پیش از این فرانسه با مشکلی به نام طبقه متوسط دست

۴۱ کلانتری و پاسگاه مورد حمله قرار گرفت	۱۳۵۰ وسیله نقلیه به آتش کشیده شد	۲۴۰ ساختمان نیز سوزانده یا تخریب شد	۱۳۱۱ نفر دستگیر شدند	۱۰۰ فروشگاه متوسط و بزرگ مواد غذایی تخریب و غارت شدند	۲۵۶۰ آتش‌سوزی در مناطق عمومی	۷۹ نیروی پلیس و ژاندارمری زخمی شدند	۴۵۰۰۰ افسر با پشتیبانی خودروهای زرهی
---	----------------------------------	-------------------------------------	----------------------	---	------------------------------	-------------------------------------	--------------------------------------

ردیف	سال	دلیل	توضیحات
۱	۲۰۰۵	کشته شدن دو جوان در حومه پاریس که پس از هجوم پلیس از ترس دستگیری در پشت پست برق مخفی شده بودند	۳ هفته شورش، به آتش کشیده شدن ۸ هزار خودرو، بازداشت ۲۷۶۰ نفر
۲	۲۰۰۶	تصویب لایحه «قانون فرصت برابر» که اخراج کارگران زیر ۲۶ سال را آسان‌تر می‌کرد	تظاهرات ۴۰۰ هزار نفر در ۱۸۷ شهر، تظاهرات یک میلیون نفری در ۷ مارس، بازداشت ۴۵۰۰ نفر
۳	۲۰۰۷	کشته شدن دو نوجوان در اثر تصادف با خودروی پلیس	به آتش کشیدن ۷۰ اتومبیل و ساختمان، بازداشت ۳۹ نفر
۴	۲۰۰۷-۲۰۰۹	اعتراض به تلاش دولت برای ایجاد تغییرات در نحوه ارائه بودجه و تغییرات ساختاری در دانشگاه‌ها	حضور ۳ میلیون نفر در اعتراضات
۵	۲۰۰۹	کشته شدن یک جوان الجزایری در ۹ جولای در حومه پاریس	به آتش کشیده شدن ۳۱۷ خودرو، مجروحیت ۱۳ پلیس، دستگیری ۲۴۰ نفر
۶	۲۰۱۲	اعتراض ساکنان شهرک «نوتردام دس لند» در غرب فرانسه در سال ۲۰۱۲ علیه آغاز عملیات ساخت فرودگاه	به‌کارگیری ۲۵۰۰ پلیس برای فرونشاندن اعتراض مردم محلی
۷	۲۰۱۳	دستگیری یک مرد مسلمان پس از درگیری با پلیس به دلیل درخواست برداشتن پوشش صورت همسرش از سوی پلیس	به آتش کشیده شدن ۲۰ خودرو
۸	۲۰۱۴	اعتراض مهاجران و مسلمانان فرانسوی به حمله رژیم‌صهیونیستی به غزه و تلاش دولت برای اعمال محدودیت بر این اعتراضات	حمله علیه فروشگاه‌ها و مراکز یهودیان، دستگیری ۳۰۰ نفر
۹	۲۰۱۶	اعتراض رانندگان فرانسوی علیه اوبر	گسترش اعتصابات به معلمان، پرشکان، کنترل‌کننده‌های ترافیک هوایی، کارکنان بیمارستان‌ها، کارگران بخش دولتی و...
۱۰	۲۰۱۶	تصویب قوانینی برای بهبود وضعیت کسب‌وکار که از نگاه مردم بر ضد آنان عمل می‌کرد	اعتراضات یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفری، تخریب بانک‌ها، ساختمان‌ها و خودروها
۱۱	۲۰۱۷	برخورد خشونت‌آمیز پلیس با یک جوان سیاه‌پوست	سرکوب سریع اعتراضات به دلیل نژادی‌ساختن التهابات توسط دولت فرانسه
۱۲	۲۰۱۷	حمله معترضان با کوکتل مولوتف و بمب‌های دست‌ساز به سوی پلیس در نزدیکی میدان باستیل طی جشن‌های اول ماه می	-
۱۳	۲۰۱۸	گران شدن بنزین	شرکت ۲۹۰ هزار نفر در اعتراضات، ۱۰۰۰ زخمی، ۱۰ نفر کشته، دستگیری ۷۸۰ نفر
۱۴	۲۰۲۲	کشته شدن یک ملی‌گرایی کرسی در زندان جزیره کرس	حضور ۷ تا ۱۳ هزار نفر در اعتراضات، مجروحیت ۱۰۲ نفر از جمله ۷۷ پلیس
۱۵	۲۰۲۳	اعتراض به افزایش سن بازنستگی	تظاهرات ۲ میلیون نفر در ۲۰۰ شهر، بازداشت بیش از هزار نفر
۱۶	۲۰۲۳	اعتراض به کشته شدن یک نوجوان ۱۷ ساله	استفاده از ۴۵ هزار پلیس برای سرکوب، بازداشت ۱۳۱۱ نفر

درحالی که خالص افزایش جمعیت ۴ استان طی ۱۵ سال اخیر فقط ۶ تا ۷ درصد بوده، این مقدار برای برخی استان‌ها ۳۰ تا ۴۰ درصد است

۴ استان در لیست قرمز مهاجرت



مهدی عبدالهی

دبیر گروه اقتصاد

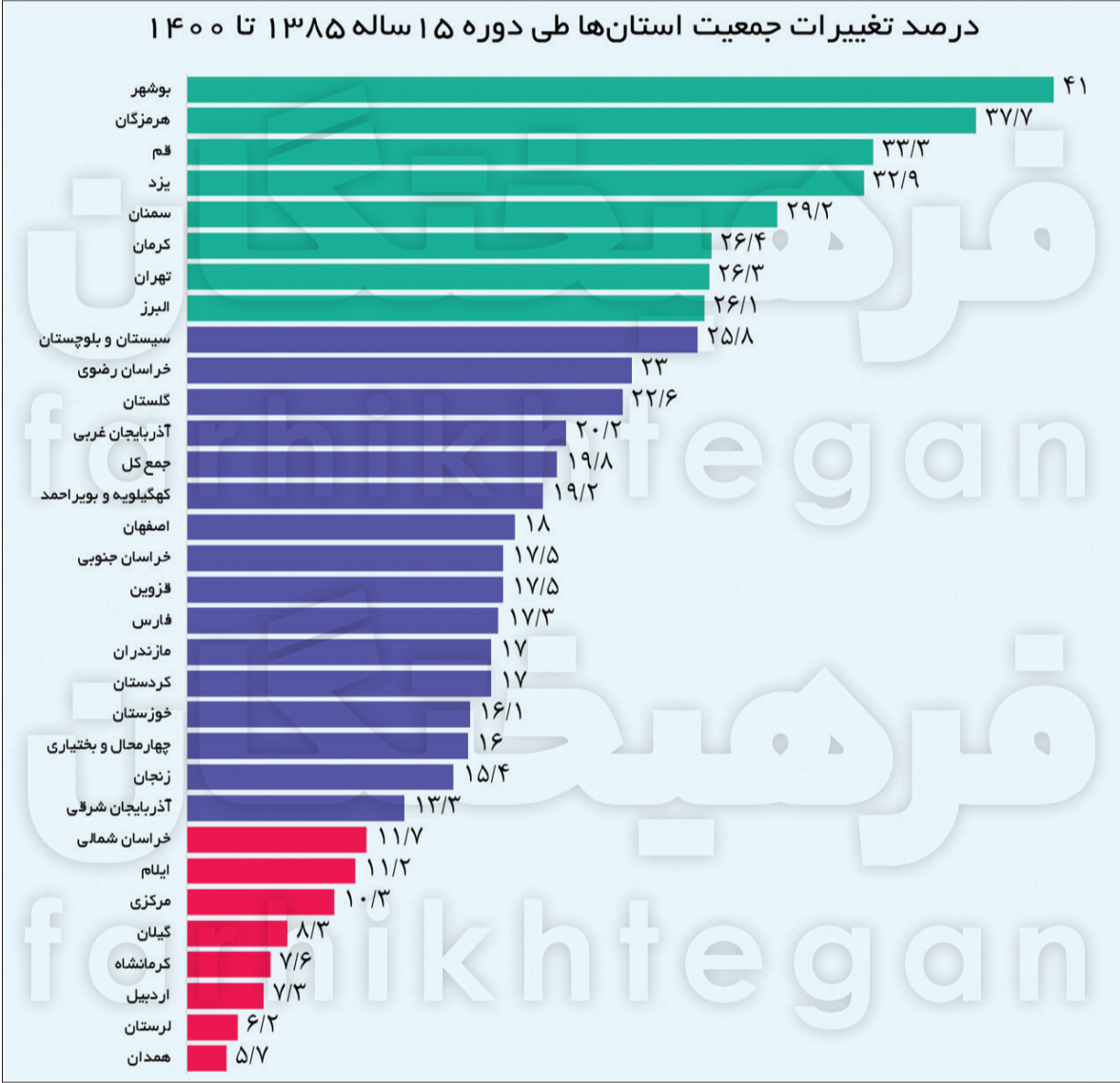
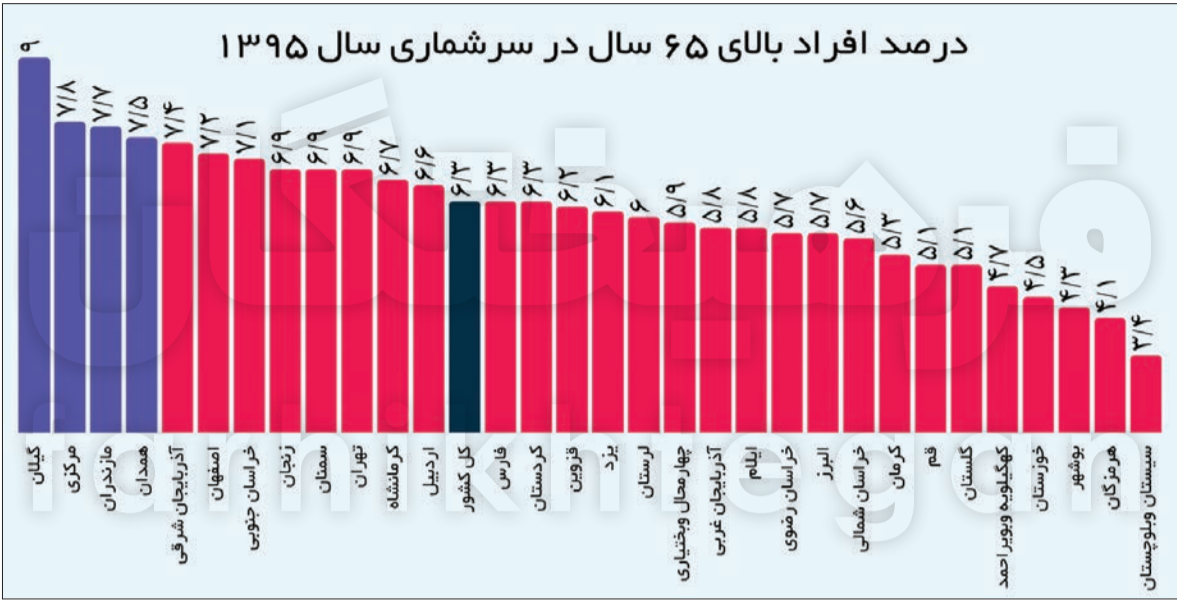
مهاجرت یکی از سه عامل اصلی تغییرات جمعیتی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر با کاهش نسبی میزان مولید و مرگ و میر نقش مهمی را در تغییر نرخ رشد و حجم جمعیت مناطق داخلی برعهده دارد. مهاجرت اگر با ایجاد زیرساخت‌های کافی در مناطق مهاجرپذیر همراه نباشد، علاوه بر ایجاد عدم تعادل و توازن جمعیتی منجر به ایجاد مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همانند آلودگی هوا، افزایش تراکم جمعیت، افزایش بیکاری و مشاغل کاذب، توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای، افزایش معضلات و آسیب‌های اجتماعی و غیره در مناطق مهاجرپذیر می‌شود و از سویی دیگر در مناطق مهاجرفرست نیز منجر به افزایش میانگین سنی جمعیت، از دست دادن نیروی کار، افزایش نسبت سالمندی، بلااستفاده ماندن زیرساخت‌های ایجادشده همچون مدارس و مراکز رفاهی، خالی از سکنه شدن برخی روستاها و مواردی از این دست می‌شود. در این خصوص، آمارها نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ درحالی جمعیت استان‌های همدان، لرستان، اردبیل، کرمانشاه، گیلان، مرکزی و ایلام فقط بین ۶ تا ۱۲ درصد افزایش یافته که این میزان در برخی از استان‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ درصد بوده است. پژوهشگران معتقدند ادامه روند مهاجرت طی چنددهه منجر به شدت گرفتن بیشتر توزیع نابرابر جمعیت در کشور شده و حل مساله بی‌تعادلی در نظام توزیع جمعیتی در سطح ملی و منطقه‌ای که در واقع منشأ بسیاری از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، به یک برنامه جامع نظام اسکان جمعیت نیاز دارد. عنصر و عامل کلیدی در اجرای برنامه اسکان جمعیت ایجاد تعادل و توازن بین قابلیت‌ها و پتانسیل‌های طبیعی و اقتصادی منطقه‌ای و ظرفیت‌های جمعیتی است. به‌اعتقاد کارشناسان عدم توجه به نظام و مکانیسم‌های مهاجرت‌های داخلی و قابلیت جذب و دفع جمعیت مناطق، سبب خنثی شدن و هدررفت سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی و خصوصی می‌شود. همچنین اگر روند فعلی ادامه‌یابد توزیع فضایی جمعیت و فعالیت به‌شدت نامتعادل تر شده و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی بسیاری را به دنبال خواهد داشت. به علاوه منابع پایه توسعه در معرض تخریب و نابودی قرار گرفته و نسل آینده از منابع ملی محروم خواهد بود. بنابراین لازم است سیاست‌های تثبیت جمعیت و توزیع متناسب اسکان جمعیت در سطح فضای ملی با جدیت دنبال شود. ۱. انجام سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در مناطق محروم متناسب بازیست‌بوم و آمایش سرزمین ۲. افزایش فرصت‌های اشتغال در استان‌های محروم، ۳. تمرکززدایی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین مناطق و ۴. توجه به ظرفیت‌های زیست‌محیطی مناطق ازجمله برنامه‌های پیشنهادی پژوهشگران است که باید با جدیت دنبال شود.

استان‌های محروم در صف مهاجرت

با توجه به تأثیرپذیری مهاجرت از جمعیت در معرض، یکی از بهترین و در عین حال مهم‌ترین شاخص‌های مهاجرتی برای مقایسه بین مکانی و بررسی توزیع فضایی آن، میزان «خالص مهاجرت» است. این شاخص که تأثیر مهاجرت بر تغییرات جمعیت یک منطقه را نشان می‌دهد تا تفاضل تعداد افرادی است که به‌عنوان مهاجر وارد یک منطقه شده‌اند، از تعداد افرادی است که به‌عنوان مهاجر، محل زندگی خود را به مناطق دیگری تغییر داده‌اند به‌دست می‌آید. چنانچه این دو باهم برابر باشد میزان خالص مهاجرت برابر با صفر خواهد بود؛ چنانچه تعداد مهاجران وارد شده بیشتر از خارج شده باشد، شاخص مزبور مثبت خواهد بود که مهاجرپذیری منطقه را نشان می‌دهد و در صورت شرایط عکس، یعنی بیشتر بودن مهاجران خارج شده از وارد شده، شاخص مذکور عددی منفی را نشان داده که مهاجر فرستی منطقه را نشان می‌دهد. بررسی میزان خالص مهاجرت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد در این دوره استان‌های کرمانشاه، همدان، اردبیل، کردستان، لرستان، آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان خراسان شمالی دارای بالاترین سطح منفی میزان خالص مهاجرت هستند. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ آمارها حاکی از آن است که در این دوره استان‌های لرستان، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، خوزستان، اردبیل، همدان، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب بالاترین میزان خالص مهاجرت منفی را داشته‌اند. در آخرین دوره سرشماری رسمی یعنی ۱۳۹۵-۱۳۹۰، تعداد کل مهاجران جابه‌جا شده در کشور افزایش پیدا کرد و به بیش از دو میلیون نفر رسیده است. بررسی تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده از استان‌های کشور نیز نشان از افزایش شدت مهاجرت دارد. در این دوره، بالاترین خالص مهاجرت منفی مربوط به استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، همدان، کرمانشاه، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و اردبیل بوده است.

جذاب‌ترین استان‌ها

در کنار استان‌های مهاجرفرست، لیست استان‌های مهاجرپذیر نیز بسیار قابل تأمل است. بررسی آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ دو استان تهران و یزد با فاصله قابل توجهی از سایر استان‌ها دارای بیشترین میزان خالص مهاجرت هستند. پس از این دو، استان‌های قم، بوشهر، گلستان، اصفهان و سمنان دارای خالص مهاجرت مثبت بالاتر از سایر استان‌ها هستند. نکته قابل تأمل در مقایسه استانی، توزیع فضایی آنها در کشور است. در این دوره عمده استان‌های مهاجرفرست کشور در حاشیه و نوارهای مرزی کشور قرار داشته و استان‌های مهاجرپذیر در مرکز کشور قرار دارند. از سویی دقت در این استان‌ها نشان می‌دهد استان‌های مهاجرپذیر کشور، استان‌هایی هستند که به لحاظ توسعه‌یافتگی در سطوح بالاتری قرار دارند که با توجه به علت اصلی مهاجرت در کشور یعنی عامل اشتغال، کاملاً همخوانی و هماهنگی دارد. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ استان‌های البرز، سمنان، بوشهر، یزد، خراسان جنوبی، گیلان، اصفهان و مازندران بیشترین خالص مهاجرت مثبت را تجربه کرده‌اند. در آخرین دوره سرشماری رسمی یعنی ۱۳۹۵-۱۳۹۰ نیز الگوی مهاجرت در کشور تغییر چندانی نداشته و همچنان بالاترین شاخص خالص مهاجرت مثبت مربوط به استان‌های سمنان، البرز، یزد، قم، تهران، بوشهر و هرمزگان است. در مجموع بررسی آمارها حکایت از آن دارد بیشترین مهاجرت خالص طی دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ به سمت استان‌های تهران، البرز و مرکز ایران بوده که در این مدت، بیشترین سرمایه‌گذاری برای بارگذاری صنایع، استخراج معادن و بیشترین سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلفا اجتماعی و فرهنگی در آنها صورت گرفته است. همچنین استان‌های بوشهر و هرمزگان به‌واسطه افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری‌های مربوط به نفت و گاز و پتروشیمی‌ها و در مجموع سرمایه‌گذاری‌های نفت پایه، جذب جمعیت بوده‌اند. در مجموع مبدأ و مقصد مهاجرت‌ها نشان می‌دهد هنوز دافعه مناطق مهاجرفرست و جاذبه مناطق مهاجرپذیر به قوت خود باقی است و همچنان خروج جمعیت از مناطق محروم به سمت مناطق توسعه‌یافته‌تر ادامه دارد، البته با توم بالای چند سال اخیر به‌ویژه در بخش مسکن، شاید از شدت مهاجرت به سمت کلانشهرها کاسته شده باشد



اما این موضوع به معنی کاهش مهاجرت نیست و ممکن است مهاجرت به حاشیه شهرها و روستاهای استان‌های جاذب صورت گرفته باشد.

تغییر الگوی مهاجرتی ایرانیان

یکی دیگر از الگوهای مهاجرتی داخلی در کشور، مهاجرت برحسب الگوی سکونتی شهری روستایی است. فارغ از محدوده سیاسی-اداری کشور، مهاجرت می‌تواند به یکی از ۴ شکل شهر-شهر، روستا-شهر، روستا-روستا و شهر-روستا صورت گیرد. نظر به تأثیر مهاجرت بر حجم جمعیت مقصد و مبدأ، بررسی نوع الگوی سکونت آنها گویای واقعیات جمعیتی و اجتماعی بسیاری است. براساس آمارهای مرکز آمار ایران طی دوره ۳۰ سال اخیر، گرچه همواره مهاجرت‌های شهر به شهر بالاترین نسبت را داشته‌و پس از آن، مهاجرت‌های روستا-شهر دومین الگوی مهاجرتی غالب محسوب می‌شود، اما در این مدت سهم مهاجرت شهر-شهر از ۴۸٫۲ درصد در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به ۶۸٫۳ درصد در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ رسیده است. همچنین در این مدت مهاجرت‌های روستا-شهر از ۲۲٫۴ درصد در دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به ۱۴٫۶ درصد در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ رسیده است. به عبارتی همواره حدود دوسوم از مهاجرت‌های کشوری به مقصد شهرها صورت گرفته و روند آن نیز همواره افزایشی بوده است. نتیجه این روند افزایش جمعیت و نسبت شهرنشینی و در مقابل کاهش شدید نسبت روستانشینی در کشور است. شایان ذکر است در کنار عوامل طبیعی، افزایش جمعیت نقاط شهری و مهاجرت دو عامل تبدیل نقاط روستایی به شهر و ادغام روستاها در مجموعه شهری نیز سهم قابل توجهی داشته است و در تقسیم روند شهرنشینی باید به این دو عامل نیز توجه کرد.

قرار بزرگ جوانان به سمت شهرهای بزرگ

مهاجران نمونه تصادفی از جمعیت نیستند و ویژگی‌های فردی آنها در سطح جمعی می‌تواند منجر به تغییراتی در ترکیب جمعیت مبدأ و مقصد شود. ازجمله ویژگی‌های ترکیب جمعیت که می‌تواند در اثر جریان مهاجرت داخلی تغییر کند ساختار سنی است. به‌عبارتی تغییر ساختار سنی در اثر مهاجرت می‌تواند تبعات اقتصادی و اجتماعی مختلفی برای هر منطقه داشته باشد. افزایش جمعیت جوان می‌تواند در صورت وجود زیرساخت‌های لازم نیروی انسانی برای افزایش سطح توسعه‌یافتگی مناطق مهاجرپذیر فراهم کرده‌ودر مقابل، منجر به کاهش نیروی انسانی جوان مناطق مهاجرفرست شده و مانع توسعه‌یافتگی بیشتر این مناطق شود. بررسی‌ها حکایت از آن است که دامنه سنی مهاجران عمدتاً بین ۲۰ تا ۳۰ سالگی است. همچنین مردان بیشتر از زنان مهاجرت می‌کنند و مهاجرت زنان نیز عمدتاً به‌صورت تبعیت از همسران شان بوده است. اما بررسی ساختار سنی-جنسی مهاجران داخلی طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ نشان می‌دهد در این دوره بیشترین مهاجرت مربوط به سنین ۱۵ تا ۳۵ سال بوده است. در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نیز بالاترین

سهم مهاجران مربوط به سنین ۱۵ تا ۳۴ سال با سهم ۳۵ درصدی از کل جمعیت مهاجران بوده است. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نیز بررسی‌ها حکایت از آن دارد که در این دوره‌ها سهم بالایی از مهاجران مربوط به سنین ۱۵ تا ۳۵ سال یعنی افراد در سن کار و تحصیل بوده است. از سوی دیگر، مقایسه جنسی مهاجرت در دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد در این دوره سهم زنان گرچه همواره کمتر از مردان بوده اما سهم آنان طی دوره ۳۰ ساله افزایشی بوده است. این موضوع با افزایش سهم زنان از دانشجویان تحصیلات تکمیلی که بسیاری از آنها پس از تحصیل به شهر خود برنمی‌گردند، قابل توضیح است. طبق آمارهای مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ حدود ۵۳٫۲ درصد از مهاجران مردان و ۴۶٫۲ درصد نیز زنان بوده‌اند. در دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ سهم مردان از مهاجران ۵۵٫۶ و سهم زنان ۴۴٫۳ درصد بوده است. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ سهم سهم مردان از مهاجرت ۵۳٫۷ و زنان ۴۷٫۵ درصد بوده است. اما در آخرین سرشماری این دوره نیز نشان از افزایش مهاجرت‌های زنان و رسیدن به سطح ۴۸٫۴ درصد در مقابل ۵۱٫۶ درصدی سهم مردان از مهاجران است. در یک جمع‌بندی، بالاترین درصد مهاجران در سن ۱۵ تا ۳۴ سال قرار دارند. بخشی از اینها دانشجویان هستند که بعضاً پس از اتمام تحصیلات به شهر و روستای خود برنمی‌گردند و بخش دیگری از مهاجران (بخش عمده) کارگران ماهر و غیرماهری هستند که به دنبال یافتن شغل مهاجرت کرده‌اند. همچنین سهم مردان از مهاجران در همه دوره‌ها (۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵) بیشتر از زنان بوده است. این دو ویژگی مهاجرت باعث کاهش جمعیت در سن کار در مناطق مهاجرفرست و افزایش افراد متقاضی کار در مناطق مهاجرپذیر می‌شود که اگر بالاتر از ظرفیت مهاجرپذیری در مقصد باشد منجر به شکل‌گیری مشاغل غیررسمی و اقتصاد زیرزمینی، مناطق حاشیه‌نشین و سکونتگاه‌های غیررسمی، آسیب‌های اجتماعی، افزایش بار ترافیکی و معضلات دیگری در این مناطق می‌شود.

پیش‌بینی رشد منفی جمعیت روستایی در ۲۱ استان

در دهه‌های اخیر با افزایش مهاجرت‌های روستایی حجم شهرنشینی در کشور به‌شدت افزایش یافته و در مقابل بسیاری از روستاها خالی از سکنه شده‌اند. این روند علاوه بر ایجاد مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مانند آلودگی هوا، افزایش تراکم جمعیت، افزایش بیکاری و مشاغل کاذب و… در شهرها، مشکلاتی را در روستاها ایجاد کرده است. افزایش میانگین سنی جمعیت، از دست دادن نیروی کار، افزایش نسبت سالمندی و مواردی از این دست، ازجمله پیامدهای مهاجرت از روستاهاست. در این خصوص براساس گزارشی که مرکز آمار ایران در خردادماه سال ۱۳۹۸ منتشر کرد، برآورد‌های این مرکز نشان می‌دهد با الگوی فعلی رشد جمعیت، مناطق روستایی کشور به سمت خالی از سکنه شدن برخی از روستاها و کاهش چشمگیر جمعیت در اغلب روستاها پیش می‌رود، چنانکه داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد جمعیت ایران با نرخ رشد فعلی ۱٫۲۴ در سال ۱۴۰۵ به ۸۹ میلیون و ۱۲۱

هزار نفر خواهد رسید که ۶۸ میلیون و ۹۸۲ هزار نفر آن در شهرها (۷۷ درصد از کل) و ۲۰ میلیون و ۱۳۹ هزار نفر (۲۳ درصد) آن نیز در روستا زندگی خواهند کرد. اما در این میان نکته قابل تأمل این است که تا سال ۱۴۰۵ نرخ رشد جمعیت روستایی ۲۱ استان کشور منفی خواهد بود که از جمله می‌توان به نرخ رشد منفی ۲ درصد مناطق روستایی استان قزوین، نرخ رشد منفی ۱٫۷ درصد استان کرمانشاه، نرخ رشد منفی ۱٫۳۱ درصد دو استان مرکزی و اردبیل، نرخ رشد منفی ۱٫۱۷ درصد استان کردستان و نرخ رشد ۱٫۱۱ درصد استان همدان اشاره کرد.

همدان، لرستان، اردبیل و کرمانشاه در لیست قرمز

به دلیل عدم توزیع فضایی یکسان جمعیت و نیز امکانات و خدمت و در نتیجه تفاوت در سطوح توسعه‌یافتگی مناطق مختلف کشور، الگوهای مهاجرتی متفاوتی در هر منطقه شکل گرفته است. بنابر تئوری‌های مختلف مهاجرتی، به‌ویژه تئوری جاذبه و دافعه، مناطق مختلف به‌لحاظ داشتن امتیازات و امکانات یا در نقطه مقابل به‌دلیل محرومیت‌ها و ضعف‌ها، دارای جاذبه و دافعه‌های مختلفی هستند که توازن این دو الگوی مهاجرتی را شکل می‌دهند. مناطقی که عوامل جاذبه آنها بیشتر از عوامل دافعه مبدأ باشند، نسبتی از جمعیت مبدأ را به خود جذب می‌کنند و در این مبادله جمعیتی بیشترین سود جمعیتی را خواهند داشت. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. تنوع و گستردگی اقلیمی از یک‌سو و تفاوت و عدم توازن سطح توسعه‌یافتگی استانی از سوی دیگر، جریان‌ها و الگوهای مهاجرتی مختلفی را کشور شکل داده است. در این مبادله جمعیتی، استان‌هایی که به‌دلیل بالاتر بودن سطح توسعه‌یافتگی، بیشترین عوامل جاذبه را دارند، مهاجران بیشتری را در خود جایی داده‌اند. بررسی داده‌های مهاجرت نشان می‌دهد که به‌صورت کلی عمده استان‌های کشور، مهاجرفرست هستند و در جریان مهاجرت با خروج بیشتر مهاجران به توازن منفی دست یافته‌اند، اما این الگو پیامدهای اقتصادی-اجتماعی قابل‌تأملی را برای برخی استان‌ها به‌جای گذاشته است. یکی از این پیامدها، اثر آن بر تغییر تعداد کل جمعیت است. بررسی آمارهای مرکز آمار ایران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در ۳۱ استان کشور (جمعیت سال ۱۳۸۵ استان البرز با ریزسازی شده) نشان می‌دهد طی این دوره ۱۵ ساله، جمعیت استان بوشهر با ۴۱ درصد افزایش، بیشترین افزایش را در میان ۳۱ استان به‌خود اختصاص داده است. هرمزگان با افزایش ۳۷٫۷ درصدی در رتبه دوم، قم با ۳۳٫۳ درصد سوم، یزد با ۲۲٫۹ درصد چهارم، سمنان با ۲۹٫۲ درصد پنجم، کرمان با ۲۶٫۴ درصد ششم، تهران با ۲۶٫۳ درصد هفتم، البرز با ۲۶ درصد هشتم، سیستان و بلوچستان با ۲۵٫۸ درصد نهم و خراسان رضوی با ۲۳ درصد دهم بوده‌اند. اما طی این دوره ۱۵ ساله، جمعیت استان همدان فقط ۵٫۷ درصد افزایش داشته است. پس از این استان، جمعیت استان لرستان با ۶٫۲ درصد، اردبیل با ۷٫۳ درصد، کرمانشاه با ۷٫۶ درصد، گیلان با ۸٫۳ درصد، مرکزی با ۱۰٫۳ درصد، ایلام با ۱۱٫۲ و خراسان شمالی با ۱۱٫۷ درصد، هشت استانی هستند که طی دوره ۱۵ ساله ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ کمترین افزایش جمعیت را داشته‌اند. از آنجا که نرخ زادوولد و همچنین نرخ باوری در این استان‌ها متفاوت است، باید گفت اصلی‌ترین عامل این تغییرات جمعیتی در استان‌ها، عامل مهاجرت و پس از آن، زادوولد است.

مهاجران در صدر اشتغال غیررسمی

نکته قابل‌تأمل دیگر، همسانی استان‌های دارای کمترین رشد جمعیتی با سهم بالای این استان‌ها از مشاغل غیررسمی است. در این خصوص، بررسی گزارش مرکز آمار ایران که طی سالال ۱۴۰۰ تحت‌عنوان «نتایج تفصیلی اشتغال و بخش رسمی و غیررسمی و ۹۹-۱۳۹۸» منتشر شد، نشان می‌دهد استان همدان با حدود ۷۲ درصدی سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال، رتبه اول بالاترین سهم اشتغال غیررسمی کشور را دارد. در رتبه دوم استان لرستان قرار دارد. در این استان ۷۱٫۴ درصد از شاغلان غیررسمی هستند. گیلان با ۷۰٫۷ درصد، آذربایجان شرقی با ۶۹٫۸ درصد، مازندران با ۶۹٫۳ درصد، کرمانشاه با ۶۹ درصد، خراسان جنوبی با ۶۷٫۸ درصد، اردبیل و خراسان شمالی هرکدام با ۶۷٫۷ درصد، کردستان با ۶۶٫۸ درصد، سیستان و بلوچستان ۶۶٫۵ درصد و آذربایجان غربی با ۶۵٫۳ درصد استان‌هایی هستند که اشتغال غیررسمی بالاتری را در کل اشتغال دارند. همچنین سمنان با ۳۸٫۴ درصد، بوشهر با ۴۵٫۲ درصد، زنجان با ۴۷٫۴ درصد، البرز و اصفهان هرکدام با ۴۸٫۱ درصد و تهران و فارس هرکدام با ۵۰٫۶ و ۵۰٫۴ درصد کمترین سهم شاغلان غیررسمی از کل اشتغال را دارند. سهم بالای شاغلان غیررسمی در استان‌های مرزی و استان‌های محروم حکایت از دو نکته قابل‌تأمل دارد: اول اینکه به‌واسطه تمرکزگرایی که طی یک‌قرن اخیر در ایران و البته در اغلب کشورهای درحال توسعه رخ داده، دولت‌مدان نتوانسته‌اند با سیاست‌های مناسب بین مناطق توازن ایجاد کنند و از این منظر، بخش رسمی اقتصاد در فقدان حمایت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی رشد چندانی نداشته و سرمایه‌گذاری‌ها به مناطق خاص سرازیر شده و الگوی عمومی اشتغال نیز متاثر از این موضوع بوده است. نتیجه دوم که مکمل مورد اول است، در کنار سیاست‌گذاری‌های نامتوازن منطقه‌ای، این وضعیت از شاخص‌های اقتصاد کلان نیز تأثیر پذیرفته و به‌دلیل تحیف بودن بخش رسمی، شاغلان به سمت اقتصاد پنهان، قاچاق کالا و مشاغل غیرقانونی روی آورده‌اند. همچنین در استان‌هایی که عمدتاً کمتربرخوردارند، مشاغل مربوط به کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی بدون مزد سهم بالایی دارند که به جهت مقیاس تحیف خود، خارج از فرآیندهای قانونی، بیمه و حمایت‌های اجتماعی و بازنشستگی است.

پیرترین استان‌ها

گفته شد که مهاجرت تغییرات گسترده‌ای را در مبدأ و مقصد مهاجرت ایجاد می‌کند. یکی از این تغییرات، جوانی و پیری جمعیت است. آمارها نشان می‌دهد با توجه به اینکه مراکز مهاجرت‌فرست عمدتاً جمعیت در سن کار را به سمت مقاصد مهاجرتی می‌فرستند، پس از دوره‌ای با کاهش زادوولد، کاهش ازدواج و افزایش سن جمعیت مواجه شده و سهم افراد سالمند آنها از کل جمعیت افزایش پیدا می‌کند. البته در کنار این موضوع، انتخاب برخی استان‌های دارای شرایط جغرافیایی و اقلیمی مطلوب از سوی بانزشتگان برای سکونت نیز باعث تغییرات جمعیتی (افزایش سهم سالمندان) در این مناطق می‌شود. نکته قابل‌تأمل اینکه این دو اتفاق بعضاً به‌همراه هم رخ داده و مورد جالب آن طی دهه اخیر در استان گیلان اتفاق افتاده است. طبق آمارها، در سال ۱۳۹۵ بالاترین نرخ افزایش بالای ۶۵ سال مربوط به استان گیلان بوده که همزمانی مهاجرفرستی جوانان در سن کار را با جذب افراد بازنشسته و سالمند به این استان نشان می‌دهد. طبق این آمارها، پس از گیلان، استان‌های مرکزی، مازندران، همدان، آذربایجان شرقی، اصفهان، خراسان جنوبی، زنجان، سمنان، تهران، کرمانشاه و اردبیل قرار دارند.

پی‌نوشت

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «روندپژوهی مهاجرت داخلی در ایران طی ۳۰ سال اخیر (۱۳۹۵-۱۳۶۵)»، ازجمله منابع بوده است.

آخرین پیشنهادها برای جلوگیری از دور زدن سقف قرارداد

حساب خانواده‌های بازیکنان چک می‌شود



سرخابی‌ها دیروز بالاخره از نخستین خریدهای تابستانی خود رونمایی کردند

ترمیم از خط آتش

برخورد با اعتصابیون؛ تکلیف تمدیدی‌ها تا فردا مشخص می‌شود

پرسپولیس به دنبال رهایی از دست پیرا

سهیل مهدی: سخت است از نیم فصل اول به سلامت عبور کنیم

برای زمان دربی، مهندسی نمی‌کنیم

پشت پرده هر چقدر هم که سخت و در بعضی مواقع حتی نشدنی باشد، اتفاق مثبتی خواهد بود؛ چرا که برای تخلفات احتمالی حتما باید جرایم مشخص در قوانین نوشته شود. نکته قابل تأمل بعدی این است که برای باشگاه‌های آسیایی سقف بودجه ۲۲۵ میلیارد تومان و برای باشگاه‌های دیگر سقف بودجه ۲۵۰ میلیارد تومان است که این ارقام قبلاً به اهالی فوتبال ابلاغ شده بود. در رابطه با نحوه اجرایی شدن این قانون یک مقام بلند پایه فدراسیون فوتبال به «فرهنگستان» گفت: «ما می‌دانیم که در سال اول برای اجرای قانون ممکن است برخی خلأها وجود داشته باشد اما کارگروهی را تعیین کرده‌ایم که هزینه تخلف و توافقات پشت پرده برای دور زدن قانون را بالاتر ببرد. اکثر باشگاه‌ها هم دولتی هستند یا ساختار نظارتی دولتی بر عملکرد آنها اشراف دارد. قطعاً برخورد جدی صورت خواهد گرفت. مدیران باشگاه‌ها باید تا تاریخ ۲۵ تیرماه بودجه مصوب شده قانونی خود را به سازمان لیگ قرارداد می‌کنند که دوساله باشد اما سال دوم آن توافقی باشد به هیچ عنوان در سازمان لیگ به ثبت نمی‌رسد.

در واقع بازیکنان، مربیان و باشگاه‌ها که تلاشی برای دور زدن قانون داشته باشند با محرومیت‌های جدی مواجه خواهند شد. با پیگیری‌های خبرنگار «فرهنگستان» و اعلام رسمی منابع آگاه در فدراسیون پرداخت پول خارج از قرارداد به هر بازیکن و مربی ممنوع است و اگر به هر شکلی توافق پشت پرده توسط ایجنت، بازیکن، مدیر، رسانه و هر فردی حقیقی دیگری لو برود برخورد قانونی محکم با افراد حقیقی و حقوقی متخلف انجام خواهد شد. پرداخت هرگونه حواله، پول نقد توسط هواداران متمول، ارزهای مختلف از جمله دیجیتال، خانه و ماشین طبق این دستورالعمل غیرقانونی و مصداق بارز دور زدن قانون و حتی پولشویی خواهد بود. حتی مسئولان در حال توافق با برخی نهادها برای رصد کردن حساب بانکی بازیکنان و مربیان فوتبال و اقوام درجه یک آنها برای بالا بردن ریسک دور زدن قانون هستند. از آنجایی که وضعیت بحرانی اقتصادی فوتبال به جایی رسیده که مسئولان متخلف هم از اجرای این دستورالعمل برای کنترل بازار اقتصادی فوتبال حمایت می‌کنند در نظر گرفتن قوانین جدید و همکاری برای رصد توافقات

۲ تیم سرخپوش رقیب استقلال در جذب نادری

وعده استقلالی‌ها به مدافع سابق: یکشنبه می‌بندیم!

موضع جدید حجت کریمی درباره توافقات تلخ پنجشنبه شرم‌آور است

مدیران ساختگی و دیوار بلند حاشا

تیم سرخپوش رقیب استقلال در جذب نادری وعده استقلالی‌ها به مدافع سابق: یکشنبه می‌بندیم! موضع جدید حجت کریمی درباره توافقات تلخ پنجشنبه شرم‌آور است مدیران ساختگی و دیوار بلند حاشا

علی خطیر، مشاور رئیس فدراسیون فوتبال و عضو کارگروه تدوین و شفاف‌سازی سقف بودجه سازمان لیگ روز گذشته اعلام کرد که اراده جدی برای اجرای دستورالعمل جدید نقل و انتقالاتی وجود دارد و بهتر است که هیچ باشگاهی اراده فدراسیون را در برخورد با راه‌های دور زدن قانون امتحان نکند. حالا با توجه به این اظهارات سوال اینجاست که مدیران فوتبال چه راه‌حلی برای مقابله با اقدامات احتمالی مربوط به دور زدن قانون خواهند داشت. در این رابطه با برخی از مسئولان فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ صحبت کردیم که خروجی آن یک خبر بسیار مهم بود. اینکه قرار است در قوانین انضباطی تغییراتی ایجاد شود تا با موارد احتمالی تخلف در نقل و انتقالات بازیکنان و مربیان برخورد شود. بر همین اساس کارگروهی تعیین شده و اعضا قرار است تمام احتمالات و راه‌های دور زدن قانون را بررسی و برای هر کدام از آنها جرایم نقدی، محرومیت و حتی کسر از امتیاز در نظر بگیرند.

تیتراژ: حساب خانواده‌های بازیکنان چک می‌شود

سهیل مهدی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: سخت است از نیم‌فصل اول به سلامت عبور کنیم

برای زمان دربی، مهندسی نمی‌کنیم

■ ورزشگاه آزادی به تکاملی نرسیده که قانون ۹۰ درصد در دربی رعایت شود

■ ماجرای دیدار پرسپولیس و پیکان؟ اجتناب‌ناپذیر و ممکن است تکرار شود!



محمدرضا حاجی عبدالرزاق

خبرنگار گروه ورزش

قرعه‌کشی رقابت‌های لیگ برتر در حالی قرار است در بازه زمانی ۱۴ تا ۱۸ تیرماه برگزار شود که در فاصله یک ماه تا آغاز رسمی فصل بیست‌وسوم این رقابت‌ها هنوز برخی ایرادها در نحوه برگزاری رقابت‌های لیگ برتر دیده می‌شود. این در حالی است که اگرچه هر ساله سعی بر آن می‌شود تا این ایراد و اشکال‌ها برطرف نشود اما با آغاز این رقابت‌ها باز هم حواشی ای رخ می‌دهد که گریز‌ناپذیر بوده می‌تواند این رقابت‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد. بر همین اساس در صحبت با سهیل مهدی سعی شده است تا ابهامات و این ایرادات را مطرح کرده و از عالی‌ترین مقام برگزار کننده کمیته مسابقات نقطه‌نظر‌اتر را جویا شویم. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با سهیل مهدی، رئیس کمیته مسابقات سازمان لیگ را در ادامه می‌خوانید.

چرا برنامه رقابت‌های لیگ برتر تا یک فصل کامل یا حداقل تا نیم فصل به‌صورت یکجا اعلام نمی‌شود؟

برنامه ما به‌صورت کامل آماده است و از لحاظ اعلام برنامه به‌شخصه به‌عنوان مسئول برگزاری لیگ مشکلی ندارم، اما مقداری محدودیت وجود دارد که در حال استعلام هستیم. علاوه بر آن، شرایط روز هم مهمند و نمی‌توان درباره همه جزئیات صحبت کرد. به همین دلیل باید مقداری صبر کرد تا در شرایطی نرمال برنامه‌های زمان‌بندی رقابت‌ها اعلام شود.

قرار است تا قبل از جام ملت‌ها، نیم‌فصل اول به پایان برسد؟

باید تلاش کنیم این اتفاق بیفتد در غیر این صورت شاید اتفاقات دیگری رخ دهد. البته برنامه نیم‌فصل اول بسیار فشرده‌است، چون هم جام ملت‌ها را داریم، هم لیگ قهرمانان برگزار می‌شود. در کنار آن فینادای و آماده‌سازی تیم‌های ملی از جمله تیم امید و حضور این تیم در بازی‌های آسیایی را داریم. تورنمنت‌های بی‌دربی و همزمانی را در جریان نیم‌فصل اول شاهد هستیم. مقداری سخت‌است از نیم‌فصل اول به سلامت عبور کنیم، اما تلاش خودمان را می‌کنیم.

برای الزام باشگاه‌ها به همکاری با تیم ملی امید قرار بود قوانینی وضع شود. هیات‌رئیس‌ه در حال بررسی هستند. این موضوع باید تصویب هیات‌رئیس‌ه را داشته باشد و سپس به ما ابلاغ شود، چون هنوز در دستور‌العمل سازمان لیگ چنین چیزی وجود ندارد.

به‌وضعیت تماشاگران برسیم. در فصل جدید تغییراتی را در این زمینه شاهد هستیم؟ و آیا باز هم شاهد محدودیت‌ها خواهیم بود؟
هر مسابقه‌ای از شرایط خاص خودش را در روز مسابقه دارد. قاعدتاً یکی از محدودیت‌هایی که خواهیم داشت حتما فروش بلیت الکترونیکی خواهد بود که این الزام را حتما خواهیم داشت تا تماشاگران حتما با بلیت وارد ورزشگاه‌ها شوند. قاعدتاً محدودیت‌های کرونا برداشته شده اما به لحاظ ریسک مسابقه و شرایط پذیرش ورزشگاه متناسب با آن مسابقه و آن رقابت خاص، عوامل انتظامی و امنیتی استان تصمیم‌گیری خواهند کرد که چه درصدی از ظرفیت ورزشگاه برای بازی مدنظر می‌تواند تماشاگر بپذیرد. این یک امر منطقی به شمار می‌رود که برای هر دیداری نمی‌توان ظرفیت‌صن‌صددر صدی را برای هر ورزشگاهی در نظر گرفت. یک بازی ریسکش بالاست و تقاضای زیادی برای حضور در ورزشگاه وجود دارد، مانند دربی تهران که نمی‌توان شرایط میزبانی ۹۰ درصدی را رعایت کرد. این در صورتی است که در برخی شهرستان‌های دیگر نیز چنین شرایطی وجود دارد. بنابراین این موضوع را باید متناسب با شرایط روز بازی درباره‌اش تصمیم‌گیری کرد.

رقیب یامگا برای پنالتی زدن!

استقلال بعد از ۳۲۴ روز بازیکن خرید

رسانده و در تیم‌هایی که پیش از این بازی کرده نشان داده پنالتی‌زن قهاری است. این در حالی است که در استقلال در دو سال اخیر این وظیفه یعنی زدن پنالتی‌های استقلال به گردن کوین یامگا بوده که این بازیکن با گل کردن تمامی پنالتی‌های خود (یک پنالتی روی ریباند به ثمر رسید) نشان داد در این امر مهارت بالایی دارد. حالا با اضافه شدن محمدی به استقلال به نظر می‌رسد یامگا مدافع‌هافبک سمت راست استقلال یک رقیب سرسخت در امر پنالتی زدن پیدا کرده باشد. هرچند با توجه به سابقه خوب بازیکن فرانسوی در به ثمر رساندن پنالتی‌های دو فصل اخیر آبی‌پوشان به نظر می‌رسد در فصل پیش رو نیز همین بازیکن گزینه زدن پنالتی‌های آبی‌پوشان در جریان مسابقه باشد.

۲ تیم سرخپوش رقیب استقلال در جذب نادری

وعده استقلالی‌ها به مدافع سابق: یکشنبه می‌بندیم!

تیم فوتبال استقلال با حضور در بازار نقل و انتقالاتی سرانجام از نخستین خرید خود رونمایی کرده و با مهرداد محمدی قرارداد رسمی به امضا رساند. نکته قابل توجه اینکه طی روزهای گذشته خبر از حضور بازیکنانی مانند محمد نادری، عارف آقاسی، آرمن سهرابی‌ان و چند بازیکن دیگر در جمع آبی‌ها شنیده می‌شود اما هنوز اقدام مشخصی برای جذب این دسته از بازیکنان از سوی باشگاه صورت نگرفته است. این در حالی است که طی روزهای گذشته از محمد نادری به‌عنوان خرید بعدی آبی‌پوشان نام برده می‌شد و حتی طی صحبت‌هایی که با این بازیکن و مدیر برنامه‌هایش صورت گرفته، از سوی باشگاه به وی وعده داده‌اند روز یکشنبه قرارداد نهایی با وی امضا خواهد شد.
گفتنی است طبق شنیده‌های خبرنگار «فرهیختگان» نادری که مایل است دوباره به استقلال برگردد با پیشنهاداتی از سوی فولاد و تراکتور نیز مواجه شده و حالا این دو تیم به‌عنوان رقیب آبی‌پوشان پیشنهاد جذب نادری را به مدیر برنامه‌های وی ارائه کرده‌اند تا درنهایت این بازیکن تصمیم‌گیرنده اصلی درخصوص انتخاب تیم آینده‌اش باشد.

ورزش



خبر خوش برای تیم‌های تهرانی

ورزشگاه تختی در فصل جدید میزبانی می‌کند

رقابت‌های لیگ برتر حدود یک‌ماه دیگر آغاز می‌شود، این در صورتی است که شنیده می‌شود برای فصل جدید زیرساخت جدیدی مانند ورزشگاه تختی تهران به چرخه زیرساخت‌های کشور برای برگزاری رقابت‌های لیگ برتر اضافه خواهد شد. سهیل مهدی، رئیس کمیته مسابقات در این خصوص به «فرهیختگان» گفت: «از این ورزشگاه بازدید کردم و مهم‌ترین آیتمی که باید به شروع لیگ برسد بحث چمن ورزشگاه تختی است، برای بقیه‌اش زمان کافی وجود دارد. الان بزرگ‌ترین مشکل چمن این ورزشگاه است که آن هم وقتی با پیمانکارش صحبت می‌کردیم این قول را داد که تا هفته‌های ابتدایی چمن را به شرایط مطلوبی برساند. باید ببینیم تا چه حد این وعده عملی خواهد شد.»

وی درباره اینکه در این صورت کدام باشگاه‌ها از این ورزشگاه بهره‌مند خواهند شد، گفت: «هر تیمی که متقاضی باشد و ما دخالتی در این زمینه نداریم. برای ما بسیار خوب است که یک ورزشگاه در تهران به زیرساخت‌هایمان اضافه خواهد شد. ما استادیوم خوب در تهران نداریم و اگر چمن این ورزشگاه اضافه شود و برسد، تختی از ورزشگاه‌های خوب ماست که می‌توانیم استفاده لازم را از آن ببریم.»

دیگر در یک شهر دیگر چنین اتفاقی دوباره تکرار شود. این موضوع را باید برای روز مسابقه بگذاریم. چون با توجه به شرایط خاص هر مسابقه باید در روز مسابقه پرایش تصمیم‌گیری لازم را به عمل آورد. ما دستورالعمل‌های خاص خودمان را داریم، اما بحث ریسک ورزشگاه و میهمان‌پذیری ورزشگاه یک بحث دیگر است. اجازه دهید دستگاه‌های نظارتی که در این زمینه مرتبندن اظهارنظر کنند و ان شاء‌الله در این خصوص در همان روز بهترین تصمیم را خواهیم گرفت. یک زمان‌هایی مشکلات ایمنی هواداران به وجود می‌آید و سلامتی جان مردم بسیار مهم‌تر از برگزاری یک دیدار فوتبال است.

یک باور غلط وجود دارد که سازمان لیگ معمولاً طوری برنامه‌ریزی می‌کند که دیدار دربی خیلی در هفته‌های ابتدایی یا انتهایی نیفتد و در همان اواسط فصل برگزار شود. این موضوع چقدر صحت دارد؟
قرعه‌ها و زوج‌قرعه‌ها مشخص هستند و برنامه‌ریزی نیز براساس قرعه‌کشی مشخص و اعلام خواهد شد. قبلاً هم باورهایی وجود داشت که می‌گفتند قرعه‌کشی مهندسی می‌شود و بعضاً فکت‌هایی هم می‌آوردند که شبیه به قرعه‌کشی دو سه فصل پیش بود و در چند سال سال پیش هم تکرار شده بود. این موضوع به زوج‌قرعه‌ها بستگی

۱۰

سهیل مهدی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: سخت است از نیم‌فصل اول به سلامت عبور کنیم

برای زمان دربی، مهندسی نمی‌کنیم

■ آزادی با ظرفیت کامل به این فصل هم نخواهد رسید

■ برنامه کامل زمان‌بندی لیگ آماده است اما برای اعلام محدودیت‌هایی داریم

دارد و شانسی است و اصلاً این قضایا وجود ندارد. وقتی زوج قرعه‌در می‌آید براساس آن چیدمان هم شکل می‌گیرد.

برای زمان دربی هم پس برنامه‌ریزی خاصی نمی‌شود.

اصلاً و به‌هیچ‌وجه مهندسی وجود نخواهد داشت. برای ما فرقی نمی‌کند چه تیمی در چه هفته‌ای بازی کند و ما باید همه بازی‌ها را برگزار کنیم. چه هفته اول باشد و چه هفته آخر. چه فرقی برای ما می‌کند؟

درباره برنامه‌ریزی لیگ برتر که هر هفته کنداکتور تلویزیون را تغییر می‌داد چه تدابیری را اندیشیده‌اید که کمتر شاهد این اتفاق باشیم؟
صدواسیما حداقل اثر را روی تغییر زمان مسابقات داشت و فصل گذشته شاید برای یک یا دو بازی بیشتر صدواسیما برای تغییر زمان بازی درخواستی نداشت و آن هم دیدارهایی بود که پخش مستقیم رقابت لیگ با برگزاری برخی رشته‌های دیگر مثل والیبال جهانی یا کشتی جهانی و... داخل پیدا می‌کرد و از آن جایی که مردم می‌خواستند هر دو رقابت را به‌صورت کامل ببینند، زمان برگزاری آن یکی دوتا بازی را تغییر دادیم.

به‌نظر می‌رسد شاید مجبور شوید از این به‌بعد تقویم سایر رشته‌های پرطرفدار دیگر را هم برای اعلام رقابت‌های لیگ برتر ببینید.

درست است و شاید این کار را انجام دهیم، اما به‌صورت کلی باید عرض کنم صدواسیما زیاد درخواستی برای تغییر زمان بازی‌ها نداشته و بعید است امسال هم درخواست‌های اینچنینی را شاهد باشیم.

به جز این موضوع چه پارامترهای دیگری برای تغییرات زمان دیدارهای لیگ برتر تاثیرگذار هستند؟

۲۰ تا ۳۰ درصد این موضوع به درخواست تیم‌هایی مربوط می‌شدد که هزینه می‌کردند تا بازی‌هایشان پخش مستقیم شود. مثلاً تیمی مانند هوادار در فصل گذشته هزینه‌هایی را متقبل شده بود تا برخی از بازی‌هایش پخش مستقیم شود. تیم مقابل هم البته از این موضوع منتفع شده و وقتی بازی هوادار پخش می‌شد، این بازی در شبکه‌استانی تیم مقابل هم پخش می‌شد. یعنی دو استان از این قضیه نفع می‌بردند. بنابراین آنها درخواستی می‌دادند که اگر بازی ما در فلان ساعت باشد با توجه به هزینه‌ای که شده است، از دو شبکه استانی بازی ما پخش خواهد شد که سازمان لیگ همکاری می‌کرد تا حداقل هوادان دو تیم بتوانند به‌صورت مستقیم بازی تیم‌های محبوب خود را ببینند. حدود ۳۰ درصد از تغییرات ما به‌خاطر این موضوع بود.

مشکلات دیگری هم وجود داشت که روی برنامه‌ریزی شما تاثیرگذار باشد؟
مقداری هم پروازهای تیم‌ها ما را آذیت کرد. مثلاً تیمی که می‌خواست از جنوب کشور به تهران یاصفهان یا تبریز برود به‌طور ناگهانی یکی دو پرواز کنسل یا جایه‌جا می‌شد و این تغییرات پروازی جوری بود که مثلاً اگر نیم‌ساعت زمان بازی را جایه‌جا نمی‌کردیم تیم میهمان باید یک شب بیشتر در شهر میزبان می‌ماند که همین امر هزینه‌های بیش‌تری را به تیم میهمان تحمیل می‌کرد و در چنین شرایطی بازهم سازمان لیگ همکاری‌های لازم را به‌عمل می‌آورد. الان هم که می‌دانید چقدر هزینه‌ها سنگین هستند و در چنین فضایی باید همکاری لازم را به عمل بیاوریم. برخی تغییرات هم مورد نیاز نهادهای نظارتی بودند. در غیر این صورت سازمان لیگ راساً برنامه‌ای را بعد از تدوین، تغییر نخواهد داد.
اکثراً به‌خاطر درخواست‌های سازمان‌های بالادستی و بیرونی از جمله خود باشگاه‌ها بود که ما سعی کردیم در این دوران اقتصادی که شرایط بسیار سخت است به باشگاه‌ها کمک کنیم. در مجموع این موضوع را هم می‌پذیرم که تغییرات زیادی را از لحاظ زمان‌بندی در فصل گذشته داشتیم که امیدوارم این فصل کمتر شاهد این تغییرات باشیم.

موضع جدید حجت کریمی در باره اتفاقات تلخ پنجشنبه شرم‌آور است

مدیران ساختگی و دیوار بلند حاشا

باز هم دیواری کوتاه‌تر از خبرنگارها در فوتبال ایران پیداننشده است. سرپرست مدیرعاملی باشگاه استقلال ادعا کرده که ماجراهای تمرین جنجالی این تیم، از سوی خبرنگارها هدایت شده است. اگر چنین چیزی بود، چرا همان شب بیانیه صادر کردید و مشغول عذرخواهی از هواداران باشگاه شدید؟ این خبرنگارها بودند که با اشرار سرشناس دست می‌دادند و با آنها همکاری می‌شدند؟ این خبرنگارها بودند که از طرفداران باشگاه‌خواستند علیه مدیریت شما شعار سرر بدهند؟ این خبرنگارها بودند که اوتاش را به میان مردم فرستادند تا از کبان مدیریت شما دفاع کنند؟ با ما که نه، اما کاش حداقل با خودتان روراست باشید. کاش برای یک بار هم که شده مسئولیت یک اتفاق را در باشگاه برعهده بگیرید. این هم شبیه ماجرای اسپینتو شد که از نگاه شما بهترین مربی بود اما همین که پیشنهادتان را رد کرد، تبدیل به یک دروغگوی دائم‌الخمر شد. این همه تضاد، خودتان را آزاد نمی‌دهد؟ این همه تناقض، برای خودتان پذیرفتنی است؟ شما استاد گل به خودی زدن هستید؛ چرا که باعث شدید سرمربی‌تان بعد از تنها یک جلسه تمرین با باشگاه، نامه عذرخواهی منتشر کند. چرا که باعث شدید همه آن لحظه‌های جذاب برای جواد نکونام در اولین روز بازگشت به استقلال، جایش را به سرافکندگی به‌خاطر تصمیم‌های باشگاه بدهد. همان‌طور که از اسم چهره‌های پیشکسوت باشگاه برای اعتبار خریدن استفاده کردید و دست‌تان رسید، تصمیم به انحلال کمیته فنی گرفتید. همان‌طور که با فاش کردن رقم قرارداد بازیکنان جوان، فشار را در اطراف آنها به اوج رساندید و همان‌طور که حالا با مقصر خواندن خبرنگارها در ماجرای تمرین، شعور فوتبالی‌ها در ایران را انکار کرده‌اید. ظاهراً گل به خودی زدن در این فوتبال، عواقب خاصی هم ندارد؛ چرا که نه وزیر ورزش اقدامی برای تغییرزتان کرده و نه رئیس سازمان خصوصی تصمیم گرفته روی آنتن از شما سوال‌های فنی-اقتصادی بپرسد. این وسط، گناه هوادار باشگاه‌تان چیست که همیشه باید در موضع قربانی قرار بگیرند؟ انکار هم حدی دارد آقای مدیر. شما به گفته خودتان، نه از ماجرای بنرها باخبرید، نه می‌دانید که چه کسانی به تمرین استقلال راه داده می‌شوند. اگر واقعا این‌طور است، چرا جای‌تان را به افرادی نمی‌دهید که حداقل نسبت به اطراف‌شان، کمی مطلع‌تر باشند؟ آنها که پاسخ هر سوال را با «اطلاعی ندارم» و پاسخ هر انتقاد را با تئوری توطئه نمی‌دهند.



ورزش

برخورد با اعتصابیون؛ تکلیف تمدیدی‌ها تا فردا مشخص می‌شود

پرسپولیس به دنبال رهایی از دست پریرا

دارد که قطعا برای جدایی در این مقطع بخشی از آن را طلب خواهد کرد.

یهی لیست را برای خارجی‌ها خالی می‌کند

سیامک نعمتی و احتمالا کمال کامیابی‌ها نیز با بازیکنی هستند که به همراه پریرا و شیخ دیاباته برای فصل آینده نام‌شان از لیست بزرگسالان پرسپولیس حذف خواهد شد تا جا برای حضور نفرات جدید باز شود. در این میان وضعیت امید عالیشاه هم مشخص نیست و شاید او هم اگر شرایط مالی باشگاه پرسپولیس را نپذیرد چاره‌ای برای جدایی نداشته باشد. در حقیقت سرمربی پرسپولیس به دنبال این است که تیمش را با جذب نفرات خارجی در پست‌های هافبک میانی و خط حمله تقویت کند. او تا پایان این هفته بازیکنان مدنظرش در این پست‌ها را تحویل مدیریت باشگاه خواهد داد.

کنعانی تنها خرید ایرانی؟

باشگاه پرسپولیس همچنان با محمدحسین کنعانی در حال مذاکره است و این بازیکن تاکید داشته و دارد که اگر قرار باشد در ایران به فوتبالش ادامه دهد به پرسپولیس باز خواهد گشت. البته این اتفاق در شرایطی رخ خواهد داد که این باشگاه از لحاظ مالی مدافع تیم ملی را تامین کند. در این میان هوادار متمول پرسپولیس نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت و اگر او بار دیگر این باشگاه را همراهی کند این انتقال ظرف امروز و فردا انهایی خواهد شد در غیر این صورت پرسپولیس برای جذب یک مدافع داخلی اقدام خواهد کرد. ناگفته نماند اگر کنعانی به پرسپولیس برگردد این باشگاه با حضور او، زاهدی و گولسیانی فقط دو بازیکن خارجی دیگری می‌تواند به خدمت بگیرد. آن هم در صورتی که با پریرا برای فسخ قرارداد به توافق برسد. در این میان هنانوف هم سهمیه آسیایی پرسپولیس را پر خواهد کرد.

بازگشت محمدی منتفی است

یکی از اظهارنظرهای اخیر رضا درویش در مورد بازگرداندن محمد محمدی به باشگاه پرسپولیس بود و اینکه او به خاطر مشکلات شخصی از این باشگاه جدا شده است. واقعیت امر این است که درویش و محمدی از اواخر سال گذشته اختلاف نظر داشتند و از همان موقع مدیرعامل پرسپولیس با علیرضا امامی فر برای جانشینی محمدی مذاکره کرد اما از نظر مالی به توافق نرسید. در نهایت نیز محمدی در تاریخ ۲۰ خرداد ماه اسامال استعفاي خود را به درویش داد و او هم مخالفتی با جدایی معاوش نکرد. حالا اینکه در این شرایط چطور درویش آن صحبت‌ها را انجام داد کمی عجیب بود. در هر صورت بازگشت محمدی فعلا به باشگاه پرسپولیس ممکن نیست و درویش سخت به دنبال یک معاون ورزشی برای باشگاهش است. هرچند اگر قرار باشد معاوتی هم بیاید بعد از فعالیت‌های نقل و انتقالی این باشگاه خواهد بود.



داشته و برای تمدید قرارداد با آنها به توافق برسد. برنامه باشگاه پرسپولیس این است که همه این تمدیدی‌ها فردا در دور جدید تمرینات سرخپوشان حضور داشته باشند. البته قضیه گولسیانی متفاوت است و او به صورت ایمیلی با باشگاه پرسپولیس در حال مذاکره بوده و احتمالا فردا هم او قراردادش را تمدید خواهد کرد.

تغییر موضع یهیی در مورد پریرا

همان طور که روز گذشته در خبرها داشتیم با آمدن شهاب زاهدی به پرسپولیس این باشگاه به دنبال فسخ قرارداد با لئاندرو پریرا خواهد بود. در همین راستا یحیی گل محمدی از مدیریت باشگاهش خواسته شرایط را برای جدایی پریرا فراهم کند تا بتوانند برای او جانشین بیاروند. با توجه به این موضوع باشگاه پرسپولیس از پریرا خواسته فعلا به ایران سفر نکند، بلکه نماینده اش را به باشگاه بفرستد. از این رو قرار است ظرف همین روزها نشستی بین ایجنت ایرانی پریرا و درویش برگزار شود تا این بازیکن برزیلی شرایطش را برای فسخ قرارداد با پرسپولیس اعلام کند. پریرا تقریباً ۹۵ درصد قرارداد نیم‌فصل را گرفته است اما برای فصل آتی یک قرارداد حدود ۳۵ میلیارد تومانی

و پاداش‌هایی که در قرارداد سرخپوشان آمده زمان تعیین نکرده است و تا قبل از شروع فصل جدید مسابقات لیگ این فرصت را خواهد داشت که آنها را ببرداز. در چنین شرایطی هیچ یک از بازیکنان پرسپولیس نمی‌توانند مدعی شوند که تا پاداش نگیرند در تمرینات شرکت نخواهند کرد. در همین راستا اگر این باشگاه تا فردا قرارداد بازیکنانش را تسویه کند، نفراتی که تحت قرارداد باشگاه‌شان هستند باید در دور جدید تمرینات شرکت کنند.

تکلیف تمدیدی‌ها تا فردا مشخص می‌شود

رضا درویش بعد از بازگشت از سفر کربلا، از اولین خریدش که شهاب زاهدی بود رونمایی کرد. او در ادامه برای حل مشکل بیرانوند اقدام کرده و در ادامه به فکر فراهم کردن پول برای سرخپوشان است. هرچند در این زمینه اقداماتی از قبل انجام شده بود و ظرف ۲۴ ساعت آینده حدود ۴۰ میلیارد تومان بین سرخپوشان تقسیم خواهد شد. اما معضل اصلی باشگاه پرسپولیس تمدید قرارداد با نفراتی چون گولسیانی، سرلک، صادقی و آل‌کثیر است. در این میان درویش خواستار ملاقات با خود این بازیکنان شده تا به شکلی مذاکراتش را با آنها پیش ببرد. از این رو قرار است تا فردا درویش با تک تک این بازیکنان دیدار



حمیدرضا اسکندری

خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس در فصل بیست‌ویکم بعد از اینکه موفق به کسب جامی نشد و به نوعی فصل را ناکام به پایان رساند اولین تیمی بود که وارد فصل نقل و انتقالات تابستانی شد و حتی قبل از اینکه فصل تمام شود نیز با علیرضا بیرانوند و مرتضی پورعلی گنجی به‌عنوان خریدهای جدید به توافق اولیه رسیده بود. در همان مقطع نیز یحیی گل محمدی خیلی زود برنامه‌های آماده‌سازی تیمش و لیست ورود و خروج سرخپوشان را آماده کرد تا این باشگاه یکی از بهترین فصل‌های نقل و انتقالی‌اش را سپری کند. نتیجه آن هم استارت به موقع تمرینات آماده‌سازی پرسپولیس و شروع مقتدرانه بازی‌ها و در نهایت قهرمانی در دو جام داخلی بود. البته اگر نخواهیم سوپر جام را هم به آن اضافه کنیم. اما در این فصل، پرسپولیس حداقل خیلی از شرایط فصل قبل خود عقب‌تر است و نه تکلیف بازیکنان آزادش مشخص شده و نه مشخص است چه زمانی قرار است استارت بزند. ضمن اینکه فقط یک خرید در خط حمله داشته است.

بیرانوند کوتاه آمد

دروازه‌بان شماره یک تیم ملی در روزهای اخیر توسط برخی نزدیکانش تحریک شد که برای فسخ قرارداد با باشگاه پرسپولیس اقدام کند اما دیگر دوستان او متقاعدش کردند که قید این کار از زده و به خاطر هواداران پرسپولیس کوتاه بیاید و چالشی برای خودش و باشگاهش به وجود نیآورد. بیرانوند که روز گذشته برای کشیدن بخیه‌های فک جراحی شده‌اش به تهران آمده بود نماینده خود را برای مذاکره با مدیریت باشگاه پرسپولیس معرفی کرد و بعد از صحبت‌های مطرح شده بین آنها قرار شد ظرف ۴۸ ساعت آینده بخشی از طلب بیرانوند به حسابش واریز شود. ناگفته نماند؛ چون بیرانوند بعد از دریافت ۸۰ درصد از قراردادش به باشگاه پرسپولیس نوتیس داده بود اصلا اجازه فسخ یکطرفه نداشت و وکیل او در این مدت با جوی که در رسانه‌ها به راه انداخته بود قصد داشت باشگاه پرسپولیس را تحت فشار قرار دهد. جالب اینکه این فرد تا مدتی اطراف این باشگاه هم آفتابی نخواهد شد از این جهت که درویش به‌شدت از او شاکی است.

بازیکنی حق اعتصاب ندارد

باشگاه پرسپولیس در واکنش به اعتصاب بازیکنان این تیم به آنها اعلام کرده که بهتر است از روز دوشنبه (فردا) در تمرینات حاضر شوند در غیر این صورت با مشکل مواجه خواهند شد. البته قرار است این باشگاه تا فردا با تمامی اعضای تیمش تسویه حساب کند. اما این تسویه حساب شامل پاداش‌ها و آپشن‌ها نخواهد شد. واقعیت امر این است که باشگاه پرسپولیس برای پرداخت آپشن‌ها

گزارش



نیلوفر مذهبی

خبرنگار

نساجی فصل بسیار بدی را پشت‌سر گذاشت. عملکرد ضعیف باحمید مطهری که نقر بود تیمی قدرتمند از نساجی بسازد، روزگار قائمشهری‌ها راتیره کرده بود. در نهایت میراث بد مطهری به هرناندز رسید اما او هم با تفکراتی خام از این تیم شمالی به ایران آمد و هم کارنامه خود را خنده‌دار کرد و هم نساجی را به اعساق ناکامی هافرورد. با این حال برخی هواداران این تیم، مدیرعامل وقت را نیز از دلایل ناکامی‌های تیم‌شان می‌دانستند. در نتیجه رضا حدادیان، مالک متمول این تیم یک خانه‌تکانی اساسی در تیم نساجی انجام داد و مدیر و مربی و مدیرعامل همه را با هم تغییر داد.

ایسن تغییر ابتدا با روی کار آمدن صادق درودگر و در ادامه به انتخاب مهدی رحمتی به‌عنوان سرمربی ختم شد. رحمتی که البته مذاکرات طولانی را با نساجی برای تصدی این پست انجام داد و با وجود چند پیشنهاد دیگر، ترجیح داد شانس آسیایی خود را پس از عمر کوتاه مربیگری در قائمشهر امتحان کند. از این رو هدایت این تیم را به‌واسطه اینکه در آسیا حضور دارد، پذیرفت به این شرط که در بازیگری هانه تنها دستش باز بوده و سلیقه خود بازیکن بگیرد، بلکه بودجه لازم را برای بستن تیمی در حد آسیا در اختیارش قرار دهند. هر آنچه رحمتی خواست فراهم شد اما عملکرد او همین ابتدا کمی عجیب است.

رنگ پیراهن نساجی را سبز کنید

مهدی رحمتی به تغییرات زیاد به‌شدت علاقه دارد. این مربی وقتی به آلومینیوم آمد هم به شدت ریخت و پاش کرد و با وجود

بعد از نوازی یک نفر دیگر هم از کادر رحمتی جدا می‌شود

به موفقیت پروژه نساجی امید هست؟

زمنه‌های مذاکره علی شجاعی با مس و گل گهر هم شنیده می‌شود ولی این دوبازیکن نیز هنوز به‌طور قطعی منتقل نشده‌اند. در کل این انتقال بازیکن از آلومینیوم به نساجی سوژه رسانه‌ها شده تا جایی که برخی به رحمتی پیشنهاد دادند با توجه به اینکه کلکسیونی از بازیکنان آلومینیوم در نساجی راه انداخته‌بگ پیراهن این تیم را هم از قرمز به سبزه تغییر دهد! در واقع سوال اصلی اما از رحمتی این است که او با این نفرات در آلومینیوم چه کار خاصی انجام داد که حالا می‌خواهد با انتقال آنها به نساجی انجام دهد. رحمتی در آلومینیوم با ۴۰ امتیاز هفتم شد و حالا شاید امیدوار است با تیمی که از قبل داشته در نساجی آسیایی، تحولی بزرگ ایجاد کند.

تغییر در کادرفنی نساجی

مهدی رحمتی به‌جز محمد نوازی تیم مربیان خود را به باشگاه نساجی منتقل کرد. محمدنوازی که اتفاقاً از نزدیکان رحمتی بود به دلیل پیشنهادی که از استقلال دریافت کرد از این جمع جدا شد. حال با گذشت چند هفته از همکاری کادرفنی رحمتی با تیم نساجی صحبت از تغییر دیگری در جمع این مربیان است. اخیراً شنیدیم وحید فاضلی که پیش‌تر نیز سابقه هدایت تیم نساجی به‌همراه محمود فکری را داشت و مدتی نیز به‌عنوان سرمربی در این تیم کار کرد، قصد جدایی دارد. گویا این مربی بعد از جدایی رسول خطیبی از جمع مسی‌های کرمان از سوی این باشگاه دعوت به همکاری شده و آنها قصد دارند فاضلی

پرتغالی به کادرفنی تیم فوتبال نساجی مازندران اضافه‌ودستیار مهدی رحمتی شد. پیننال که قراردادش یک‌ساله است سابقه حضور در تیم‌های ژیل ویسنسته، تیم دوم آمریکا و تیم بلنسنس پرتغال را دارد و این مربی فصل گذشته در تیم فوتبال ملوان انزلی فعالیت می‌کرد و قرار است جایگزین نوازی در کادرفنی رحمتی شود.

ورژن آسیایی نساجی در تهران

در شرایطی که تیم نساجی در مدیریت قبل با همکاری محمدرضا ساکت، ورزشگاه نقش جهان را به‌عنوان محل میزبانی خود در رقابت‌های آسیایی اعلام کرده بود، مدیران جدید قصد دارند این شرایط را تغییر دهند. با همکاری صادق درودگر و رضا حدادیان راینی‌هایی انجام شد تا ورزشگاه آزادی میزبان نساجی و رقبای آسیایی‌اش باشد. البته آنها در ابتدا ورزشگاه شهید وطنی را به‌عنوان اولویت میزبانی خود اعلام کرده بودند، اما وضعیت نامناسب ورزشگاه شهید وطنی قاتمشهر و امکانات این شهر برای میزبانی از لیگ قهرمانان آسیا، باعث شد نتوانند تایید کنند راسیون فوتبال آسیا را بگیرند.

از این رو قرار بود مسابقات میزبانی خود در مرحله گروهی این رقابت‌ها و در استادیوم نقش جهان اصفهان برگزار کنند که حالا این برنامه تغییر کرده است.

گویا تماشاگران درخواست داشتند تا ورزشگاه نزدیک‌تری برای مسابقات لیگ قهرمانان آسیا معرفی شود تا هواداران و مردم استان مازندران پیوسته. کاسر بعد از حضور در استقلال و همکاری با آندره آسترماچونی، فصل گذشته نیز در تیم تراکتور حضور داشت که حالا تصمیم گرفت راهی نساجی مازندران شود و سومین فعالیت خود در یک تیم ایرانی را تجربه کند. از سوی دیگر خبر می‌رسد وریکو آندره اولیویرا پیننال، مربی

آگهی مزایده حضوری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهلران در نظر دارد یک باب ساختمان ۴ طبقه به متراژ عرصه ۴۹/۱۹۸ متر مربع و اعیان ۸۱۲ متر مربع واقع در دهلران میدان دادگستری به فروش برساند. لذا تمامی اشخاصی که تمایل شرکت در این مزایده دارند طرف مدت ده روز حضور خود را در این مزایده از طریق شماره تلفن ۰۹۱۸۸۴۳۲۳۶۱ و ۰۹۱۸۸۴۳۲۳۶۱ اطلاع دهند و به منظور کسب اطلاعات بیشتر به اداره عمران دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام و دهلران مراجعه فرمایند.

اداره روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهلران (ایلام)

نوبت دوم آگهی مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای

۳- آخرین مهلت بازگذاری پیشنهادها: تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۴ می‌باشد.

۴- زمان باز گشایی پاکت‌ها: پیشنهادات واصله راس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۶ در کمیسیون مناقصات واقع در دفتر مدیریت بیمارستان باز و قرانت خواهد شد.

۵- صرفا اسناد پاکت‌های پیشنهاد (ب، ج) دارای امضای الکترونیکی مورد پذیرش است. در جلسه بازگشایی پاکت‌های (ب) و (ج)، اسناد فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهر گرم) به هیچ وجه مورد پذیرش نخواهد بود.

۶- میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی- واریز وجه نقد- گواهی تادیه مطالبات قطعی تاییدشده قراردادها

۷- شماره حساب سپرده ۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶ و شماره شبای (IR۷۲۰۱۰۰۰۴۰۰۱۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶) نزد بانک مرکزی به نام مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری جهت واریز وجه نقد.

۸- شماره فراخون در سامانه ستاد ایران ۰۲۰۲۰۵۸۶۰۰۰۰۰۲ می‌باشد.

۹- هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری در نظر دارد تهیه و تامین اقلام مواد غذایی مورد نیاز و طبخ غذای بیماران، همراهان و کارکنان را به اشخاص حقوقی واجد شرایط از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir واگذار نماید.

۱- موضوع مناقصه: تهیه و تامین اقلام مواد غذایی مورد نیاز و طبخ غذای بیماران، همراهان و کارکنان بر اساس شرایط مندرج در اسناد مناقصه

۲- زمان دریافت اسناد مناقصه: از ساعت: ۸ صبح روزشنبه مورخ ۱۴۰۲/۴/۱۰ لغایت تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۴/۱۴

محسن یزدی، رئیس موفق شبکه مستند تلویزیون در آستانه عزل است

داستان تراژیک مستند

موضوع مستند بودند. در حوزه گردشگری و معرفی آداب و رسوم مردم سرزمین ایران هم مجموعه «مسافر آذران» به نمایش درآمد. قاب شبکه مستند به نقاط مختلف ایران باز بود و آثار متنوع با پرداخت به اقوام ایرانی از این شبکه پخش شد. در موضوع حیات وحش هم «عملیات پلنگ»، «حیات وحش ایرانی» و «انقراض» از این شبکه پخش شدند.

شبکه مستند در موضوعات ورزشی هم مخاطبانش را فراموش نکرده بود و برای آنها مستندهای «روی خاک»، «داستان فوتبال» و «فوتبال ایرانی» را پخش کرده است. البته اسامی ای که نام بردیم مستندات شاخص هر موضوع براساس گفته‌های قائم مقام شبکه است و به‌طور طبیعی تعداد مستندهای پخش شده بیشتر از اسامی نام برده است.

یزدی در گفت‌وگویی که با «فرهنگستان» داشت، تاکید داشت یکی از اهدافی که در دوره مدیریتش داشته و آن را به سرانجام رسانده توجه به مستندات آرشیوی است. بنابر گفت‌وگویی که با مستندسازان داشتیم، یکی از بزرگ‌ترین مسائل آنها عدم دسترسی به آرشیو است که به گفته یزدی با نامه‌نگاری‌هایی که او با مرکز آرشیو داشته، موفق شده در همان سال اول مدیریتش به مستندات آرشیوی جان ببخشد. این را که چقدر در این هدف موفق عمل کرده است باید مستندسازان توضیح دهند.

اقدام دیگری که در زمان مدیریت یزدی اتفاق افتاد، ایجاد تغییر در کنداکتور بود. او باکس‌های تکراری مستندات شاخص را در باکس اصلی قرار داد. در دوره مدیریت سیدسلیم غفوری تکرار مستندها معمولاً ۱۲ شب به بعد بود و تا قبل ۴ بعد از ظهر پخش می‌شد، اما در دوره مدیریت او این رویکرد تغییر کرد. بسا نگاهی به عملکرد مدیریت یزدی، این موضوع مشهود است که او به صحبت‌هایش در روز معارفه توجه داشته و سیاست‌های مدیریتش را براساس پایه‌گذاری کرده که با توجه به محتوا و تنوع موضوعی مستند، مخاطبان وفاداری را برای این شبکه جذب کند.

باشد و بیننده مایل باشد کار را ببیند یا خیر. اگر مدعی هستیم که حرف‌های مناسبی داریم باید همه مردم مخاطب آن باشند.»

محسن یزدی مدام بر توجه به سلیق مختلف و پخش و تولید مستند برای طیف وسیعی از مردم تاکید دارد. در دوره مدیریت او مستندات مختلفی در موضوعات سیاسی، اجتماعی، ورزشی، فرهنگی، خانوادگی، تاریخی، مذهبی، گردشگری و حیات وحش پخش شدند که تا حدودی گساره این رویکردند. در بیس این موضوعات، مستندات حیات وحش با آمار ۳۸ درصدی، جزء پرمخاطب‌ترین‌ها بود.

از جذاب‌ترین و البته جنجالی‌ترین مستندهای جهان، آثاری با موضوع سیاسی است. مستندهایی همچون «سلاح ایرانی»، «این یک اعتراض است»، «ستاره‌دار» و «خبریه اشرف» از جمله مستندات سیاسی بودند که از این شبکه پخش شدند. براساس آماری که از سوی روابط عمومی شبکه اعلام شده، ۲۰۰ قسمت مستند در رابطه با تاریخ معاصر پخش کرده که نمونه آن «اهالی تاریخ» و «قبل انقلاب» است. «مثبت نگاتیو» هم از جمله مستنداتی بود که در حوزه دفاع مقدس تولید و در شبکه مستند پخش شد.

پرداخت شبکه مستند به موضوعات جنجالی فقط محدود به روایت‌های تاریخی نیست و در نگاه به اتفاقات امروز هم امکان حضور مستندسازان اجتماعی فراهم بود. در چندماه گذشته از شبکه مستند، مجموعه آثاری در موضوع اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ با نام‌های «گزارش کلانبرگ» و «ساختمان مورد نظر» پخش شدند که هرکدام در فضای رسانه بازخوردهای متفاوتی داشت.

در حوزه خانواده مجموعه‌ای به اسم «شاید دوباره» از این شبکه پخش شد که به موضوع طلاق پرداخته بود. «خانه‌های نورانی» از جمله آثار مستند مذهبی است که از این شبکه پخش شد. از مجموع آثار پخش شده، مسائل فرهنگی هم مورد توجه مدیران قرار داشت و نمونه آن مستندی به نام «چهره‌نگار» است که در آن چهره‌های شاخص فرهنگی ایران مثل ایرج افشار، مجید انظمی و...

قاب آن به نقاط مختلف ایران و مسائل مختلف جامعه امروز ایران سرک کشید. در گزارش پیش‌رو به مجموعه‌ای از اهداف و رویکردهای شبکه مستند در دوره مدیریت سه‌ساله محسن یزدی پرداختیم.

رتبه پنجم شبکه‌ها

محسن یزدی سال ۱۳۹۹ با حکم مرتضی میرباقری مدیر وقت سیما، به عنوان مدیر شبکه مستند منصوب شد. در حکم معاون سیما بر تولید مستندهای فاخر با موضوع تاریخ بزرگ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و حرکت‌های حماسی مردم در برهه‌های مختلف انقلاب و استفاده از ظرفیت همه مستندسازان دلسوز که دغدغه اعتدالی ایران اسلامی و مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن را دارند، تاکید شده بود. در آن زمان معرفی مزیت‌های اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و توجه به سبک زندگی اسلامی ایرانی، دیگر انتظارات از مدیر جدید شبکه مستند بود. بنابر ادعای مدیران وقت، شبکه مستند در سال ۱۴۰۰، در رتبه پنجم از لحاظ مخاطبان تلویزیون قرار داشت و براساس آماری که روابط عمومی این شبکه در اختیارمان گذاشته است، همچنان این شبکه از لحاظ تعداد مخاطب در رتبه پنجم شبکه‌های سیما و قبل از آن به ترتیب شبکه‌های سه، آی فیلم، یک و دو قرار دارند.»

یزدی در مراسم معارفه خود درباره رویکردی که قرار است در دوره مدیریتش داشته باشد، گفته بود: «مستند امروز شبکه آبروداری است و همه درباره آن صحبت می‌کنند، از این جهت تحویل گرفتن این شبکه و قوی تر کردن آن کار سختی است. معتمد شبکه تلویزیونی متعلق به همه مردم است و همه باید بتوانند تماشاگر آن باشند. الگویی که شبکه مستند امروز دارد برای من هم ادامه خواهد داشت. گاهی این بحث مطرح می‌شود که قصد داریم برای قشر خاصی فیلم بسازیم، اما من این بحث را از اساس غلط می‌دانم. ما طبعاً یک فرم و یک محتوا داریم و این فرم است که تعیین می‌کند مخاطب چقدر گسترده

محسن یزدی از شبکه مستند مأموریت‌های اصلی را که برای خودش تعریف کرده بود، به سرانجام برساند. او از جمله مدیران فرهنگی است که علی‌رغم حفظ قواعد و اصول محتوایی قابل به حفظ تعامل و ارتباط با مستندسازان بود. در گفت‌وگویی که تیرماه ۱۴۰۰ با او داشتیم به این نکته تاکید داشت که گستردگی چتر مستندسازی، بایسته‌هایی را برای مدیر شبکه مستند در ارتباط با طیف‌های متنوع ایجاد می‌کند و گفت:

«نمی‌توانید مستندسازی را از هر طیف فکری - غیر از استثناها - نام ببرید که با شبکه مستند کار نکند. الان هم مستندسازان کار می‌کنند یا ارتباط دارند یا کار کرده‌اند و تمام شده یا می‌خواهند کار کنند.» این را که اندازه این رواداری برای حضور جریان مستندسازی در شبکه مستند چقدر بوده باید کارشناسان حرفه‌ای این حوزه قضاوت کنند اما بخش مهم‌تر آن به دیدگاه‌های یزدی در پذیرش و گزینش آثار مستند بازمی‌گردد. او می‌گفت که قائل به اصولی است که اگر بهترین مستند جهان را بیاورند و محتوای بدی داشته باشد، از شبکه مستند پخش نمی‌کند یا اگر بهترین محتوا را بیاورند و فرم بدی داشته باشد، پخش نخواهد کرد. او در این زمینه گفته بود: «حاضریم کار تکراری پخش کنیم ولی کار بد را پخش نکنیم. برخی محصولات خود شبکه را نیز پخش نمی‌کنیم. به هر دلیلی اگر محصول بد باشد پخش نمی‌کنیم. البته ما وسواس زیادی به خرج می‌دهیم. با وسواس هزینه می‌کنیم و گاهی ممکن است کار بد درآید و پخش هم نمی‌کنیم.»

اگر مجموعه آثاری که در سال‌های اخیر از شبکه مستند پخش شده نگاه کنیم به نظر می‌رسد که توانسته بود همین اصول و قواعد را حفظ کند. شبکه مستند با احترام به عموم مخاطبان واجد یک تنوع بصری و محتوایی بود و می‌شد از

نگاهی به چند مستند شاخص پخش شده از شبکه مستند



زمانی وارد ایران شده و چه زمانی این صنعت بومی سازی شده است. یعنی روایت آن به گونه‌ای است که برای مخاطب عام جذاب، دیدنی و شنیدنی باشد. ما از تاریخچه تسلیحات آغاز کردیم و به تاکتیک استفاده از تسلیحات و بعد به بومی شدن آن رسیدیم. یعنی دیتاها را خیلی شفاف و روایی گونه به مخاطب ارائه کردیم. اصلا تفاوت روایت و پروپاگاندا در همین مساله است.»

سلاح ایرانی

مستند «سلاح ایرانی» به بررسی توانمندی‌های نظامی و دفاعی نیروهای مسلح ایران می‌پردازد و در پنج قسمت تهیه و تولید شده است. در این مجموعه به توانمندی‌های شناوری ارتش و سپاه، توانمندی‌های موشکی - دریایی ارتش و سپاه، پدافند هوایی و توانمندی موشک‌های بالستیک اشاره شده است. داوود مرادیان، تهیه‌کننده این مستند درمورد این برنامه می‌گوید: «حدود یک‌سال و نیم زمان صرف تحقیق و پژوهش این مجموعه شد. علتش این است که تا به حال مستند علمی - نظامی تولید نشده بود. یعنی هر آنچه تولید شده و تولید می‌شود، پروپاگانداست. یعنی مخاطب به‌عنوان مثال فقط با یک موشک روبه‌رو می‌شود. درباره اهمیت و ساخت آن چیزی نمی‌داند. چنین آثاری هیچ اطلاعاتی به مخاطب نمی‌دهد، چون اطلاعاتی ندارد که منتقل کند اما این مجموعه می‌خواهد خیلی داستانی و علمی به مخاطب بگوید که مثلاً موشک ضد کشتی و تاریخچه آن چیست و چه



را از نزدیک تماشا کند.» اصولاً مستندهایی که موضوعشان گردش و سفر است، در تمام دنیا جزء محبوب‌ترین محصولات فرهنگی به حساب می‌آیند و اقبال مختلفی از مخاطبان را جذب می‌کنند. در این نوع مستندها معمولاً یک راوی با مخاطبان به‌طور مستقیم گفتگو می‌کند و ویژگی‌های هر منطقه را توضیح می‌دهد. با توجه به تنوع جاذبه‌های گردشگری ایران، ساخت چنین مستندهایی در ایران می‌تواند جذابیت فراوانی داشته باشد.

مسافر آذران

این مجموعه در سری قبلی با نام «اهل سفر» ساخته می‌شد و در سری جدید، «مسافر آذران» را به عنوان نام جدید برای این مستند انتخاب کردند. این مجموعه به جاذبه‌های تاریخی، گردشگری، مردم‌شناسی، آداب و سنن اهالی منطقه و منابع طبیعی و محیط زیست آذربایجان شرقی پرداخته است. روحی‌منش، تهیه‌کننده این مستند در مورد این مجموعه می‌گوید: «پیش تولید این مجموعه چهار ماه طول کشید، پروژه تولید دوبار، اول به دلیل کسالت و بار دوم به دلیل از اسب افتادن راوی مجموعه جناب آقای خلیلی متوقف شد و کار پس از بهبودی ایشان از سر گرفته شد، خوشبختانه مجموعه حالا آماده پخش شده و در نوروز زیبایی استان آذربایجان شرقی را پیش‌روی مخاطب می‌گشاید. ایران سرشار از جاذبه‌هایی است که حتی ایرانیان هم کمتر از آن مطلع هستند، هدف من از آغاز، اول معرفی همین زیبایی‌ها و جاذبه‌ها به مردم کشورمان و سپس در سطح بین‌الملل بود. این مستند، فرصتی را برای بیننده فراهم می‌کند تا جاذبه‌های استان آذربایجان شرقی

چارسو

راوی «شب بخیر کوچولو» و تنهایی خودخواسته‌اش

مریم نشیبیا، گوینده پیشکسوت رادیو که سال‌هاست اجرای برنامه رادیویی شب بخیر کوچولو را برعهده دارد، در گفت‌وگویی با ایستنا به بهانه سالروز این برنامه قدیمی از اولین همکاری‌اش با رادیو، دغدغه‌هایش و علاقه‌اش به کودکان گفت. او می‌گوید: «شب بخیر کوچولو از نیم تیرماه سال ۶۹ که زلزله‌ای در شمال آمد بود، شروع شد.» این گوینده پیشکسوت سپس در واکنش به این جمله که آیا مریم نشیبیا برای همه شناخته شده است، عنوان می‌کند: «این مایه افتخار است که هر جا سوار تاکسی می‌شوم تا می‌گویم آقا تا میدان ایکس می‌روید من را می‌شناسند. خیلی‌ها تعجب می‌کنند چون همه تعبيرشان بر این است که من احتمالاً باید ۴۵،۴۰ سال داشته باشم.» او در پاسخ به اینکه درحال حاضر برنامه دیگری به جز شب بخیر کوچولو در رادیو برای تلویزیون چه برنامه دیگری دارد، گفت: «فقط شب بخیر کوچولو را دارم. در تلویزیون هیچ برنامه‌ای ندارم. الان دوسالی است که اصلاً پا به دوبلاژ نگذاشته‌ام. عزیزانی که قدیمی بودند ما با آنها کار می‌کردیم - غلامعلی افشاریه که به شمال کوچ کردند، دیگر فعالیتت ندارند. بیشتر دوست دارم در لاک خودم باشم و از لاک خودم بیرون نیایم.» مریم نشیبیا یا مریم نشیبیا، متولد ۱۳۲۵ در تهران، آموزگار و گوینده رادیو و تلویزیون ایرانی است. او لیسانس جغرافیای اقتصادی دارد و از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۷۴ دبیر جغرافیا در دبیرستان بود. هم‌زمان او کار گویندگی در رادیو و تلویزیون را از ابتدای سال ۱۳۵۷ آغاز کرد و صرف‌نظر از یک وقفه پنج‌ساله، تاکنون ادامه داده است.



کنسرت‌های ارزان برای همه

محمد معتمدی در جدیدترین قسمت «آوای جادویی» فیلم‌نت گفت: «سال‌ها پیش طرحی داشتم به نام «هنر برای همه» که هنرمندان برای خوب شدن حال مردم و جامعه، بیایند اجرا بگذارند. اجراهایی که بلیت‌هایش برای تمام اقشار جامعه قابل تهیه باشد. خودم هم به‌عنوان اولین نفر این کار را کردم. من این آمادگی را دارم که تمام بچه‌هایی که در این برنامه بوده‌اند را جمع کنم و ضمن تولید اثر، آنها را به صحنه ببریم. این می‌تواند سرباز فرهنگی و هنری این هنرجویان باشد که صداهای خوبی دارند.»

بعد از این پیشنهاد، امیرحسین سمیعی، معاون هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در صفحه شخصی خود نوشت: «تمامی ظرفیت‌های هنری مناطق بیست‌ودوگانه سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران اعم از تخصصی فرهنگی مانند پردیس تئاتر تهران را در خدمت این حرکت شایسته و خودجوش و ارزشمند قرار خواهیم داد. جناب آقای محمد معتمدی، بسم الله...»

در ادامه واکنش‌ها به پیشنهاد طلایی محمد معتمدی، امین اشرفی مسئول پردیس تئاتر تهران هم به این صحبت‌ها واکنش نشان داد و در صفحه شخصی‌اش نوشت: «با هماهنگی امیرحسین خان سمیعی، پردیس تئاتر تهران آمادگی کامل برای میزبانی از شما و اجرای برنامه‌هایتان را دارد. یا علی» معتمدی در سال ۱۳۹۸ با حمایت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران کنسرتی در پردیس تئاتر تهران برگزار کرد که قیمت بلیت‌هایش فقط ۲۵ هزار تومان بود.

عملیات پلنگ



شود، اما بعدا به پارک ملی تندوره در خراسان رضوی منتقل شد. مهم‌ترین تفاوت این مستند با تجربه‌های قبلی ما سخت‌تر بودن فرآیند تولید بود. دوربین‌های ما لحظه‌به‌لحظه باید روشن می‌بود تا بتوانیم همراه با تیم زنده‌گیری همراه شویم. باید آنتن‌ها را هر دو ساعت به دو ساعت چک می‌کردیم و در نتیجه خواب‌مان کمتر بود. جالب است بدانید از هر ۵۰ باری که صدای تله درمی‌آمد، تنها یکبار پلنگ به دام می‌افتاد. دلیل این موضوع این است که پلنگ به راحتی سراغ طعمه نمی‌آید؛ چراکه خودش آن را شکار نکرده است و طعمه را از آن خود نمی‌داند. علاوه بر این اشاره کردم که هست در این تجربه، یک یوزپلنگ که زنده‌گیری شده بود، تلف شد. برای اولین بار بود که کاری با این وسعت در ایران انجام می‌شد و بنده همراه با فتح‌الله امیری تصمیم گرفتیم همراه با تیم دکتر فرهادی‌نیا، از مراحل مختلف این اتفاق مستند بسازیم که خروجی آن فیلم مجموعه عملیات پلنگ شد. این پروژه برآمده از رساله دکتری آقای فرهادی‌نیا بود که البته در ابتدا قرار بود در گلستان انجام

مجموعه مستند «عملیات پلنگ» به کارگردانی نیما عسگری و تهیه‌کنندگی فتح‌الله امیری تصاویری بکر از زنده‌گیری پلنگ ایرانی را به نمایش می‌گذارد. عملیاتی که برای اولین بار در ایران انجام شد و هدف اصلی آن شناخت رفتارهای پلنگ در قلمرو زندگی اوست. در این مجموعه شیوه‌های زنده‌گیری و تله‌گذاری برای پلنگ برای اولین بار مستندسازی شده و به‌نمایش درآمده است. این مستند جزء مستندهای پرطرفدار و مهم شبکه مستند بوده است. نیما عسگری، کارگردان این مستند درباره ساخت این مستند می‌گوید: «در مورد زنده‌گیری پلنگ ایرانی یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه حیات وحش و حفاظت از محیط‌زیست است. این اتفاق به افراد فعال در این عرصه کمک می‌کند تا بتوانند تحقیق و پژوهش دقیق‌تری درباره رفتار و اکولوژی پلنگ‌ها داشته باشند و شناخت‌شان نسبت به این حیوان بیشتر شود. در ایران اگرچه روی موضوع زنده‌گیری یوزپلنگ و پلنگ کارهایی در گذشته انجام شده، اما تجربه محدودی بوده که حتی می‌توان گفت به‌نوعی با شکست نیز مواجه شده است. خاطرم هست در این تجربه، یک یوزپلنگ که زنده‌گیری شده بود، تلف شد. برای اولین بار بود که کاری با این وسعت در ایران انجام می‌شد و بنده همراه با فتح‌الله امیری تصمیم گرفتیم همراه با تیم دکتر فرهادی‌نیا، از مراحل مختلف این اتفاق مستند بسازیم که خروجی آن فیلم مجموعه عملیات پلنگ شد. این پروژه برآمده از رساله دکتری آقای فرهادی‌نیا بود که البته در ابتدا قرار بود در گلستان انجام

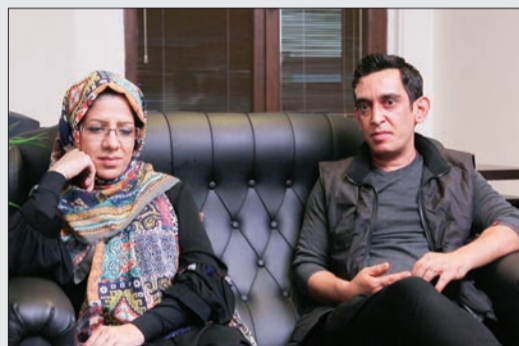
خانه‌های نورانی



بخش‌های جذاب این مستند بود. در بخش‌هایی از خانه‌های نورانی، خاطراتی از حضور جمشید مشایخی، بازیگر فقید کشورمان، روایت شد، که از حضور در هیات‌ها می‌گفت. همچنین در این مستند ویدئویی از حضور ناصر ملک‌مطیعی و تصاویری از او پخش شد. در این مستند در توضیحاتی از سوی طالقانی و محمودی بر وجهه پهلوئی و ورزشکاری شخصیت ناصر ملک‌مطیعی تأکید شد؛ اینکه در واقعیت هیچ‌گاه نماز ترک نمی‌شد، بسیار بنیامین و دوستدار امام حسین (ع) بود و بیش از هر بازیگر دیگری در آن زمان، مقابل دوربین نماز خواند و الگوسازی کرد.

مستند «خانه‌های نورانی» به روزه‌های خانگی با قدمت و سابقه طولانی می‌پردازد که توسط پیرغلامان اداره می‌شود. این مستند با محوریت تبلیغ و ترویج روزه‌داری‌های سنتی ایران، مدتی است که در مناسبت‌ها از شبکه مستند سیما پخش می‌شود. این مستند در روزهای گذشته با تمرکز بر اهمیت الگوسازی توسط چهره‌ها، تصاویر و خاطراتی از حضور بازیگران از جمله ناصر ملک‌مطیعی در هیات‌های مذهبی را روی آنتن برد. این مستند با توجه به سوزهای که برای آن انتخاب شده است، توانست مخاطبان زیادی داشته باشد، تأکید مستند بر وجه عاشقانه و معنوی اماکن است نه صرفاً تاریخچه بناها. در این منازل معمولاً پیرغلامانی نورانی و باصفا مشغول به خدمت هستند و گفت‌وگو با این شخصیت‌ها همراه با ذکر خاطرات و استفاده از تصاویر آرشیوی جذابیت مستند را بیشتر کرده است. در یکی از این قسمت‌ها، به یکی از پیرغلامان سرشناس پایتخت (محمد محمودی) و خاطرات او پرداخته شد. همچنین گفت‌وگو با محمدرضا طالقانی و علی پروین از قدیمی‌های ورزش‌های کشتی و فوتبال از

شاید دوباره



وی افزود: «بزرگ‌ترین چالش ما این بود که چه کسی حاضر می‌شود جلوی دوربین بیاید و بی‌پرده درباره مشکلات زندگی شخصی خود صحبت کند؟ خیلی شجاعت می‌خواهد که یک مرد یا زن بیاید و به مشکلات زندگی مشترک خود اعتراف کند. بنابراین کار گروه مستندسازی برای راضی کردن زوج‌ها که جلوی دوربین بیایند و درباره مشکلات‌شان صحبت کنند، بسیار سخت و پیچیده بود. برای مثال ورود دوربین به جلسه مشاوره که جلسه‌ای بسیار خصوصی است، کاری نشدنی به‌نظر می‌رسید اما خوشبختانه با تعامل دوطرفه، موفق به این کار شدیم.»

مستند «شاید دوباره» در هر دو قسمت مشکلات زندگی یک زوج را بازگو می‌کرد و تلاش می‌شد با کمک مشاوران خانواده مهارت‌های فردی و همسرداری را تقویت کند. محمدرضا کریمی‌راد تهیه‌کننده مجموعه مستند شاید دوباره با اشاره به ایده ساخت این مجموعه مستند می‌گوید: «ایده ساخت این مستند برای اولین بار در شبکه مستند مطرح و از من درخواست شد با توجه به آمارهای روزافزون طلاق، مستندی در این زمینه بسازم. با گفت‌وگوهایی که با مشاوران خانواده داشتیم به این نتیجه رسیدیم که اگر بخواهیم در مورد معضل طلاق، وضعیت فعلی آن، آمارها... مستند بسازیم، کمکی به حل مسأله نمی‌کند و اثرگذاری زیادی بر کاهش آمار طلاق در کشور نخواهد داشت. احساس کردیم که لازم است یک گام عقب‌تر بایسیم و سراغ زوج‌هایی برویم که دچار بحران شده و در آستانه طلاق هستند، اما همچنان امید به ادامه زندگی مشترک‌شان دارند. در حقیقت سراغ کسانی برویم که دنبال راه‌حل قابل اعتماد هستند. وقتی وارد کار شدیم، چالش‌های زیادی پیش‌روی ما قرار داشت که حل کردن آنها زمان‌بر بود.»

نگاهی به چند مستند خارجی مشهور

در جنگل Rumble in the Jungle را روایت کند که بین دو بوکسور افسانه‌ای سیاه‌پوست، محمدعلی و جورج فورمن، در دل آفریقا برگزار شد. اکثر افرادی که پیگیر مسابقه بودند، حتی دوستان خود محمدعلی کلی فکر می‌کردند که او بازنده خواهد بود یا حتی احتمالا می‌میرد. فورمن هیکل خیلی درشت‌تری نسبت به محمدعلی داشت. در همین مستند می‌بینیم که لحظاتی قبل از رفتن محمدعلی به رینگ مسابقه، رختکن او مثل عزاخانه شده و این خودش است که به همراهانش دلگرمی می‌دهد.

معضل اجتماعی ۲۰۲۰ جف اورلوفسکی یک مستندساز آمریکایی است که پیش از این، در دوران دانشجویی‌اش که مصادف با حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی بود، به‌عنوان روزنامه‌نگار در نشریه دانشجویی «تماشاگر» فعالیت‌هایی کرده بود و آن فعالیت‌ها کم‌وبیش به چشم آمدند. مستند «معضل اجتماعی» یکی از آن مستندهایی است که اورلوفسکی ساخته و بسیار پر مخاطب بوده. محور اصلی مستند شبکه‌های اجتماعی است که این سال‌ها برای سودآوری بیشتر، به اعتیاد کاربران دامن می‌زنند. این مستند فیلم در تلاش برای ارتباط بیشتر با مخاطب، از بازیگر و روایتی داستانی هم بهره گرفته. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان در اینجا از دست اندرکاران گوگل، فیسبوک، توئیتر و غیره بوده‌اند. آنها معتقدند شرکت‌هایشان اساساً برای خیر رساندن به بشریت پایه‌ریزی شده‌اند، ولی به محض آنکه دنیای بی‌در و پیکر اینترنت با پول و سرمایه سروراکر پیدا کرد، رفته‌رفته به نگاه‌های بزرگ کسب درآمدی نجومی تبدیل شد و بعد در چشم به‌هم‌زدنی، به محملی برای پیدا کردن راه و روش‌های پنهان، برای جذب سرمایه‌های مردم تبدیل شد.

فازنه‌های ۹/۱۱ ۲۰۰۴ «فازنه‌های ۹/۱۱»، فیلم مستند مشهور ساخته فیلمساز آمریکایی مایکل مور که نگاهی نقادانه به عملکرد جرج دبلیو بوش، جنگ با تروریسم و پوشش‌های خبری رسانه‌ها در آمریکا ارائه می‌کند. این فیلم رکورددار بیشترین فروش در بین فیلم‌های سیاسی از این دست است. این مستند، نخستین مستندی است که با کسب ۱۰۰ میلیون دلار در گیشه جهان، رکورد جدیدی را به نام خود ثبت کرد. نکته جالب در این مستند این است که مایکل مور در فازنه‌های ۹/۱۱ هنگام به تصویر کشیدن جرج بوش در کلاس ابتدایی به این اشاره می‌کند که او ۷ دقیقه پس از خبردار شدن از حمله در صبح ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ همچنان به خواندن کتاب کودکان ادامه می‌دهد. مایکل مور در این فیلم به پشت‌پرده سیاست‌های بوش و ارتباط بین دو خانواده بوش و بن لادن و به دلایل جنگ افغانستان و روابط پنهانی پدر بوش و خود بوش با پادشاه عربستان می‌پردازد. به جایگاه سفارت عربستان در آمریکا و بسیاری نکات دیگر که مطمئناً با دیدن این فیلم برای شما آشکار خواهد شد!

محبوبیت مستند در کشور ما هرچند بیشتر به دلیل مستندهای حیات‌وحش است اما این ذائقه در سال‌های اخیر تغییر کرده است و مستندهای سیاسی، ورزشی، اجتماعی، تاریخی... هم بسیار دیده می‌شوند. اما این محبوبیت مستند تنها به کشور ما ختم نمی‌شود و در همه جهان مخاطبان خودش را دارد و مهم‌ترین کارکردش هم آگاهی‌بخشی است. سینمای مستند طیف وسیعی از گونه‌های سینمایی را در برمی‌گیرد که هرکدام کارکرد ویژه خود را دارد و فیلمساز بنا بر دغدغه خود برای موضوع، تولید محتوا می‌کند. این آثار موضوعیتی دارند که در بعضی موارد می‌توانند از فیلم‌های سینمایی هم تأثیر بیشتری بگذارند. در ادامه نمونه‌هایی از مستندات جهانی تأثیرگذار را معرفی کردیم.

نانوک شمالی ۱۹۲۲ «نانوک شمالی» یک فیلم مستند درباره سرگذشت یک اسکیمو به نام نانوک است که به مبارزه با سرما، باد و دشت‌های پوشیده از یخ برخاسته است. این فیلم به کارگردانی رابرت فلاهرتی در سال ۱۹۲۲ ساخته شد و از مهم‌ترین آثار کلاسیک تاریخ سینما به حساب می‌آید. فلاهرتی در این فیلم زندگی اسکیموهای کانادایی را به تصویر درآورده و این شیوه زیستن در وجود فردی مشخص به نام نانوک نمادین شده است. یک زندگی بسیار سخت که در مبارزه مدام برای بقا می‌گذرد. در دیگر فیلم‌های فلاهرتی رجعاتی به برخی صحنه‌های این فیلم هست و حالا که صدسال از ساخت آن می‌گذرد، فیلم‌های فراوان دیگری هم هستند که به آن ارجاع می‌دهند. مارس پنگوئن‌ها، محصول ۲۰۰۵ که تلاش حیوانات را برای بقا در قطب جنوب نشان می‌دهد، به نوعی قرینه این فیلم است.

مارس پنگوئن‌ها ۲۰۰۵ «مارس پنگوئن‌ها» یک مستند بلند حیات‌وحش، محصول فرانسه است که در سال ۲۰۰۵ به کارگردانی ونوسندگی لوک ژاکت تولید شد. این مستند سفر سالانه پنگوئن‌های امپراتور قطب جنوب را به تصویر می‌کشد. در پاییز، همه پنگوئن‌های در سن تولید مثل (پنج سال به بالا)، اقیانوس را ترک می‌کنند که زیستگاه عادی آنهاست تا به سمت سرزمین‌های پرورش‌نیاکان خود قدم بردارند. در آنجا پنگوئن‌ها در یک خواستگاری شرکت می‌کنند که در صورت موفقیت، منجر به تولد جوجه‌ها می‌شود. برای زنده ماندن جوجه، هر دو والد باید چندین سفر دشوار بین اقیانوس و محل تولید مثل در ماه‌های بعد انجام دهند. قبل از دیدن مستند، کسی فکر نمی‌کرد فصل جفت‌گیری عجیب و غریب پنگوئن‌ها می‌تواند باعث اشک ریختن شما شود. مستندی که کوشش خستگی‌ناپذیر برای بقا را نمایش می‌دهد.

وقتی پادشاه بودیم ۱۹۹۶ اگر می‌خواهید بدانید که نشستن در یک اتاق با محمدعلی کلی بزرگ چگونه بود، فیلم مسحورکننده و برنده اسکار «وقتی پادشاه بودیم» را تماشا کنید. این فیلم قرار است وقایع نبرد معروف به غرش

۹ یادداشت

امتیاز کم نظیر شبکه مستند

از سوی دیگر هر مخاطبی سراغ مستند نمی‌رود. مستند مقوله‌ای است که مخاطبان فرهیخته خود را دارد. مستند به‌ندرت مخاطب عامه دارد. داشتن مخاطب نخبه و خاص آرزوی هر رسانه‌ای است، حتی رسانه‌های عامه‌پسند. فقط باید تجربه کار در رسانه را داشته باشی تا درک کنی داشتن مخاطب فرهیخته چه لذتی دارد و از همه مهم‌تر اینکه چقدر راضی نگه داشتن دشوار است. تلاش برای راضی نگه داشتن مخاطبان شبکه مستند دشوارتر از تلاش برای مخاطبان تخصصی دیگر، مدت‌هاست که منابع خبری دیگری برای جلب رضایت و نظر مخاطبان بالقوه وجود دارد. مثلاً اخبار پزشکی دهه‌هاست که در رسانه‌های عمومی و تخصصی منتشر می‌شود اما در مورد مستند، چنین موضوعی نیست. اخبار مربوط به فیلم‌های مستند در رسانه‌های مربوط به سینما و تلویزیون هم کمتر منتشر می‌شوند. به این ترتیب شبکه مستند این فرصت را دارد که معتبرترین رسانه در زمینه موضوعی خود باشد. شبکه مستند نیازی به رقابت با شبکه‌های ماهواره‌ای ندارد. برخلاف شبکه‌های دیگر که خودشان را می‌کنند تا با ماهواره‌ها و برنامه‌های شبکه‌های فارسی‌زبان رقابت کنند، شبکه مستند در لیگی توپ می‌زند که مشابه زیادی ندارد. شبکه‌ای با محوریت برنامه‌های مستند و تلاش برای افزایش آگاهی مخاطبان.

کمتر رقیب دارد. شما مستند دوبله‌شده و با کیفیت را کمتر پیش می‌آید که بتوانید رایگان به دست بیاورید. طبیعتاً در اینترنت می‌شود مستند دانلود کرد اما نسخه رایگان و دوبله‌شده و بدون هزینه را کمتر می‌توان به دست آورد. بسیاری برای دیدن این مستندها ناچارند به شبکه نمایش خانگی روی بیاورند که برای آن هم باید اشتراک پرداخت کرد. از سوی دیگر دسترسی شبکه مستند برای جلب رضایت مخاطبان طبیعتاً بیشتر از رقباست. در مورد شبکه‌های تخصصی دیگر، مدت‌هاست که منابع خبری دیگری برای جلب رضایت و نظر مخاطبان بالقوه وجود دارد. مثلاً اخبار پزشکی دهه‌هاست که در رسانه‌های عمومی و تخصصی منتشر می‌شود اما در مورد مستند، چنین موضوعی نیست. اخبار مربوط به فیلم‌های مستند در رسانه‌های مربوط به سینما و تلویزیون هم کمتر منتشر می‌شوند. به این ترتیب شبکه مستند این فرصت را دارد که معتبرترین رسانه در زمینه موضوعی خود باشد. شبکه مستند نیازی به رقابت با شبکه‌های ماهواره‌ای ندارد. برخلاف شبکه‌های دیگر که خودشان را می‌کنند تا با ماهواره‌ها و برنامه‌های شبکه‌های فارسی‌زبان رقابت کنند، شبکه مستند در لیگی توپ می‌زند که مشابه زیادی ندارد. شبکه‌ای با محوریت برنامه‌های مستند و تلاش برای افزایش آگاهی مخاطبان.



هومن جعفری
خبرنگار

در مبحث شبکه‌های تخصصی و موضوع محور، باید به چند نکته بسیار مهم توجه کرد. برخلاف شبکه‌های عمومی، که وظیفه جذب حداکثری مخاطب را دارند، شبکه‌های تخصصی مخاطبان و کارکرد و اهداف دیگری دارند. شبکه‌های عمومی وظیفه دارند در ساختن برنامه علائق همه مخاطبان را در نظر بگیرند و بگویند تا محتوایی را پخش کنند که موردپسند همه مخاطبان باشد. شبکه‌های تخصصی از این منظر راحت‌تر پیش می‌روند. آنها با لقیه مخاطبانی دارند که طرفدار موضوعات و محتوای تولیدشده هستند. به عبارت دیگر جامعه هدف، با پای خودش به این شبکه می‌آید و جذب کردنش قاعداً کار دشواری نیست. شبکه مستند از این منظر، در بین شبکه‌های تخصصی محور دیگر، امتیاز منحصرفردی دارد. این شبکه رقیبی ندارد. مثلاً شبکه سلامت را در نظر بگیرید. محتوای این شبکه دستورالعمل‌های پزشکی است که شما می‌توانید به راحتی در وب‌سایت‌های پزشکی در اینترنت یا حتی در شبکه‌های اجتماعی هم به چنین محتوایی دسترسی داشته باشید. شبکه مستند اما

درآمد شاخ‌های اینستاگرام بیشتر از بودجه وزارت ارشاد

مهدی موحدی‌بک‌نظر، سخنگوی سازمان امور مالیاتی گفت: «مجموع تراکنش‌های واریزی برای ۱۲۳ اینفلوئنسر در سال ۱۴۰۰ بیش از ۲٫۳ هزار میلیارد تومان بوده و برای این افراد حدود ۱۷ میلیارد تومان مالیات تشخیص داده شده که ۲۳ نفر از آنها این مالیات را پذیرفتند.»

او در ادامه توضیح داده است: «طبق بند ۶ تبصره ۶ قانون بودجه سال ۹۹، سازمان امور مالیاتی مکلف شد کاربران دارای بیش از ۵۰۰ هزار دنبال‌کننده رسانه‌های کاربرمحور که از محل درآمد تبلیغات، مشمول مالیات بر درآمد شدند را شناسایی و از آنها مالیات ستانی کند. اظهارنامه‌های سال ۹۹ و ۱۴۰۰ این اینفلوئنسر‌ها با دنبال‌کننده بالای ۵۰۰ هزار را مورد بررسی قرار داد و در نهایت ۵۵۱ کاربر و فعال مجازی دارای بیش از ۵۰۰ هزار دنبال‌کننده شناسایی شدند که مشمول مالیات بر درآمد می‌شدند.»

سخنگوی سازمان امور مالیاتی درباره چگونگی شناسایی گردش مالی این افراد توضیح داد: «برخی از این افراد در فضای مجازی شناسه هویتی تعریف شده‌ای نداشتند و یا اسامی مستعار و متفاوت از شناسه هویتی و مشخصات سجلی خودشان در رسانه‌های کاربرمحور فعالیت داشتند. طبیعتاً برای شناسایی هویت این افراد و میزان درآمد آنها، لازم به شناسایی هویت اصلی این افراد بود بنابراین شرکت‌های واسطی که تبلیغاتی برای این افراد جذب می‌کردند باید شناسایی می‌شدند تا به هویت اصلی و شماره حساب بانکی این افراد دسترسی پیدا کنیم.»



علی رهبری آثار آهنگسازان چند کشور را به صحنه می‌برد

در تیرماه ۱۴۰۱ بود که علی رهبری آهنگساز و رهبر بین‌المللی ایرانی به دعوت والری گریف (از مشهورترین رهبران جهان، برای اولین بار با ۲ برنامه و با اجرای آثاری از آهنگسازان مشهور روسی در اپرای ماینسکی سنت‌پترزبورگ روی صحنه رفت. دیمیتری شوستاکوویچ، ریمسکی کورساکف و ایلیچ چایکوفسکی آهنگسازانی هستند که علی رهبری آثارشان را رهبری کرد.

رهبری پس از این اجراها بلافاصله از سوی والری گریف، مدیرکل هنری مجموعه مارینسکی به‌عنوان رهبر دائم میهمان این مجموعه برای ۱۲ برنامه مختلف در هر فصل هنری انتخاب شد. علی رهبری برنامه یک‌ساله خود را برپایه تلفیق موسیقی شرق و غرب برنامه‌ریزی کرد و در ۱۲ ماه گذشته فقط در ماه نوامبر به‌علت کسالت نتوانست روی صحنه برود که البته رهبری این برنامه را خود والری گریف به‌جای علی رهبری به‌عهده گرفت. علی رهبری قرار است در روزهای ۲۳ و ۳۰ تیر برای بازدهمین و دوازدهمین برنامه‌اش در مارینسکی روی صحنه برود.

در برنامه جمعه ۲۳ تیر ۱۴۰۲ قطعات زیر نواخته می‌شود: اولین اجرای جهانی سوییت فلانکو (تلفیق موسیقی شرق و غرب) اثر مارتین خایمه آهنگساز معاصر اسپانیایی، سوییت دافنیس و کلوچه، اثر موریس راول آهنگساز فرانسوی، سمفونی شماره ۱۰ اثر دیمیتری شوستاکوویچ آهنگساز روسی قرن بیستم مارینسکی. در فصل هنری پیش‌رو که از اواخر شهریور شروع خواهد شد، علی رهبری کنار اپرای مارینسکی همکاری‌اش را با ۱۵ ارکستر سمفونیک کشور چین نیز شروع خواهد کرد.

اختلاف وزارت بهداشت و وزارت اقتصاد بر سر مجوز پزشکی ادامه دارد، ریشه ماجرا کجاست؟

پزشکان جوان؛ گروگان امضای طلایی



ابوالقاسم رحمانی

دبیرگروه جامعه

«تمام کار پزشک را من می‌کردم، از درآمد به‌دست‌آمده ۲۰ درصد را به من می‌داد و ۸۰ درصدش را خودش می‌گرفت. کارمان هم که بعد از مدتی تمام شد و من از آنجا رفتم، چندده میلیون طلبم را نمی‌دهد و وقتی پیگیری می‌کنم، می‌گوید برو

هر کاری برای حفظ انحصار

برای روایت عقبه ماجرا فکر می‌کنم باید به سال ۱۳۹۰ برگردیم و سال به سال و مورد به مورد جلوتر قدم بگذاریم. اما نه آن موقع و آن سال‌ها وضعیت مشابه امروز بود و نه حوصله من و شما می‌کشد مکررات را با هم مرور کنیم. پس مستقیم می‌رویم سر اصل مطلب، ماجرا از این قرار است که معاون درمان وزارت بهداشت و سازمان نظام پزشکی به‌عنوان سیاستگذاران و متولیان اصلی نظام بهداشت و درمان کشور در ائتلافی با یکدیگر تصمیم گرفتند با ایجاد محدودیت‌هایی مانع از ایجاد و تاسیس مطب و درمانگاه خصوصا در شهرهای بزرگ شوند تا خیلی رک و پوست‌کنده، انحصار پزشکان قبلی و قدیمی یا حتی نورچشمی‌ها حفظ شود. البته این به معنای عدم امکان تاسیس مطب

خاندوزی – عین‌اللهی؛ سرانجام این دوئل چه می‌شود؟

با توجه به مواردی که گفتیم و جریان قدرتمند پای کار این تبعیض و تعارض، بعد از تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار در اسفند سال ۱۴۰۰ توسط مجلس شورای اسلامی، ابلاغ آن در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ توسط رئیس‌جمهور، مقرر شد تا این موانع از سر راه پزشکان جوان برداشته شوند تا آنها بدون این محدودیت‌های آیکی، بعد از پایان تحصیل پی کسب‌وکارشان بروند که همچون سابق این طور نشد و در بر همان پاشنه قبلی می‌چرخد و امید پزشکان جوان از

استدلال سست وزارت بهداشت برای نپذیرفتن قانون

ابتدای گزارش یک روایت کوتاه‌نوشته از وضعیت پزشکان جوانی که طبابت‌بلندن‌ومدرکش را گرفته‌اند، اما به هر دلیلی شرایط اخذ امتیاز و آن محدودیت‌های عجیب‌وغریب برای طبابت را ندارند. حالا در ادامه هم بد نیست یک روایت دیگر را از گزارشی که سال پیش در همین رابطه نوشتیم بخوانیم. روایتی که یک پزشک عمومی به «فرهیختگان» گفت و نسبت به وضع موجود گلایه داشت. «می‌خواهم بگویم اینهایی که در قدرت بودند، آمدند یک‌سری قوانینی گذاشتند که کسی وارد محدوده اختیارات‌شان نشود. حالا یا به اسم شاخص جمعیتی یا به اسم شاخص امتیازی یا به اسم محدودیت حریم صنفی. خیلی‌ها بودند که به‌خاطر این پروانه طبابت‌بی‌خیال طبابت‌در ایران می‌شدند. می‌گفتندمی‌رویم عمان کار می‌کنیم که پروانه طبابت‌نمی‌خواهد. این تصمیمات باعث مهاجرت می‌شد. خیلی‌هایی خیال درمانگری می‌شدند یا خیلی‌ها که همین الان دارند کار می‌کنند ولی به‌خاطر پروانه نداشتن تحت استعمار قرار می‌گیرند، یعنی مثلا صاحب درمانگاه فردی غیرپزشک است، یا سهامدار بیمارستان پزشکی متمول است که خودش ۷۰ساله است

کمیسیون تبصره ۷، ترکیب برنده انحصارگرایان

کمی متقن‌تر و با آمار و ارقام بررسی کنیم؛ براساس شرایط موجود و با میل و اصرار وزارت بهداشت در ۴ دهه گذشته پزشکان برای تاسیس مطب موظف به جمع‌آوری امتیاز از طریق فعالیت در بخش دولتی هستند. هدف از این کار هدایت پزشکان جوان به سمت مراکز دولتی در مناطق محروم و تضمین دسترسی مردم این مناطق به خدمات پزشکی بوده است، هدفی که مشخصا هیچ‌گاه محقق نشده است. براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، اگرچه حدود ۲۰ درصد

زمان تغییر در سیاست‌های قدیمی فرارسیده

خب برای ادعای وزارت بهداشت و مقاومت آنها در برابر کامیابی پزشکان جوان چه راهی پیش‌رو داریم و آلت‌ناتیوو وضع موجود چیست؟ به جداول یک تا سه نگاه کنیم، در اعداد و آمار تامل کنید و بعد با من همراه باشید. طبق اطلاعات موجود و همان‌طور که گفتیم، حدود ۵۰ درصد از پروانه‌های طبابت در ۵ کلانشهر بزرگ (منطقه یک) که ۲۰ درصد جمعیت را شامل می‌شوند صادر شده و این پزشکان در این مناطق مشغول فعالیت هستند. اما نکته مهم‌تر این است که حدود ۸۰درصد پذیرش دانشجویان از مناطق دو و سه هستند و این یعنی یک فرصت طلایی پیش‌روی سیاستگذار که با تنویق دانشجویان این دو منطقه آنها را ماندگار کند و با توزیع پایدار و خدمات پزشکی مستمر در

هر جا که می‌خواهی شکایت کن!؛ این جملات را می‌توان به آدم‌های زیادی نسبت داد، یعنی به دلیل قوانین و شرایط عجیب‌وغریبی که در مشاغل مختلف وجود دارد، هر کس‌می‌و هر کارفرمایی می‌تواند کاری کند که یک نفر این‌طور استعمار بشودواقبت‌دستش‌به‌هیچ‌جایی‌هم‌بند‌نشود. منتهااینها‌در‌دلد یک پزشک جوان با ماست که به‌دلیل‌عدم امکان حضور در مناطق دورتر کشور مجبور به کار در شهر خودش بوده و نتوانسته امتیاز لازم جهت مجوز طبابت و مجوز تاسیس مطب را کسب کند و حالا بعد از کلی کار کردن و دریافت حداقل درآمد، پولش را هم

و درمانگاه نیست، ماجرا از این قرار است که اگر پزشکی بعد از دوران تحصیل قصد کرد مطب یا درمانگاهی ایجاد کند و کار طبابتش را پیش‌گیرد، باید امتیازی که مورد تایید سازمان نظام پزشکی است، کسب کند، مثلا باید چهار، پنج‌سال در یک منطقه‌دورافتاده و محروم کار و امتیازات لازم را کسب کند و بعد ارائه دهد و اگر موافقت شد، مطب تاسیس کند. فعلا به این کاری نذاریم، نکته مهم‌تر اینکه این مساله، یعنی کسب مجوز تاسیس مطب به‌نوعی اصل کار طبابت فرد را هم تحت الشعاع قرار داده، به این صورت که ممکن است یک نفر به هر دلیلی تمایلی به ایجاد مطب نداشته باشد یا در زمان حاضر امکان و قصدی برای گذراندن دوره در مناطق محروم نداشته باشد و نتواند این کار را بکند و بخواهد در یکی از کلینیک‌ها یا بیمارستان‌های محل زندگی‌اش مشغول کار باشد.

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

اصلاح‌رویه‌ها‌نامید‌شد. این گزارش هم قرار نیست شق القمر کند، منتها یک قدم مثل بقیه قدم‌هایی است که برای رفع این محدودیت‌ها برداشته شده و چشم امید به تاثیر آن در ایجاد تغییر داریم؛ تغییری که خیلی وابسته به زور خاندوزی و میل عین‌اللهی است؛ اولی پای کار و دومی بی‌میل نسبت به این تغییر به هر دری می‌زند برای حفظ انحصار همکاران، کشمکش بین‌شان هم از تیر سال گذشته و بعد از نامه رئیس مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب‌وکار جدی شد و بالاگرفت. نامه‌ای که سیاح در آن خطاب به رئیس سازمان نظام پزشکی خواستار

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

و نمی‌تواند کشیک بدهد، می‌گوید پزشک جوان به‌جای او کشیک بدهد و هرچقدر کار می‌کنند، ۳۵درصد برای آن پزشک است و ۶۵درصد برای سهامدار. ماحصل این مقررات این است و خیلی راه‌های در رو هم برایش گذاشته بودند. مثلا سهمیه ایناگران، ازدواج، محل کار شوهر و… اینها باعث رانت می‌شد. متاسفانه در نظام پزشکی نمی‌توانیم آمار دقیق بدهیم ولی شنیده‌ها حاکی از این است که متاسفانه خریدوفروش پروانه صورت می‌گیرد؛ یعنی پزشکی پول می‌داد به نظام پزشکی و پروانه‌اش از شهرستان به تهران منتقل می‌شد. از آنجایی‌که در نظام پزشکی شفافیتی وجود ندارد نمی‌توان این شایعات را نادیده گرفت. طرف، ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان به مسئولی در نظام پزشکی پول می‌داد و پروانه‌اش را از شهرستان به تهران یا یک کلانشهر دیگر منتقل می‌کرد ولی باعث فساد و رانت می‌شد. قانون تسهیل برای پزشکان جوان و تازه‌کار مثبت است اما نظام پزشکی می‌گوید من کاره‌ای نیستم. وزارت بهداشت هم می‌گوید من کاره‌ای نیستم. چون این قانون به‌نفع صاحبان قدرت نیست. با اجرای این قانون پزشکان درس‌شان رانمام می‌کنند و به‌راحتی پروانه طبابت می‌گیرند، در این صورت دیگر کسی نمی‌تواند او را استعمار کند

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

پذیرفته‌شدگان سالانه رشته پزشکی از ۵ کلانشهر بزرگ هستند اما نزدیک به ۵۰درصد پزشکان فعال در این ۵ کلانشهر (با ۲۰ درصد جمعیت کشور) حضور دارند و فعالیت می‌کنند. اخذ پروانه طبابت به هر علتی و بدونی پشتوانه قانونی و همان‌طور که روایت کردیم منوط به کسب امتیاز در مراکز درمانی دولتی شده، مراکزی که به دلیل محدودیت‌های فراوان و ظرفیت پایینی که دارند اصلا امکان پذیرش ۵ هزار پزشک به‌صورت سالانه را ندارند و همین بستری برای استعمار این پزشکان در مراکز درمانی مختلف به‌صورت غیررسمی و همچنین افزایش

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

این مناطق رضایت عمومی را هم به دست آورد. فرصتی که همیشه پیش‌روی سیاستگذار نخواهد بود و اگر درست از آن استفاده شود حتما آسیب‌ها و هزینه‌های طرح و تصمیمات قبلی را به همراه نخواهد داشت. علاوه بر اینها طبق آرزوهای مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب‌وکار روند افزایشی پذیرش پزشکان تعهدی با مصوبه «افزایش ظرفیت پزشکی عمومی» سال ۱۴۰۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌طور قابل توجهی تأمین نیاز مناطق محروم را تسریع کرده است. علاوه بر ورود پزشکان تعهدی به این مناطق، با ترویج فناوری‌های نوین ارائه خدمات پزشکی از جمله پزشکی از راه دور (تله‌مدیسن)، می‌توان پیش‌بینی کرد دسترسی این مناطق به پزشک عمومی و متخصص نسبت به گذشته تقویت خواهد شد.

یکشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۰ شماره ۳۹۰۱



جامعه

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

— 1 —

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

پزشکان جوان؛ گروگان امضای طلایی

خورده‌اند‌و‌هم‌دستش‌به‌هیچ‌جایی‌بند‌نیست. همیشه‌قوانین‌با‌چشم‌انداز‌های‌متعالی‌نوشته‌و‌وضع‌می‌شوند. اما همیشه‌آن‌چشم‌انداز‌ها‌عملی‌نیست‌و‌قوانین‌همان‌طور ثابت عمل نمی‌کنند. آفت‌در بند و تبصره به خیک قانون می‌بندند که اولاً کارکرد اصلی‌اش را از دست بدهد و بعد برای فرار مدام به همان نگارش اولیه ارجاع می‌دهند که مبادا کسی معج قانون‌شکن را بگیرد. ماجرای قانون مجوز تاسیس مطب و به تبع آن ماجرای مجوز طبابت و حواشی پیرامون آن از همین جنس است. مدت‌ها قبل عده‌ای با هدف مشخصی قانونی‌را وضع کرده‌اند و حالا

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

در این وضعیت بازهم فعالیت و طبابت او به‌صورت رسمی منوط به کسب آن امتیازات و دریافت آن مجوز است، یعنی تخصص او هم توسط وزارت بهداشت و سازمان نظام پزشکی به‌رسمیت شناخته نمی‌شود و همین موضوع باعث و بانی همان روایتی است که در ابتدای گزارش نوشتیم و البته خیلی چیزهای دیگر؛ یک‌فارغ‌التحصیل‌رشته پزشکی در بیمارستانی مثلا در همین تهران مشغول به کار می‌شود، امکان گذراندن طرح در مناطق محروم را ندارد، ولی چون به‌رسمیت شناخته نمی‌شود، به‌راحتی حشش را می‌خورد و بقیه که سسنبه‌پرزورتری دارند، آنها را استعمار می‌کنند. البته اینها فقط یک‌فقره از مسائلی بود که در این گزارش از آن‌خواهم‌نوشت. در همین‌موضوع مجوز تاسیس مطب اگر از ماده و تبصره‌های عجیب موجود در آن فعلا بگذریم، یک‌سری‌ادا

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

حذف سریع این محدودیت‌ها برای توزیع عادلانه پزشک و بهبود خدمات بهداشتی و درمانی برای عموم شد و نظام پزشکی هم خیلی سریع پشت سر مفهوم عدالت سنگر گرفت و مدعی شد اگر این محدودیت‌ها حذف شود، توزیع پزشک در مناطق محروم دچار مشکل می‌شود و دیگر کسی به دوره طبابت در مناطق محروم نمی‌رود و خلاصه از این‌جور بهانه‌ها. این‌البته‌پایان‌کشمکش‌بین‌وزارت‌اقتصاد‌و‌متولیان‌وزارت‌بهداشت‌نیود، پس از آن نامه‌نگاری یکی، دو نامه را خود وزیر اقتصاد خطاب به وزیر بهداشت نوشت و مواردی را به عین‌اللهی یادآور شد. منتها با گذشت حدود

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

که چون او پروانه طبابت تهران ندارد و من برایش قرارداد بیمه رد می‌کنم، پس ۲۵ درصد برای توو، ۷۵درصد برای من. هر‌جایی‌باب‌سهمیه‌باز‌می‌شود‌حالا‌یا‌هیات‌علمی‌یا‌جانمایی‌یا‌مناطق‌محروم و… باشد، ایجاد فساد و رانت می‌کند. مثلا عده‌ای می‌گویند مناطق محروم بدون پزشک می‌شوند و وزارت بهداشت مدعی است که با این قانون دیگر مناطق محروم بی‌پزشک می‌مانند، پاسخش این است که مگر شما در این همه سال سهمیه مناطق محروم ندادید؟ چه پزشک عمومی، چه متخصص. اینها الان کجا هستند؟ داشجویی با سهمیه مناطق محروم از اطراف کرمانشاه رادپولوزی قبول شده ولی الان مرکز استان طبابت می‌کند. در شهرستان‌های اهواز خیلی‌ها با سهمیه مناطق محروم رفتند و تخصص گرفتند. الان آنجا نیستند و در خود اهواز مطب زده‌اند. وزارت بهداشت به‌جای اینکه به کسی که سهمیه‌اش آزاد بوده و انتفاع خاصی از سهمیه نبرده، رفته درمش را خوانده و زحمتش را کشیده سخت بگیرد باید خودش متوجه این شود که سهمیه مناطق محروم‌ها دارند در مرکز استان‌ها کار می‌کنند. «همان‌طور که در این روایت هم مشخص شده وزارت بهداشت در پاسخ به مطالبه قانونی جهت ایجاد تسهیلات

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

انگیزه مهاجرت و مسائلی از این دست را فراهم کرده است. این مساله با علم به اینکه ۶۰درصد فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی دختر هستند بفرخ‌تر هم به نظر می‌رسد و می‌تواند سبب بروز مسائل و معضلات اجتماعی متعددی هم باشد. در نگاه‌های طلایی در احتساب سوابق به‌شدت پرزنگ است. به‌عنوان مثال سابقه است و مانعی جدی پیش‌روی آنها، خود مانع از توسعه زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی کشور هم شده است، چون پزشک جوان به دلیل محدودیت ظرفیت بیمارستان‌های دولتی امکان کسب امتیاز در آنها را ندارد و در پله بعدی ندون

امضای طلایی و بخت سیاه پزشکان جوان

مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب‌وکار در بررسی سیاست‌های توزیع پزشک در کشور به این مساله اشاره می‌کند که در آیین‌نامه فعلی تاسیس مطب، امضاهای طلایی در احتساب سوابق به‌شدت پرزنگ است. به‌عنوان مثال سابقه فعالیت آزاد مشروط صادره توسط شبکه بهداشت و سابقه خدمت رسمی با پیمانی در ارگان‌های لشکری و کشوری یا نهادهای عمومی غیردولتی شامل شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه آن، هلال احمر، کمیته امداد امام خمینی، بنیاد مسکن، کمیته ملی المپیک، بنیاد ۱۵ خرداد، سازمان نظام پزشکی، سازمان تأمین اجتماعی، جهاد دانشگاهی و بنیاد بیماری‌های خاص که با اخذ مجوز طبابت مشروط از طریق اعلام نیاز این نهاد‌ها صورت گرفته است، موید رواج امضاهای طلایی در این مجوز است که هیچ‌گونه با کارکرد تنظیم توزیع پزشک همخوانی ندارد.

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

تفکیک پروانه طبابت از پروانه مطب و حذف شرط امتیاز؛ و‌السلام آنچه نوشتیم همه آن چیزی که باید باشد نیست، یعنی مطالبه پزشکان جوان، مطالبه مردم مناطق محروم و مطالبه متخصصان و دغدغه‌مندان بیش از این سباهیه‌ای است که پیش روی شماست. با این اوصاف سعی شد تا حدی از عجایب موجود در فرآیندهای قانونی کسب‌وکار پزشکان بنویسیم و مطالبات‌مان را هم مرتب کنیم. این‌که من بعداز این چه اتفاقی‌سورد‌انتظار و تصور است، خب پرواضح است. اما اینکه چه چیزی عاید ما و پزشکان جوان می‌شود، ترجیح بر امیدواری است. چیزی زیادتر از همانی که وزارت اقتصاد پای آن ایستاده نمی‌خواهیم. در حال حاضر بالای ۷۵ هزار پزشک دارای پروانه طبابت در کشور توزیع شده و غالبا حضور پایدار چندین ساله داشته‌اند. اکثریت این گروه در وضعیت فعلی نیز امتیاز لازم برای جابه‌جایی به شهرهای بزرگ را دارند، اما با این حال شرایط

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

جدول ۲؛ پذیرش رشته پزشکی کنگور سراسری ۱۳۹۹		
سهمیه	تعداد	درصد
منطقه ۱	۱۱۸۹	۲۲٫۸
منطقه ۲	۲۴۷۹	۴۷٫۵
منطقه ۳	۱۵۴۵	۲۹٫۷
کل (بدون سهمیه ایناگران)	۵۲۱۳	۱۰۰
جدول ۳؛ مصوبه افزایش ظرفیت پذیرش پزشک تعهدی مناطق محروم شورای عالی انقلاب فرهنگی		
سال پذیرش	افزایش پذیرش در سال هدف	جمع پذیرش در سال هدف
۱۴۰۰	معادل ۱۶۰۰ نفر	حدود ۸۰۰۰ نفر
۱۴۰۱	معادل ۱۶۰۰ نفر	۹۶۰۰ نفر
۱۴۰۲	معادل ۱۹۲۰ نفر	۱۱۵۲۰ نفر
۱۴۰۳	معادل ۲۳۰۴ نفر	۱۳۸۲۴ نفر
۱۴۰۴	معادل ۲۷۶۵ نفر	۱۶۵۸۸ نفر

مدیرمسئول:محمد‌امین ایمانجانی-سرمدبیر:مسعود فروغی

تلفن وفکس:۶۲۹۹۴۹۵ (۰۲۱) کدپستی: ۱۱۳۵۲۳۸۱۶

چاپ:چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی: خیابان حافظ، پابین‌تر از جمهوری،روبه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فریختگان، طبقه سوم

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

پزشکان جوان؛ گروگان امضای طلایی

همان قانون که روزگاری شاید کارکردهایی داشت، بالای جان پزشکان جوان کشور شده و عایدی‌اش جز سر‌خوردگی و سختی تحمیلی به پزشکان جوان، مهاجرت تعداد زیادی از آنها، رواج امضاهای طلایی و درنهایت نقص در دسترسی مردم به خدمات بهداشتی و درمانی است. البته یک‌سال است که تلاش‌هایی در جهت بهبود وضعیت موجود صورت گرفته‌اما سنبه مخالفان تغییر آفت‌در‌پر زور بوده که تا‌الان جز‌روی کاغذ، اتفاق عملیاتی خاصی نیفتاده و پزشکان جوان چشم‌انتظار گشایشی در جهت انجام طبابت‌شان هستند.

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

اطوار من درآوردی دیگر هم داریم، عناوین و موارد عجیبی چون شاخص جمعیتی، حریم صنفی و نصاب امتیازی و امثالهم که هر‌کدام از آنها در جهت تقویت انحصار و قدرت با سابقه‌تر‌ها در عالم پزشکی کشور است. شاخص جمعیتی یعنی اگر منطقه‌ای ۶۰ هزار نفر جمعیت دارد، براساس این شاخص جمعیتی تنها به ۳۰۰ پزشک در آن منطقه می‌توان پروانه مطب داد و اینجا دیگر شرط امتیازی ملاک و معیار نیست یا حریم صنفی به این معناست که اگر کسی به‌عنوان مثال در خیابان سیدخندان مطب و درمانگاه ششانه‌روزی دارد تا ۴۰۰ متر آن‌طرف‌تر پزشک دیگری حق ندارد درمانگاه شبانه‌روزی احداث کند. اینها درکنار همه سریالی از مسائل، قوانین و محدودیت‌هایی است که چون حصار به دور پزشکان جوان کشیده شده و مانع از کسب‌وکار آنهاست.

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

یک‌سال از آغاز این مسیر پرحالش، هنوز خیر خوشی نیست و به گوش نمی‌رسد. خاندوزی صراحتاً و با استناد به مواد و موارد قانونی از عین‌اللهی می‌خواهد موانع و محدودیت‌های موجود در مسیر کسب‌وکار پزشکان جوان را بردارد ولی عایدی این مطالبات و نامه‌نگاری‌ها تا امروز تقریبا هیچ بوده و عین‌اللهی زیربار قانون و حمایت از پزشکان جوان نرفته است. ما که منتظر نتیجه این دوئل هستیم، اما بیشتر از آن مواردی را با هم مرور می‌کنیم تا صورت‌مساله روشن‌تر و فرار وزارت بهداشت از پذیرش این مسئولیت نمایان‌تر شود.

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

برای کسب‌وکار پزشکان جوان همان ادعای نخن‌مای قدیمی یعنی تأمین پزشک در مناطق محروم را علم می‌کنند، درحالی‌که واقعا این همه سال پزشک و فارغ‌التحصیل را به مناطق محروم فرستادید کدام‌شان آنجا ماندگار شدند؟ آیا بهتر نیست تسهیلات بهتر و بیشتری در نظر بگیریم تا پزشک با میل و رغبت خودش یا با هر سیاست بهتری در آن منطقه ماندگار شده و به مردم خدمت کند؟ مضاف بر اینها درک این واقعیت که پزشکان مشغول در شهرهای بزرگ را نمی‌توان به‌صورت پایدار به مناطق محروم انتقال داد و مسیری که یک بار در طرح تحول بیموده و حتی درقافتی پزشکان تا ۵ برابر هم افزوده شد نتیجه‌ای نداشت، دوباره بپیمود. وزیر وقت بهداشت بعد از اجزای طرح تحول اذعان کرد که با اجرای این طرح تنها ۱۵۰ نفر داوطب خدمت در مناطق محروم شدند و این یعنی شکست قطعی آن طرح یا آن هزینه‌های گزاف. اصلا این سوال هم بی‌پاسخ مانده که چرا مردم مناطق محروم باید کسی‌های آزمایشگاهی و آزمون و خطایی پزشکانی باشند که صرفا از سر جبر کسب امتیاز با در آن مناطق گذاشته‌اند و میر با زود آنجا را ترک می‌کنند و جای خود را به پزشک تازه کار دیگری می‌دهند.

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

امتیاز اجازه طبابت و ایجاد مطب از او سلب شده، پس شد آنچه شده! اینکه با چه متر و معیاری کسی پروانه بگیرد و طبابت کند و مطب بزند یا نه همه در کمیسיוنی تحت عنوان کمیسیون تبصره ۷ صورت می‌گیرد که دل خیلی از پزشکان جوان از این کمیسیون و تصمیمات و ترجیحات آن خون است. کمیسیون تبصره ۷ متشکل از ۴ نماینده وزارت بهداشت و یک نماینده سازمان نظام پزشکی است که ترکیب این کمیسیون هم خود موید ائتلافی است که در همان اوایل گزارش به آن اشاره کردیم.

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

حتی درمورد شهرهایی که مشمول شاخص جمعیتی بوده و از لحاظ دسترسی به پزشک محروم هستند نیز شرط امتیازبندی حذف نشده و متقاضیان بایستی فرآیند غیرشفافی را برای اخذ نامه استناد جمعیتی از معاونت درمان شهرستان‌ها اخذ کنند. به گفته پریوست اداره آرزوایی عملکرد و رسیدگی به شکایات سازمان نظام پزشکی، از بین افرادی که در این سال‌ها شماره نظام گرفتند به‌طور تصادفی ۵۱۰ پرونده از میان شماره نظام پزشکی‌های ۱۳۰ هزار به بالا مورد بررسی قرار گرفت که ۶۸ پرونده مشکل داشت و بررسی‌ها نشان داد که اقداماتی مانند اخذ رشوه، جعل نامه و… صورت گرفته است. در ارتباط با این مساله یکی از دوستان مطلع هم به ما اعداد عجیب‌وغریب‌تری می‌گفت و ادعا می‌کرد شاید حدود ۳۰ درصد پروانه‌های طبابت در همین یکی دو سال اخیر برمبنای امتیاز و گذراندن دوره و… صادر شده و الباقی مسیر دیگری را طی کرده‌اند!

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

جابه‌جایی پروانه بین شهرها همچنان باید حفظ شود. دسته دیگری از پزشکان نیز در حال گذراندن طرح یا خدمت‌سربازی هستند. با تغییر ضوابط «پروانه طبابت»، تنها پزشکانی که تعهدات خود را گذرانده‌اند اما هنوز امتیاز لازم برای اخذ پروانه را کسب نکرده‌اند، می‌توانند توزیع را تحت‌تاثیر قرار دهند که این مقدار هم ناچیز است. از طرفی طبابت غیررسمی و زیرزمینی، بخشی از ظرفیت فعلی درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های بخش خصوصی در شهرهای بزرگ را نیز پر کرده است. بنابراین تفکیک پروانه طبابت از پروانه تاسیس مطب و حذف شرط امتیازبندی از صدور پروانه طبابت اثر منفی بر تغییر توزیع فعلی و روند آینده آن نخواهد گذاشت. با این حال، می‌توان به کمک اعمال سیاست‌های مالیاتی به نفع مناطق محروم، از تمرکز پزشکان در شهرهای بزرگ نیز جلوگیری کرد. این یعنی همان چیزی که باید باشد ووزارت اقتصاد به آن اصرار دارد.

ابوالقاسم رحمانی، دبیر گروه جامعه

جدول ۱؛ تعداد پروانه طبابت‌های فعال در ۵ کلانشهر بزرگ		
شهرستان	پروانه طبابت	درصد جمعیت از کل
تهران	۲۰۳۶۸	۱۱
مشهد	۴۶۶۲	۴
شیراز	۳۸۱۰	۲
اصفهان	۳۷۰۳	۳
تبریز	۲۴۰۱	۲
مجموع ۵ کلانشهر	۳۴۹۴۴	۲۲
کل کشور	۷۱۷۴۱	۱۰۰
جدول ۲؛ پذیرش رشته پزشکی کنگور سراسری ۱۳۹۹		
سهمیه	تعداد	درصد
منطقه ۱	۱۱۸۹	۲۲٫۸
منطقه ۲	۲۴۷۹	۴۷٫۵
منطقه ۳	۱۵۴۵	۲۹٫۷
کل (بدون سهمیه ایناگران)	۵۲۱۳	۱۰۰
جدول ۳؛ مصوبه افزایش ظرفیت پذیرش پزشک تعهدی مناطق محروم شورای عالی انقلاب فرهنگی		
سال پذیرش	افزایش پذیرش در سال هدف	جمع پذیرش در سال هدف
۱۴۰۰	معادل ۱۶۰۰ نفر	حدود ۸۰۰۰ نفر
۱۴۰۱	معادل ۱۶۰۰ نفر	۹۶۰۰ نفر
۱۴۰۲	معادل ۱۹۲۰ نفر	۱۱۵۲۰ نفر
۱۴۰۳	معادل ۲۳۰۴ نفر	۱۳۸۲۴ نفر
۱۴۰۴	معادل ۲۷۶۵ نفر	۱۶۵۸۸ نفر

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir

فرهنگ‌پژشان

www.fdn.ir